ژوندون

اطلاعات او کلتور

شماره ۳۸
سال ۲۷

پنجشنبه ۲۰ قوس ۱۳۵٤ـ ۹
ذیحجه ۱۳۹۵ـ ۱۱ دسمبر ۱۹۷۵
قیمت ۱۳ افغانی

اختصار وقایع مهم هفته

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت وصدراعظم بامهمان محترم شان بناغلی نیکولای پودگورنی در حالیکه سلام گارد تشریفات را قبول میفرمایند .

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت وصدراعظم مو قعیکه وزیر امور خارجه چکوسلواکیارا درقصر ریاست جمهوری پذیرفته وباوی صحبت مینمایند.

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت وصدراعظم هنگا میکه سفیر کبیر غیر مقیم جمهوریت دیموکراتیك ویتنام درافغانستان رابرای تقدیم اعتماد نامه اش پذیرفتند.

درکشور

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت وصدراعظم قبل ازظهر روزسه شنبه ازمهمان محترم شان بناغلی نیکولای ویکتورویچ پودگورنی صدر هیأت رئیسهٔ شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی درمیدان هوایی بین المللی کابل استقبال نمودند.

بنا بدعوت بناغلی رئیس دولت وصدراعظم صدر هیأت رئیسهٔ شورای عالی اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی برای یك بازدیدرسمی ودوستانه از افغانستان ساعت ۱۰ونیم قبل ازظهر توسط طیاره مخصوص وارد کابل گردیدند.

قرار یك خبر دیگر

بناغلی محمد داؤد رئیس دولت وصدراعظم ساعت سه بعداز ظهر همانروز با بناغلی نیکولای پود گورنی صدر هیأت رئیسهٔ شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سو سیالیستی درقصر ریاست جمهوری ملاقات ومذاکره کردند.

درین مذاکرات که درفضای بسیار دوستانه وصمیمانه سه ساعت دوام کرد، روی مسایل ذات البینی ، موضو عات منطقه ومسایل بین المللی مورد علاقه ، بحث وتبادل نظر صورت گرفت.

• • •

بناغلی بوهو سلاف خنیو پك وزیر امور خارجه جمهوریت سو سیالیستی چکوسلواکیا بنابدعوت بناغلی وحید الله معین سیاسی وزارت امور خارجه برای یك مسافرت رسمی به افغانستان روز یکشنبه وارد کابل شد.

قرار یك خبر دیگربناغلی خنیوپك ساعت چار بعد ا ز ظهر بابناغلی وحید عبدالله ملاقات ومذاکره نمود .

طی این مذاکره بین طرفین راجع به روابط وهمکاریهای افغانستان وچکوسلواکیا وسایر مسایل مورد علاقه دوکشور تبادل نظر صورت گرفت.

• • •

امروز پنجشنبه بیست قوس مصادف باروز عرفات وروز جمعه بیست ویك قوس روزاول عید سعید اضحی می باشد.

مولوی عبدالبصیر رئیس مقام عالی تمیز وزارت عدلیه گفت چون درکشور عربستان سعودی شرعاً ثابت شده که روز پنجشنبه نهم ذیحجة الحرام ۱۳۹۵، هجری قمری مصادف باروز عرفات میباشد بنابران روز جمعه بیست ویك قوس روز اول عید سعید اضحی است.

نطاق وزارت امورخارجه روز پنجشنبه گذشته راجع به حملات وبمباردمان طیارات اسرائیلی برکمپ های مهاجرین فلسطینی درلبنان گفت که حکومت افغانستان این حملات وحشیانه را همیشه به شدت تقبیح کرده ومی نماید ومعتقداست که حالا وقت آن رسیده تاجامعهٔ بین المللی جدا جلو چنین تجاوزات بیرحمانهٔ وغیر انسانی اسرائیل راگرفته وبرای مجازات آنکشور تعزیرات اساسی ولازم رابه زود ترین فرصت وضع کند.

هیأت انجمن دوستی جمهوریت مردم چین

• • •

وافغانستان ساعت ده ازظهر روز یکشنبه باپوهاند دوکتور نوین وزیر اطلاطات وکلتور ملاقات نمود.

همچنان هیات ساعت دونیم بعد ازظهر بابناغلی وحید عبدالله معین وزارت امورخارجه ملاقات نمود.

در خارج

درحالیکه دو وزیر بنگله دیش روز شنبه وارد هند شد تاآنچه یك خبر نگار(وجود اختلافاتی) بین دوطرف خوانده حل نمایددرخود بنگله دیش مقامات مربوط به جمع آوری سلاحها که بصورت غیر قانونی نزد مردم وجوددارد ادامه میدهند.

• • •

دوکتور کورت والد هایم سر منشی موسسه ملل متحد ویکنفر نماینده وی به یك سلسله مذاکرات باروٌف دنکتاش رهبر ترکهای قبرس آغاز کرده اند.

• • •

طبق اطلاعاتیکه صبح روز یکشنبه بدست آمده دراثر جنگهای ناگهانی وشدیدی که تانیمه دیشب درشهر بیروت دوام داشت «۷۰»نفر به قتل رسیده و..۳تن دیگر مجروح گردیده است ..۲ نفر دیگرازوسط راه ربوده شده اند.

• • •

نماینده رویتر درخبری که از لاهورمخابره نموده متذکرشد که احزاب مخالف حکومت پاکستان روز ۲۸قوس «۱۹دسمبر» را بحیث روز اعتراض ملی علیه سیاست های حکومت ذوالفقار علی بوتو صدراعظم پاکستان اعلام نمودند.

• • •

پرتگال مناسبات خود رابا اندونیزیا نسبت به آنچه «تجاوز آشکار نیروهای عسکری- اندونیزیا برپایتخت تیمور شرقی» خوانده است قطع کرد.

پیک ژوندون

تجلیل این ایام فرخنده یا خاطره ایکه‌میتوان آنرا بزرگترین نمونهٔ ایثار وفداکاری انسان در راه رضای خدا وسر مشق ایثارواز خود گذری در راه ایمان وعقیده دانست برای هر فرد مسلمان خیلی آموزنده‌ودرخورتامل است.

ازبیانات رئیس دولت وصدراعظم

پنجشنبه ۲۰ قوس ۱۳۵٤ برابربا ۹ ذیحجة الحرام ۱۳۹۵ مطابق۱۱دسامبر ۱۹۷۵

عیداضحی

عید سعید اضحیٰ فر خنده ایا مـی است که مسلما نان سر تاسـر جهان ازآن تجلیل بعمل آورد، ودر روزهای خجسته عید وجیبه قربانی را مطابق به متون فقه حنفی بجا می آورند .ادای قر بانی بر هـر مسلمان توانا ومستعد وا جب‌است زیرا حضرت ابرا هیم (ع) بنا بـه فرمان پرورد گار مامور گشت تـا فرزند ش حضرت اسما عیـل را قربانی کند.

وبد ینتر تیب حضرت ابرا هیم (ع) در برابر یك آزمون عظیم قرار میگیرد وازین امتحان دشوار و امر خطیر پیروز مند بدر میاید وقربانی اسما عیل (ع) بروی نهی میگردد. وبجای فرزند، حضرت اسما عیـل گوسفندی را قربانی میکند.

از همین جاست که مسلما نان مستعد وکسا نیکه توا نا یـی‌مادی قربانی رادارند. همانطور یکـه در خطبهٔ نماز عیداضحی خطبا بیان‌می دارند، بنا بر احکا م ودسا تیـر دین اسلام قربانی مید هند ویکی از وجایب اسلا می رابجای می آورندو

بااداى این وجیبه ایام‌عید راباخوشی وسرور سپری می نما یند.

بهمین ترتیب درآسنا نه عیـد اضحی،روزعرفات، یکتعدادمسلمانان به‌زیارت‌خانه‌خدا، ادای‌فریضه حج‌که رکن‌پنجم‌اسلام‌است‌مفتخر گردیده‌و به‌یك آرزوی مقدس نایل میشوند. بنابر این مناسبت نیز که‌مسلمانان به‌یکی از آرزو های دینی خو یشس دست یافته اند، درایام عید اضحی خوشی میکنند واین روز هـا را شادمانه تر از هر وقت دیگر تجلیل می نمایند.

ایام عید روز های است متبرك‌و فر خنده که دراین هنگام بـرای مسلمانان زمینه وامکا ناتی مهیـا میگردد تااگر خصو مت ،کینه و دشمنی درمیان باشد رفع گردد و خاطره های زشت وخصو مت آمیزاز لوح ضمیر شان پاك گردد.

راستی اینست که درایام عید ایـن امکان برای همه وجود درد تا دل های شانر از عداوت وکینه توز ی پاك گردانند .روی همین ملحـوظ تمام مسلمانان پس‌از ادای نماز عید حلول‌عیدرابهمدیگر شان مبارك باد وتهنیت میگو یند وروز های خوش رابرای یکدیگر آرزو میکنند.

درایام عید به استقبا ل کسیکه تیرگی به‌او درمیان باشد ،رفتـن، امکان رفع کدورت ها را بو جـه نیکو وشایسته‌مساعد سا خته‌است.

پو شیدن لباس نو نیز براساس این مفکوره بوجود آمده است کـه همانطو ریکه یك مسلمان درروزهای عید لباس های نو به‌تن میکندبهمان گونه بایست افکارش راو بخصوص اگر اندیشه کینه‌جو یانه وخصومت آمیز باکسی داشته باشد ،نوگرداند وذهنش راسر ازنو با صیقل صلح، دوستی، صفای نیت ومحبت شتشو دهد وهرچه افکار واندیشه بد در اثیر دماغ دارد پاك‌از میان بردارد.

بدینتر تیب مجله ژوندون‌حلول عید سعیداضحی رابه تمام‌مسلمانان افغا نستان ولمهان تبر یك وتهنیت گفته وروز های خو شی را درایام فرخنده عید برایشان آرزو میکند.

خبرهفته

بمقصد کمك ومساعدت به مامورین‌واجیران دولت سرازروزیکشنبه برای کوپونداران چای توزیع میگردد.

یك‌منبع ریاست کوپراتیف مامورین گفت: حکومت برای رفع نیازمندی های کوپونداران یك‌مقدار چای ازخارج تورید نموده است‌که ازطریق مغازه های مربوط کوپراتیف‌مامورین درهرماه بمقابل ارائه پارچه کوپون یك‌قطی سربسته چای سیاه بوزن پنجصد گرام‌دربدل شصت وهفت افغانی توزیع مینماید.

منبع علاوه کرد کو پونداران میتوانندسر ازروز یکشنبه چای استحقاقیه‌برج‌قوس‌خویشرا ازمغازه های مربوط بدست بیاورند.

بمقصد کمك با مامورین واجیران دوایر دو لتی از طر یق مغازه های ریا ست کوپراتیف‌مامورین واجیران رخت‌توزیع‌میگردد.

یك منبع آنریاست گفت که کوپراتیـف مامورین واجیران یك اندازه رخت راتهیه‌نموده وبامامورین اوجیران دولتی توزیع مینماید.

منبع علاوه‌کرد مامورین واجیران میتوانند در مقابـل ارائه پـار چه هـای احتیاطی ماه‌قوس کوپون شان، پنج متر فللین ازقرار فی‌متر ۱٦–افغانی‌وهات وتیم‌متر کتان برکلان فی‌متر ۳۵– افغانی که نمونه های آن در همه مغازه‌های‌موجوده نشانی شده است‌اخذ‌بدارند.

• • •

به‌ارزش اضافـه از بیست وسه ملیون‌و پنجصد و نود هزار افغانی کود کیمیاوی‌وگندم اصلاح شده بمنظور استفاده درکشت تیرماهی به دهقانان کندز، تخار وبد خشان‌توزیع گردیده است.

ودرکندز وتخار هنوز ادامه دارد.

منبع اضافه کردبرای اینکه دهقانان‌ازکود وگندم درکشت استفاده نموده باشند توزیع آنطور قرضه صورت گرفته ست.

پیام بناغلی رئیس دولت و صدراعظم

بمناسبت روز حقوق بشر

این پیام بمناسبت بیست و هفتمین سالگرد اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر، شب چارشنبه توسط پوهاند دکتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور از رادیو افغانستان قرائت گردید.

فردا که مصادف با بیست و هفتمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر است، افتخار دارم بار دیگر بنام مردم و حکومت افغانستان، پشتیبانی کامل خود را از اساسات اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر ابراز دارم.

افغانستان با اعتقاد راسخ به منشور ملل متحد و پرنسیپ های مندرجه اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر، همواره در امور و فعالیت هایی که منظور آن تحقق جهانی پرنسیپ های حقوق بشر باشد، سهم فعال داشته و از حقوق مردمی که در راه تعیین حق سر نوشت، از بین بردن استعمار، سلطهٔ اجنبی، اپارتاید وسایر اشکال تبعیض نژادی در مبارزه اند پشتیبانی کامل نموده است. علاوتاً نمایندگان افغانی در تدوین میثاقهای حقوق بشر و امور کمیسیون‌های حقوق بشر مجدانه همکاری نموده‌اند.

حکومت افغانستان نسبت به این روز مهم و فرخنده جهانی یکبار دیگر یاددهانی میکند اگر چه بیش از یک ربع قرن ازاعلامیهٔ حقوق بشر سپری گردیده، با آنهم در بسیاری نقاط دنیا مردمانی وجود دارند که از حق تعیین سر نوشت و رهایی از سلطهٔ استعمار، که حق مسلم هر جامعهٔ بشری است، محروم اند. با درک این واقعیت آرزو مندیم که در ین راه تدابیر بیشتر و مؤثر تر از طرف ملل متحد که پشتیبان حقوق اساسی بشر میباشد، اتخاذ گردد تا آنهائیکه تاکنون از حق مسلم خویش محروم اند بان نایل آیند برای نیل به این اهداف عالی همچنان لازم است تا جامعهٔ بشری بطور دسته جمعی برای از بین بردن استعمار، هر نوع تبعیض نژادی، اقتصادی، سیاسی، کلتوری و اجتماعی همکاری نمایند.

بانیست گفت: وقتیکه سالگرد اعلامیهٔ حقوق بشررا تجلیل مینمائیم، اکثریت جامعهٔ بشری با آلام ومصائب ازقبیل فقر، بیسوادی و بیماری دست به گریبان اند.

موجودیت چنین بی عدالتی ها به سویه جهانی، تطبیق کامل پرنسیپ های حقوق بشر راکه مندرج اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر میباشد، دشوار میسازد. ناگزیر است اظهار نمود که بدون پی ریزی یک نظام نوین اقتصادی وتطبیق آن یک گام مؤثردر راه رسیدن به اهداف اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر وصلح دایمی و پایدار متصور نیست.

در خاتمه یکبار دیگراهمیت این مناسبت جهانی را تائید نموده، از اقدامات و فعالیت هایی که تاکنون تحت سر پرستی مؤسسهٔ ملل متحد در راه تطبیق اعلامیه جهانی حقوق بشر خصوصاً دردوران دهه انکشاف حقوق بشر صورت گرفته است، بنمایندگی از مردم و حکومت افغانستان تقدیر مینمایم.

(شام ۱۸ قوس ۱۳۵٤)

توجه بیشتر مابه بهبود وضع اقتصادی وتحولات اجتماعی ماست

آنچه راکه وعده داده ایم در ایفای آن کوشیده ایم وخواهیم کوشید

هیچ جنبش ملی تا و قتی ازافکار و عقاید فرزندان این خـــاک‌وپشتیبانی و تایید ملت افـغانستان‌سرچشمه‌نگرفته باشد موفق‌نگردیده ونخواهد گردید .

ریاست دفتر جمهوری روز۱۵قوس مصاحبه بناغلی محمد داؤد رئیس دولت وصدراعظم را که با بناغلـــی گی‌ری‌ویرنمایندهٔ روزنامه لوموند چاپ پاریس بتاریخ ۱۲قوس ۵٤ در قـصر ریاست جمهوری صورت گرفته به‌نشر سپرده است.

سوال- بناغلی رئیس دولت اینك دوسال می شود شما قدرت رابدست گرفته اید ازجولای ۱۹۷۳ باینطرف چه‌تغییراتی درافغانستان رخداده است شما اصـلاحات اراضی و قانون‌اساسی راوعده داده اید . این دو موضوع به‌کجا رسیده است ؟

جواب - شما میدانید کـه‌دوسال برای تطبیـق تحولات بزرگ و باین زودی برآورده ساختن تمام نابسامانی های دیرینه مدت زیادی نمی بـاشد. درحال حاضر وشرایط فعلی تو جـه بیشترمابه بهبود و ضع اقتصادی و تحولات اجتماعی ماست که باتو جـه کامل ومساعی دوامدار در تنظـیم و تطبیـق آن یکی بعدیگری میکو شیم که البته تفصیل هرکدام آن دریـــن فرصت کوتاه میسر نیست.

امادر صورتیکه مایل باشیدمیتوانید ازطریق وزارت خانه های مر بـــوط ازجز ئیات آن‌آگاه‌شوید.

آنچه راکه وعده داده ایم درحدود امکانات درایفای آن کوشیده ا یـــم وخواهیم کوشید .

قانـــون اصلا حات ارضی تکمیل و نشر شده است ویکسال بعدنافذوعملی خواهدشد. بدیهی است درجریان‌این یکسال‌تشکیلات، لوایح ومقررات‌قانون اصلاح ارضی ترتیب وتنظیم‌خواهدشد.

همچنان غور وتدقیـق مسوده قا نون اساسی آینده افغانستان به کمیسیون باصلاحیت تری سپرده خوا هد شدتا درباره اش مشوره ونظر بدهددرآنوقت بعداز ارزیابی دولت مسوده قـا نون اساسی به‌لویه جرگه غرض تصو یب تقدیم خواهد شد.

سوال - ایران برای انکشاف‌منابع افغانستان تعهدات مهمی کرده است. آیا بناغلی رئیس دولت می تواننـد راجع به‌روابط افغانستان با ایـــران توضیحاتی بدهند نظر شما راجع بـه پیشنهاد ات اخیری که‌ایران به‌ترکیه وپاکستان در مورد تو لیدمشترك‌سلاح کرده است چیست ؟

جواب- بلی ماز کمکهای قا بـل قدر همسایه دوست ما ایران در پلان هفت ساله افغانستان متشکریم‌وروابط مابا ایشان کامـلا دوستانه وصمیمانه می‌باشد . درباره قسمت اخیر سوال تان به‌عقیده من دفاع ازاستقـــلال و حاکمیت ملی وظیفه هر ملت است . امامسابقات تسلیحاتی در هر زمـــان وهرجائیکه با شد موازنه ها رابر هم میزند تشنجات بار میاورد ودرنتیـجه گمان نمیکنم بسود صلـح جهـا نـی تمام شود .

سوال -بوتو صدر اعظم پاکستان دریکی ازبیانات اخیرش مطلبی درباره تقویه وتجهیز قوای افـغانستان در حواشی سرحدات پاکستان گفته است. نظرشما رادرین باره می خـو ا هـــم بدانـم .

جواب - درین باره چند روز قبل وزارت امور خارجه افغانستان حقایق راتوضیـح کرده است می توانم‌یکبار دیگر بگویم که اتها مات بناغلی‌بوتو کامـلا عاری از حقیقت‌است.

سوال -به‌نظر شما بهترین وسیله عادی ساختن روابط افغانستان بـــا همسایه اش پاکستان چیست .

جواب - بهترین وسیلـــه عاد ی ساختن روابط ، واقع بینی، حسن‌نیت طرفیـن وتصمیم در حـل عا دلانـهٔ پروبلم ازراه مفاهمات ومذا کـــرات دوستانه وصلح جویانه می‌باشد.

سوال - بناغـلی رئیس د و لت هنگامیکه شما قدرت رابدست گرفتید سقوط سلطنت در افغانستان بحیـث یك کامیا بی اتحاد شوروی قلمـداد شد . روابط فعلی شما بامسکو ازچه قرار است .

جواب - شما به‌زعم ومقصد خـود نسبت به انقلاب ملی ما هر تعبیر خواسته باشید بکنید مربوط بخـــود شماست اماآنچه من می‌توانم‌بصر احت بگویم اینست که هیـچ یك جنبش‌ملی تاوقتیکه از افکار وعقاید فرزندان‌خود این خاك وپشتیبانی و تا ئید ملـت افغانستان سرچشمه نگر فته بـاشد موفـق نگردیده ونخواهد گردید اوراق تـاریخ کشور ما بهترین شا هد آن است .

بجواب قسمت اخیر سوال شمابابد بگویم که روابط ما بااتـــحادشوروی بیش ازنیم قرن همواره‌براساس‌دوستی احترام متقابل وحسن همجواری استوار بوده وامیدوار م همیشه چنین خواهد بـــو د .

سوال- درین اواخر سه قرار داد مهم، بین کشور شما وفرانسه منعقد شده‌است. بناغلی رئیس دولت‌همکاری بین افغانستان وفرانسه راچگو نـــه درنظر دارند .

جواب- شکی نیست که ماهمیشه‌با فرانسه روابط دوستانه داشته ایم . اکنون هم خوشبختانه قرار داد هایی درباره تفحص نفت وادی کتوازوسروی پروژه های راه آهن وبند فراه ر ود بافرانسه امضا گردیده ودر بر خـی پروژه های دیگر نیزفرانسوی ها کار میکنند وامیدواریم که‌این هـــمکا ری بیشتر گردد .

سوال- می‌خواهم نظر تا نرا درباره بازار مشترك اروپا وعلاقهٔ افغانستان بان بدانم .

جواب- قبل ازنظام کنونی دو لت افغانستان درباره بازار مشترك اروپا طالب معلومات شده بود اکنو ن هـــم وزارت تجارت مادر صدد تکمیل‌ایـــن اطلاعات است تا بداند که‌شرا یـــط ودیگر مسا یـــل بـــازار مشتر ك چه می‌باشد . مادر حال حاضر صرف تماس هایی برقرار کرده‌ایم .

سوال- هرگاه باشرکت در بازار مشترك ازنظر اقتصادی موافـق‌باشید میخواهم ازنظر سیاسی مو قـــف افغانستان رابدانم .

جواب - هرکاری رادر مقیاس منافع وهدفهای ملی خویش می سنجیـم و قضاوت وتصمیم ماهم بـــاساس آ ن صورت میگیرد .
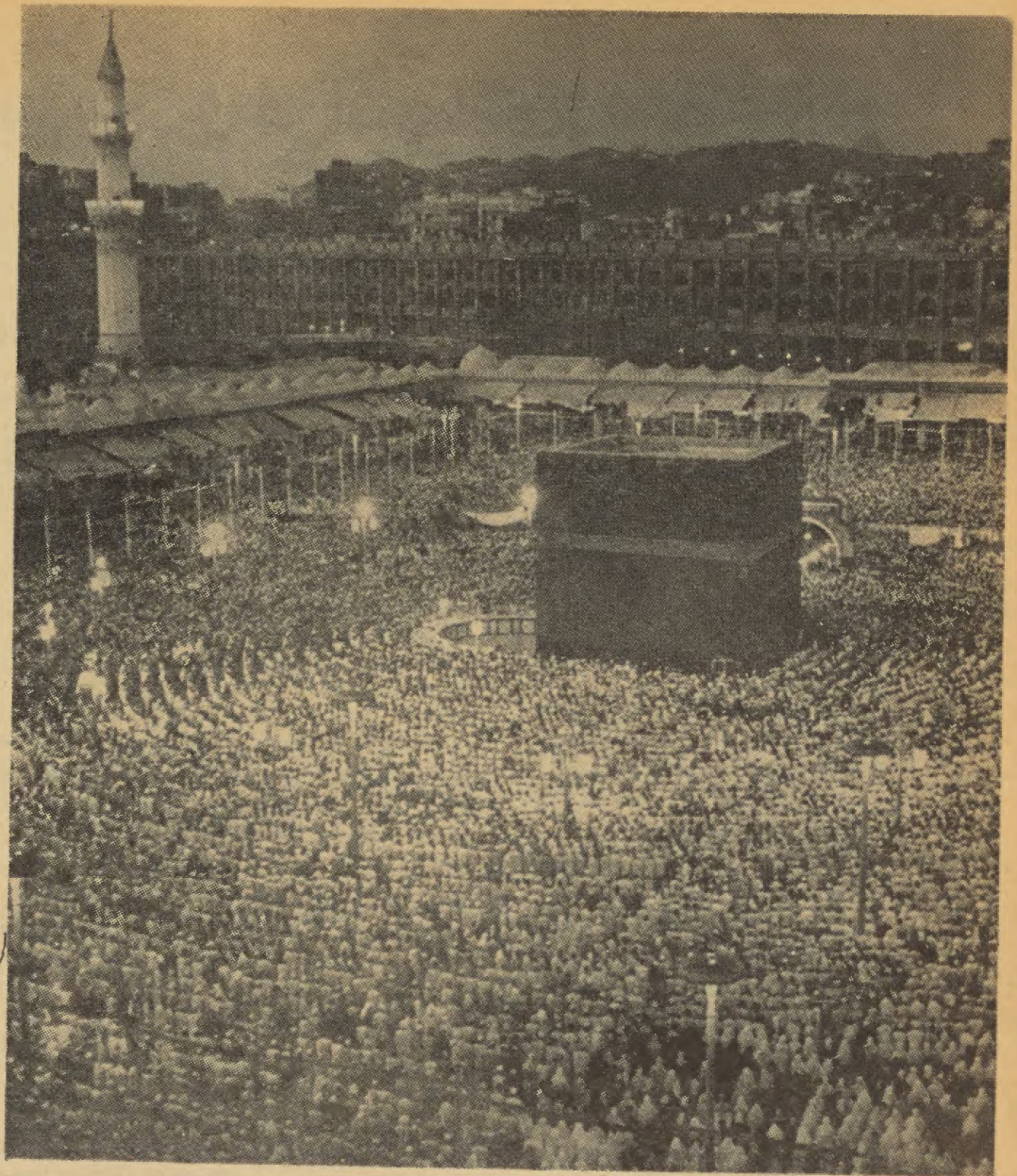
هرسال جمعیتی بیش ازیك ونیم ملیـــون حاجی به ادای فریضه حج می پردازند .

عید قربان

بزرگترین عید اسلامی

نوشتة : عبدالبصیر سعید

عید قربان، بزرگترین عید دینی مسلمانان و هنگام تجدید خاطرهٔ فدا کاری بی مانند یست که‌یکی از بزرگترین رهبران بشریت حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام در راه عقیده‌وایمان انجام داد .

این پیامبر بزرگوار که در عالم رؤیـــا ماموریت یافته بود تافرزند هفت ساله خود اسمعیل راقربانی کند. باهمه مهر پـــدری و فرزندی که یک امر طبیعی و فطر یست، این ماموریت دشوار رابجان و دل پذیرفت و حاضر شدکه فرزند رابه قربانگاه ببـــرد و ماموریت‌خودرا انجام‌دهد. اما در آخـــرین لحظه در همان وقتی که به اجرای ماموریت دشوار خودهمد گماشته بود، به او امرشد که بجای فرزند ،گوسفند را قربانی کنـــد وبدین صورت ،فرزندش ازقربانی شـــدن معاف شد و خودش ازین امتحان بـــزرگ کامیاب بیرون آمد .

خدا میداند که ازآن روز ، چند قرن یاچند هزار سال گذشته‌است ولی خاطرهٔ ایـــن فداکاری و خلوص نیت و قوت‌ایمان وعقیده همیشه چون مدال افتخاری برسینه فرزندان اسمعیل میدرخشید وباید هـــم میدرخشید .

چند سال بعد ازآن روزکه بادهم مـــاه ذی الحجه و عیدقربان ، مصادف و مطـــابق دانسته شده است ،درهمان سرزمین (کـــه واقعهٔ یاد شده در آنجارخ داده بود وبکـــه ومکه و ام‌القری نام یافته است.) عبادتگاهی خاص برای پرستش خدای جهانیان بـــه دست همان پدور فرزند فداکار و یکتاپرست بنیاد گذاری وآباد شدکه پس از گذشت قرنها، زیارت آن درآیین مقدس اسلام عنوان حج یافت ویکی از عبادات و فـــرا یض مخصو ص این دین بشمار رفت و ازسال دهم‌هجری که‌فتح مکه بدست مسلمین‌صورت گرفت تابه‌امروز که‌یک هزار وسیصدوهشتاد وپنج سال از فتح مکه میگذرد، در هرسال هزاران نفر از مسلمانان ازهر گوشه وکنار جهان برای ادای فریضه حج‌بسوی شهر مکه رهسپار میگر دند و اعمال حج‌را درطـــی مراسم باشکوه‌خاصی آن انجام میـــدهنـــد و واپس به‌شهر و دیار خود مراجعت میکنند وبطوریکه ارقام واحصائیه ها نشان میدهد در هریک ازدوسه سال اخیر جمعیتی بیش ازیک‌ونیم ملیون‌حاجی به‌شهر مکه واردشده به‌ادای فریضهٔ حج پرداخته اند و یاعبـــادت عمره راکه درغیر ازایام‌مخصوص حج‌صورت میگیرد ، انجام داده اند .

روز دهم ذی‌الحجه ،گذشته ازاینکه در شهر مقدس مکه، درپیرامون خانه کعبه مراسم حج وطواف صورت می‌گیرد ،درهمه جهان اسلام بعنوان بزر گترین‌عید یادمیشود یـــک روز پیشتر ازآن یعنی نهم‌ذی‌الحجه که مصادف باروز توقف حاجیان در عرفات است،بهمان مناسب روزعرفه نامیده میشود که آن نیزدر تاریخ اسلام یک یاز روز های متبرک‌بشمار میرود .

استاد علامه ابوریحان بیرونی در کتاب معتبر و مشهور خویشس التفهیم در بـــارهٔ این روز ها نوشته است :

((و دهۀ نخستین از ذی‌الحجه ،روز گار حرام خوانند و هشتم ازآن، روز ترویه و نامشس ازآب نهاده است حاجیان را تاسیر شوند،ونهم روز عرفه که حاجیان بعـــرفات باشند وحج یابند ودهم روز ازذی الحجه‌عید گوسپند کشان که حاجیان بمعنی قربان‌کنند وبدین روز ودوروز ازپس وی روزه داشتن حرام است)) (التفهیم ص ۲۵۲ ـ۲۵۳

در متـــون قـــدیم دری چـــون زیـــن الاخبـــار گردیزی و تاریخ بیهقی وبخصو ص در دیوانهای اشعار شاعران بزرگ‌ما همچـــون جزایشان در بارهٔ مراسم عیدقربان و اهمیت فرخی و سنائی‌و مختاری وازرقی و جامی و
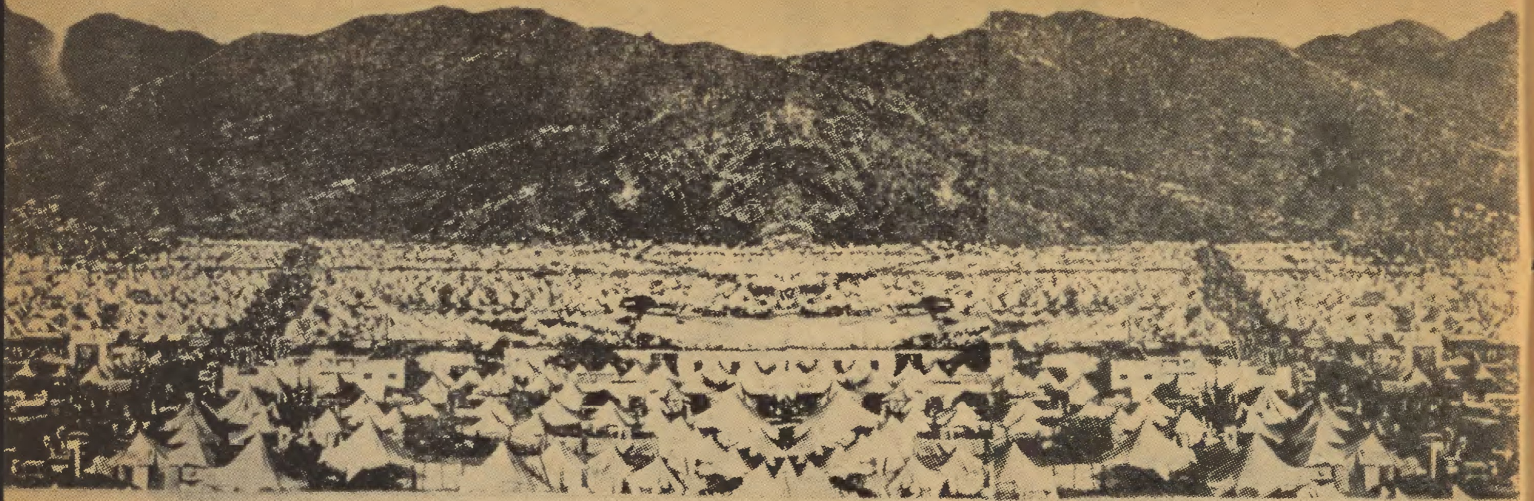
منظرهٔ از هزاران خیمه حاجیان دردامنهٔ کوه عرفات

و اهمیت خاصی که این روز در روز گاران پیشین داشته است مطالب گوناگون می توان یافت که مطالعهٔ آنها لذت‌بخش است .

و اگرشخص با حوصله‌ای درگرد آوری نکات وابیات مذکور همت بگمارد ،بی‌گمان مجموعه ای تشکیل خواهد شد مرکب ازیک سلسله سر گذشتهای عبرت آمیز وحکمت آموز ،ونازک خیالی های شاعرانه ولطیف که‌درنوع خود بسیار جالب خواهد بود .

همچنان در ضمن امثال عامیانه که‌ازدورانهای کهن بیاد گار مانده است .متلهای شیرین وپرمعنی بسیاری راجع به‌عید قربان آمده است که آن نیز باهمت نویسنده پرحوصله میتواند منبع خوبی‌برای غور درمسایل‌جامعه شناسی بشما رود واما درین مقاله کوشش میشود که ازمیان مراسم فروان عیدبه‌ذکر چند رسم مهمتر پرداخته شود.

یاد از رفتگا ن :

درکشورما، درروزهای عید قربان ، مراسمی رایج است‌که بعضی ازآنها عمومی‌است و در سراسر مملکت معمول است وبرخی به‌مناطق معین اختصاص دارد. مثلا ادای نماز عید و قربانی درهمه جاصورت میگیرد ودر آداب و رسو م وشرایط آن هیچ فرقی بین نقاط شرقی وغربی، یاشمالی وجنوبی‌کشور دیده نمیشود. امابعضی رسوم وازآنجمله یادآوری از رفتگان وخیرات ومیرات بمنظور ترویج روح آنان در هرجابه شکل خاصی صورت میگیرد .

شام هشتم ذیحجه‌که شب عرفه است ، دربین عوام به‌شب‌مرده‌ها یعنی شبی‌که باید از اموات یاد کرد معروف است.

دربعضی ازشهر هامانندکابل ، هرات، مزار شریف، درآن شب حلوامیپزندوبین‌همسایگان وعابران توزیع می نمایند، درولایات فراه وجوزجان ، نان یامیوه تازه وخشك مانندخرما کشمش، وانگور ، تقسیم می نمایند، درغزنی پول‌نقدبه فقیر ومسکین میدهند ودر هرصورت کسانیکه این چیز هارادریافت میکنند، عباداتی ازقبیل خداوندداموات شمارارحمت کند، خداوند رفتگان شمارا بیامرزد یاخدا قبول کند . به شخص تقسیم کننده میگویند واو نیز در جواب میگوید: خداوند والدین شماراهم‌رحمت کند .

دونفر از ریش سفیدان باصمیمیت‌همدیگررادر آغوش فشرده عید مبارکی میکنند.

عیدت مبارك برادر داخل حاجیان وغاذیان

گاهی این یاد آوری به صورت تلاوت قرآنکریم وادعیه بانیت اهداء ثواب آن به ارواح پاکان ونیکان وپیروان نآنهابه شمول اموات مورد نظر اجرامیشود، در بعضی ازشهر هامانندهرات، در سحرگاه روزعید وغالبا قبل ازطلوع آفتاب، مردم به زیارت اهل قبور

لطفا ورق بزنید

در روز ها ی عید بازار فروشنده ها خوب گرم است .

می شتابند وفاتحه واخلاص میخوانند . درین ضمن بدنیست که‌ازیك رسم نا پسند که در اغلب مناطق کشور قبلا بسیار معمول بـــود واکنون کم شده است یادکنیم وآن رســـم برگذاری عیداول است یعنی تشکیل مجلس تعزیت برای کسی‌که روزعید، نخستین عیـد بعدازوفات اومحسوب میشود، که چنین‌اشخاص طبعا ایام عیدرا که باید به‌شادمانی سپری کرد برخود ومنسوبان خو یش تلخ میکنند وبـــا گستردن گلیم عزا عیش خویشتن وایشانـرا به اندوه مبدل می نمایند وباید بااین رسم ناپسند هرچه بیشتر مبارزه کرد.

قربانی :

قربانی کردن، درهمه جامروج است و هـر کس به تناسب استطاعت مالی خویش دریـن کارکه یك نوع کمك به‌فقرا ومساکین اسـت سهم میگیرد، بعضی‌که مکنت بیشتر دارنـد، گاویاشتر یاچندگوسفند قربانی میکنند، برخی به ذبح یك گوسفند اکتفا می نمایند، بعضی اشخاص هم بصورت مشترك، هرکدام مبلغـی روی هم مگذارند واز مجموعه آن پولهایـك گوسفند یاگاو تهیه می‌کنند وقربانی‌می نمایند والبته آنانیکه استطا عـت ندارند. قربانـی درکتب فقهی برای حیوانی که جهت‌قربانی انتخاب میشود وطرز تقسیم آن شرایطی ذکر شده‌که اینجا محل بحث آن نیست و معمولا عمل قربانی ازروزاول عید بعدازختم نماز عید تاسومین روزعید صورت میگـیرد ، بعضـی اشخاص، قبل ازادای نمازعید، چیزی‌نمیخواند ومانند روزه داران صبر میکنند تاعمل قربانی انجام یابد، آنگاه ازگوشت آن تناول میکنند، البته امساك ایشان ازغذاخوردن تاآن وقت ، روزه داری نیست، زیرا چنانکه ازقول استاد ابوریحان بیرونی یادشد، روزه گرفتن در روز عیدجایز نیست ..

دراینجا هم بدنیست به‌یك رسم خرافـی اشاره شود وآن نگهداری (چشم قربـانـی) است به این معنی که دربعضی از خانـواده های مقید ومعتقد به خرافات، ، مرسوم است که چشم گوسفند قربانی رااز حدقهٔ آن بعداز ذبح، خارج می نمایند وآنرا خشك می کنند ، سپس برای آن، چوکاتی ازطلایانقره میسازند (مانند نگین دان) وآنرا برشانهٔ اطفال تعلیق میکنند ومعتقدند که بابودن آن، طفلشان ا ز چشم زخم محفوظ خواهد ماند .

دید وبازدید :

دیدوبازدید ازدوستان وهمسایگان واقارب، یکی ازبهترین مراسم روزهای عیداست وچـه بسااشخاصی‌که درین روزهابه دیدن اشخاص میروند که قبلا میان آنهاکدورت وملالی وجود داشته است وبدین وسیله دشمنی هارابـــه دوستی مبدل میکنند مصافحه ومعانقه (بغـــل کسی‌هططبعا درین دیدوبازدید هافراوان‌است دربعضی ازخانه ها بساط شیرینی خـوری گسترده میشود، بعضی هابجای شیرینـی از آیندگان بااطعام غذایی که مخصوصا در روز های عید میپزند، پذیرایی میکنند واین البتـه مربوط به‌استطاعت صاحب خانه یارسم خا ص محل می باشد، بعضی فقط به دادن یك پیاله چای اکتفا میکنند .

درین دید وبازدید ها، بعضی ا ز خانواده هارسم دارندکه برای اطفالی‌که تنها یا بـــه همراهی اولیای خودبه عید مبارکی می آیند ، مبلغی جزئی برسم عیدی میدهند وناگفته نماند که‌عیدی دادن تنهابرای اطفال اختصاص ندارد، بعضی‌که صاحب استطاعت می با شند بـــه نوکران وخدمه خودوحتی به خدمه‌مهمانان‌خود عیدی میدهند ومایه دلخوشی ایشان را فراهم می نمایند .

ورزشها :

درولایت غور ودیگر ولایات مر کـــز ی افغانستان ، روز های عیدرابا انجـــام دادن ورزشهای محلی، همچون سوار کاری واسـپ دوانی ، کشتی گرفتن وپهلوانی، تیر اندازی بوسیله‌تیروکمان وگاهی تفنگ ودیگر ورزشها میگذرانند وهرکس‌به‌تناسب استعداد وتوانایی خود، هنرنمایی میکندکه البته از طـــر ف

بقیه در صفحه ۵۸

دوکودك خوردسال عیدرا به‌همدیگر خود تبریك میگویند .

کنسرت ستاره شناخته شده غرب در کابل

«ژان پی یر آر منیگو» پیانو نواز مشهور فرانسه کنسرتی درادیتوریم لیسه عالی استقلال اجرا نمود که مورد علاقه حاضرین قرار گر فت.

ژان پی یر آرمنیگو که یکی از- ستاره های شنا خته شده دنیای غرب میبا شد در بسیاری از ممالك اروپایی کنسر ت‌های اجرا نموده است.

وی‌برای اجرای‌کنسر ت از طرف مر کز کلتوری سفارت فرانسه به کابل برای دو شب د عو ت شده بود.

مابرای شنا سا یی بیشتر وی‌و معلو مات مزید علا قمندان وهنر دوستان مصا حبه ای باآر منیگو به عمل آورده ایم‌که ذیلا پیشکش می نمائیم آر منیگو در ۱۷ژوئن ۱۹۴۳در فرانسه تولد گردیده است وی تحصیلا ت موسیقی‌راهمرای مارسل ژاکی نوکه رهنمای مو سیقی هنر- مند معروف ریونا ت بود وپی یر سانکان وژان‌میکولت درد‌ارالمعلمین عالی موسیقی پاریس دنبال نموده‌و دروس تکا ملی مو سیقی را در سالسبورگ سی ین وپا ریس‌همراه باژاك فوریه جیا نو تی که از هنر- مندان معرو ف اروپا میبا شندادامه داده استوفعلابالای‌تیزس دکتورای خود درباره موسیقی کار می کند.

آرمنیگو به سن ده سا لگی‌جایزه اول مو سیقی روایم دو لای مو زیك را دریافت نمود و در۱۹٦۵ در رادیو تلویز یون فرانسه ایفای وظیفه می نمود درسا ل۱۹٦٦ مؤفق به گرفتن لیسانس کنسرت ازدارالمعلمین‌عالی موسیقی پاریس گردید.

از سال ۱۹۷۲ بدینسو به صفت آمر مرکز کلتوری کریتا لی ومدیر هنری فت مو زیکا ل در سنت بوم فرانسه اجرای وظیفه مینماید.

از ۱۹٦٦ به‌اینطرف آرمنیگو در پاریس واکثر شهر های فرا نسه واروپا کنسر ت های‌متعددی راجرا نموده است بر علاوه همکاری در چندین فستیوا ل وی در پرو گرام های رادیو وتلو یزیون فرا نسه‌نیز اشتراك ورزیده وانتشا راتی از خود تهیه نموده است.

آرمنیگو دارای آثار زیادی، در موسیقی است از باخ گر فته تا استوك ونیز آهنگهای جدیدی را - شخصا برای اولین بار کمپوزنموده است.

آثار موسیقی دانان بزرگ که توسط وی تنظیم گردیده قرار ذیل است:

-بتهو فن (سو نا ت کا نستر تول پنجم)

-لشت (سو نا ت کانستر توم دوم)

-پرو گوفیف (کانستر تول اول وچارم)

- شوپن در اویل(گائبردولانووی ودوکانسترتو)

-یا رتو ك(سو نا ت کانسر تول دوم)

همچنین آثار بو لیز و استو ك ها وزن وروهانه توسط آرمنیگوتنظیم وترتیب گردیده است.

درفهرست آثار وی بر علا وه کمپوز های فو ق، آثاریکه تو سط چندآله موسیقی‌محدود نواخته میشود ومیتوان نغما ت‌جالبی راکمپوز نمود هم دریا فت نمود.

بعضی ازنشر یه های معتبر وسرتاسری فرانسه درباره این هنر مند شان نظریا تی دارند که تقدیم شما هنر دوستا می کنیم.

-گید موز یکا ل می نو یسد «تو صیف وستا یش بی حد درباره آرمنیگو صد ق می کند»

-فینگارو عقیده دارد: «ذوق پر بهاو تخنیك مستحکم و پا یدار خاصه آرمنیگو است»

-هارمونی اظهار میدارد آرمنیگو مفسر ظریف وپر احسا سا ت‌است

-شیرزو یکی دیگر از نشریه های فرانسه میگوید: «آهنگهای مقبول آرمنیگو از تخنیك عالی و طرز زیبا نوا ختن آن مخصو صا هیجا نات درونی هنر مند که یک

ژان پی یر آر منیگو پیانو نواز معروف فرانسه.

صفت نایا ب است ،درك میگردد»

آرمنیگو طی مصاحبه به خبرنگار ژوندون گفت:

-این او لین بار است که به افغانستان ،مملکت باستا نی وخوش

بقیه در صفحه ۵۹

ژان پی یر آرمنیگو هنگام اجرای کنسرت درادیتور یم لیسه‌استقلال

هنر در لابلای قرنها

پیوسته بگذ شته.

درشمارهٔ گذشته‌راجع به مدنیت مصر،چگو نگی‌پیدایش وخصوصیت های هنری آن بحثی داشتیم تأثیر عقاید مذهبی و قدرت بیحدو حصر فراعنه در هنر مصر ارزیابی‌گردید. همچنان بالای خصو صیت محا فظه کاری و تغییر نا پذیری هنر مصر در طی قرون متمادی صحبت بعمل آورده شد واکنون می پر دا ز یـم به خصو صیتهای دیگر هنر مصر وتأثیر آن بالای مهند سی مجسمه سازی ونقاشی.

برعلاوه ، آثار کشف شده‌مصری گواه آ نست که شیوه های هنری مصر زادهٔ یك‌انکشاف‌طولانی است. این انکشاف در طی قرون متما دی به‌آهسته‌گی تغییرشکل دادوبالاخره بمرحله سبکها ی متأ خر رسید .

عنصر سومی که‌در هنر مصـر آشکار می باشد . همانا تـنو ع موضوع و تکاشف‌صحنه های‌مربوط به حادثات است . باوجود آ نکـه عقاید مذهبی ای مر بوط بز ند گی بعد از مرگ و انعکاس قدرت بی انتهای فراعنه در هنر مصر سوژه های دیگر را تا اندازهٔ زیادی تحت تأثیر میگیرد ، اما باآنهم صحنـه پردازیهای مذ هبی نتوانسته است مو ضو عات دیگر را بطور کلی ا ز نظر ها پنهان بدارد . چنا نچـه نقاشی هاو مجسمه های ریلیـف (نیمه بر جسته) تز ئینا تی ا ی معابد سوژه های را در بر می‌گیرد مر بو ط بزندگی رو زانه و فعالیت های مردم مصرواین‌امرشیوع‌مکتب ژاینار رادر هنرمصر نشا ن‌میدهد. (ژاینار شیو ه هنری ا ست تمثیل کننده و قایع روز مره واشخا ص عادی ، صفحه ١٦٠ دایرة المعارف هنر ، نیو یورك) .

گرچه این صحنه ها بصـور ت غیر مستقیم می توانند با عقا یـد مذهبی ارتباط بیایند اما تا ثیـر زندگی وطرز تفکر جا معه د رین گونه صحنه های هنری از نگـاه موضوع بیشتر بملا حظه میر سد تابه تشریح و توضیح یك عقیـده ویایك عنعنه.

باوجود آنکه می توا ن هنرمصر رابصور ت عمو می یك هنر مجـرد (اپتر کت) خواند اما نقطه جا لب در اینجا ست که هنر پور تر ت سازی مصری بیشتر شکل تمثیلی داشته و کر کتر ها را بصور ت خاص مطالعه میکند .

شیوه های هنر ی ریا لیز م و ژانیار برای مد ت کو تا هی بـا هنگام فرمانروا یی سلسله هژد هم ظهور کردو بهترین مثا ل آ ناثـر هنری است که امپر اطور و ملکـه اش رادر حال بازی با دختر خورد سال شان نشا ن میدهد .

بصور ت عمو می خصو صیتهای ذکر در آثار مهند س ، مجسمـه سازی ونقاشی مصر هو یدا ا ست که به هنر مصر کر کتر عمو مـی ای می بخشد متمایز از فرهنگهای همجوار آن.

عمو ما سبك های مهند سـی ایکه در مصر ظهور کر د ریشه‌های خود را از انکشافا ت دور ه ما قبل التاریخ، منطقه می گیرد ، یعنی از زمانیکه زند گی ای مستقر درمصر آغاز یا فت اساسا تی طر ح ریزی گردید تعین کننده سر نو شـت شیوه های مهند سی در دوره های مابعدی که با خفظ تقر یبی اصالت های هنری درسا ختن معابد تکرار گردید. معبد برای مصر یا ن‌بیشتر معینی مکا نی مقدس ونیشمنگـاه فراغنه را ارایه می دا شته است. برعلاوه کلمه فر عو ن در زبان‌عبری معنی ای خانه بزر گ سپید را می داده که‌بعد ها معنی صا حـب

هر م مصطبه که‌به شکل مر تبه‌دار از سنگ و خشت در زما ن فرمانر وایی امپرا طور زو سر درحوالی ۲۷۵۰ میلا دی بنا یافته‌ودر سقره قرار دارد .

خانه بزرگ را بخو د اختیار کرد.
(صفحه ۹ تاریخ مهند سی مصر نویسنده حین آن ونیسا ن چـا پ تیوروك)

خانه های مصر ی عمو ما شکل مستطیل شکلی دا شته بر عـلاوه محوطه بیرو نی که توسط را هرو های باریکی به قسمت های مختلف تقسیم می شده است این را هروبر علاوه به منزله روزنه بوده تاشعاع آفتاب وهوای تازه رابدا خـــل ساختمان عبور دهد . این‌ساختمان دردوره های اولی تاریخ از مـــواد ناپایدار چو بی بنا یی گر دیـــده است ولی درسا ختما ن های‌بعداز خشت وسنگ استفا ده کرد آنچه بیشتر درسا ختما ن های مصر ـ دیده می شود تو جه مصر یان‌بانمای خار جی سا ختما ن است که‌برای تزیین آن از اشکا ل بر گهای‌زیتون وخرما درسر ستو نی ها وسرطاقها استفاده میکردند .

آنچه از نگاه مهند سی در مصر دا رای اهمیت زیاد است . ا هـرا عظیم وپر شکوه مصر ی ا ست‌که خصو صیت های هنری وساختمانی آن زاده انکشا فا ت‌بسیار طولانی بوده ونشا ن دهنده و فر ت قوه کارگر وغنای مواد الیه در واد ی نیل است بر علاوه این‌امر ثا بـت میسازد که چگونه قدر ت فرا عنه اهالی مصر رابا جرا ی چنیـــن کاری شا قه وا دار میسا ختـــه است.

انکشا ف منطقی مهند ســـی ازنگاه ریا ضیا ت و سنجشـــــ مقاومت مواد با عث باو جود آمدن اهرام مصر گردید این ا نکشا ف سالهای طو لانی ای را دربر گرفت منشا و اساس اهرام مصر از روی سا ختمانها ی که‌در با لا قبـــور مصر یهای بسیا قدیم اعمار مـــی گردیده است گر فته شده که بنام مصطبه یاد می گردید ه است ـ (مصطبه کلمه عر بی ا ست که د ر دوره های مابعد ی برای این هـــرم بکار رفت) اهرا میکه درسقره در هنگام ودر اصل معنی چو کی یـــا تخت مر تبه دا ررا مید هد .

فرمانروایی زوسر توسط و زیر ش امهاتپ درحوا لی ۳۹۰۰ ق م بنیان گذاری گردید بشکل مر تبه هـــا اعمار گردیده است که این مر تبه هابترتیب از اساس تابه را ســـ کوچکتر شده میرود طرز ساختمان این بنا بشکل پله های قرار گر فته بالای هم است دا خل معبد ا ز ـ قسمتهای زیارت گاه محو طه‌بزرگ وراهروهای متعددی تشکیل یا فتـــه است که‌این راهرو ها نقاط مختلف معبـــد ر ا بـــا هـــم متصـــل ساخته و همچنا ن در بهای آ ن خزاین داخلی و قبر فر عو ن رااز خطر دزدی نجا ت میداده اســـت این معبد ازسنگها ی بزر گ بنـــا یافته است .

اما اهرا م حقیقی اهرا مـــــی است که در غزه واقع بوده‌وسمبول بن من نشا ن آمو ن را خـــدای آفتاب است . که دارای سطـــح صیقل یافته وسا خته شده ازسنگ آهك بوده وشعا ع آفتا برا بشکل روحانی و پر شکوه بر ریگز ا ر اطراف انعکا س می داده اسـت تا پرستیژ وعظمت فرا عنه را بمردم بقبولاند . در دا خل این هر م نیز دهلیز ها ور هرو های و جوددارد تانقاط مختلف معبد را بهم و صـــل کندهر م بزرگ وا قع در غـــزه واهرام دیگر ی که در خفه‌وخضره (منکورا) قرار دارند ، شکل تحول کرده اهرام مر تبه دار او لی‌است اهرام او لی در دوره زما مدا ران قدیم از ۲۷۸۰ تا ۲۵۴۰ ق م‌ساخته شده‌ودر زمان‌خانواده‌های‌یازد هـم‌و دوزدهم (سلسله شاهی‌دومی ۲۱۶۰ ـ ۱۷۵۸ ق،م تغیر شکـــل داد

«باقیدارد»

قسمتی از مجسمه نیمه برجسته‌مربوط به سلسله شاها ن قد یـم مصر که ظفر امپرا طور نار مررا برفرمانر وایا ن شما لی نشا ن مـی دهد (۲۳۰۰ ق.م) اثر او لین پدیده‌ایست که هنر مند خواسته ا ست يك كركتر مشخص را تمثیل بدارددربالای تصویر شا هبا زی قـــرار دارد که سمبو ل شکوه خانواد گی‌فرمانروا بوده است غلا میکه کفش های امپرا طور را حمل میکند نیزدلالت بر شکوه و ظفر او میدارد. این عنعنه مصر ی که حمل کفش دلالت بر ظفر صا حب آ ن میکرده است در انجیل نیز تذکر یا فته است.

تصویر خیا لی اهرا م خفه و خضره که‌در غزه قرار داردو نقاش خواسته تا شکل اعمار شده آ نـرا(در حوالی ۲۷۰۰ تا ۲۸۰۰) نشان دهد. در پایین عکس مجسمه بزرگ‌سیفی ینکس نیز مشا هد ه مـــی شود.

گذارش خبرنویسان

سفر بحری ولیعهد بریتانیا در بحر منجمد شمالی

– پر نس چار لز ۲۶ ساله ولیعهد کشور بریتانیا اکنون پس از چهار سال خد مت پیگیر در (رو یـــال نافی » که ضمنا لقب (قو مانـدان کشتی های جنگی) رایا فته ا ست تصمیم دارد به یك سفر طو یــل بحری بپردازد .قرار است این سفر درآغاز سا ل(۱۹۷٦) بو سیله‌کشتی بزرگی مو سوم (برو نینگتو ن) شروع شود.

پرنس چار لز و لیعهد بریتانیا بەسفر بحری اش می اند یشد .

–درین سفر بحر ی ولیعهــــدبریتانیا را چهار افسر نظا مـــیو (۳۳) تن از افراد همرا هـــــی خواهد کرد پر نس چار لزسفرش را از طریق بحر منجمد شما لـــیشروع نموده وخود ش به حیـــث کوما ندو اجرای و ظیفه خوا هنـــدنمود.

طرح جدید معمارا ن یاعمارات انهدام شده

این عمار ت قشنگ با دیــــوارهای منهد م شده در هو ستون تکزاس بنایافته .

–معماران امرو زی عما را تـــی ساخته اند که دور نمای آ ن بشکل مخروبه هاو عما را تی که‌به اثـــر بمباری های موا تر تغییر شکل یافته‌و منهد م شده باشد بنظر می آید حالا نکه ازنز دیك چنین نیست بلکه این عمارا ت ، عمارا ت کاملا جدیدیست که فاصله چندکیلومتری يك‌جبهه جنگ را ترسیم میکند.و معمارا ن این طر ح شانرا (معماری جدید) خوانده اند جدید بخا طـــر ابتکا را تی که در طر ح آن بوجود آمده.

البته دو عمار تی که پول‌هنگفتی در اعمار آن به مصر ف رسیده‌یکی در اضلاع متحده امریکا واقع در (هوستو ن تکزا سی) و دو میدر (ریشموند) و رجینیا مـــی باشد . نخستین معماری که بدین‌فکر افتاد وانگیزه که وی رابدین ابتکار وا داشت تاعمار ات مجلل امرو ز ی چنین بشکلی را دا را باشند همانا صحنه های تاثر آور و غم آلود ــ فلمنامه های (ها لیود) ا ست‌فلمی که‌درآن فلا کت ها و مصیبت هـــا ترسیم شده بود ونشا ن میداد که چگونه باشکوه ترین کا خها منهدم شده اند .

ــمنعقدین دریکی از نقـد ها ی خویش در مورد این فلم گفته بودند که(وقتی در جهان دیگر راه‌انکشاف مسدود گردد لاجر م بشر به عقب برگشتنی است . عقبی که‌یکبار آنرا پیموده وبا ز گشت به عقب کاوش گریست در کار های که یکبارانجام پذیرفته است .واین خود تکا مـل وپیشرفت است و پرکننده‌خلا ها، واین انگیزه ها دست بدست هـم معماران مذکور رابر انگیختند ، تا دست اندر کار اعمار بنا های‌انهدام شده بزنند تا تاریخ و گذ شتگـا ن شانرا زنده ساخته باشند .

حادثه‌درزندگی دوفتبالیست جهانی

هلموت کریمر هنگا میکه بزمین‌خورده است.

ــدو تن از فتبا لیستا ن‌مشهور جهانی یعنی (هار بر ت ویمر) و (هلمو ت کریمر) آلما نی که دارای ۳۱ و۲٦ می باشندنسبت اختلافاتی که قبلا بین آنان و گولد باخیر بمیان آمده بود ضربه شدید ی به پاهای شان بر داشتند این دو فتبا لیست که‌پس از انجام مسا بقه درهو تل (جولی) درسا حل ایشیا وا قـــع نیپال اقا مت اختیار کرده بودند ، گولد باخیرا تدورا به مسابقه اتلتیك دعوت کرد، هاربر ت وهلمو ت پیشنهاد وی را پذیر فته وو ارد میدان اتلتیك شدند و بد ینترتیب پلانی راکه قبلا گولد باخر تنظیم

از سراسر جهان

تهیه و ترجمه از: میر حسام‌الدین برومند

خوشگلترمادرجهان هنوز هم آرزوی کاردارد

ـ(مار لینی دتیر یش) ز نیست ۷۴ ساله و ملقب به (خو شگلترین مادر کلان جهان) خوشگل بدانجهت که کمتر زنی یافت می شود که در سن ۷۴ سالگی زیبایی وطرا و تش راحفظ کند اما (مار لینی) بدون شك این صفت را دارد و ی اصلا ازلاس انجلس است ، اینز ن چندی قبل خواست، ازلا س انجلس به سیدنی واقع د رآستر لیا سفر کنداما بر عکس او را روی تذ کره آوردند .

ـاصل ما جرا این بود که مارلینی نتوانسته بود حین با لا شدن روی سن درسید نی موازنه اش راحفظ کند بشد تبز مین خورد و پایش شکست .

مار لین د تیر ش خو شگلترین مادرکلان جها ن باو صف مر یضی آرزو ی کار کردن دارد .

ـاین حادثه برای مار لینی دتیر یش کا ملا تازه نبود واوبارقبل یعنی در نوامبر (۱۹۷۳) نیز از صحنه ار کستی در وا شنگتن از ستیج بز مین افتاد وپا یش‌جراحت برداشت اما بزو دی شفا یا فت.

ـبه این هنر پیشه معرو فو شناخته شده همه احترا م به خصوص دارند و چو ن این ضربه‌را اطباء بزر گترین ضربه تلقی کردند (جنرال سیمیت) بخا طر علاقه که‌به هنر اینز ن وبه‌صحتش داشت ازوی تقا ضا کرد برای چندی دامن هنرو هنر پیشگی‌را‌رها کند اما علی الر غم اینهمه پافشاری ها(مارلینی دتیر یش) نپذ یر فته وگفت: خیر من به پو ل ضرو رت‌دارم و متکفل معشیت چهار نواسه که پدر شانرا از دست داده ، می‌باشم واین توانایی راد ارم که به همین حالت هم پو ل کسب نمایم، به‌اساس ادعای خبر نو یسا ن ممکنست دوا های تداوی (مارلینی‌راکه دو میلیو ن مارك بکار دا رد جنرال سیمیت عهده دار شود .

عیدی امین و تعصبات نژادی

ـاخیرا عیدی امین ر ئیس‌جمهور یوگندا به عده از سیا سیو ن‌سفید پوست افریقای جنو بی که ا صلا ازنژاد انگلیس بوده وازسالیانیست جز متا بعین افر یقا می با شند این اتهام را بست که با سیاه پوستان افریقا رویه نا در ستی داشته وباآنها چو ن اسیرو برده رفتار مینمایند درحالیکه نبایدتبعیض بین سفید پوست وسیا ه پو ست قایل شد چه ازنگاه کرا مت انسانی وحقو ق بشر ی انسانها مساوی خلق شده اند و هیچ نژادی برنژاد دیگر بر تری ندارد .

قبلا نیز ،عیدی امین ۱۴ تن ارو پایی را که از تبعه های کشورش می باشند در مقا بل چمن قصرش احضار نموده ودر حا لیکه خود ایستاده بود به آنها امر کرد که روی پابزا نو بنشینید و حلف‌وفا داری یاد نمایند که‌در برابر سیا هپو ستا ن از منتهای احترام کار میگیر ند و این سوگند نامه را بایست کتبی بنویسند .

عیدی امین چهار ده تن ا فراد اروپایی را نزدیك قصرش خوانده تاسوگند نامه ها یشانرا بنویسند.

نموده بود عملی شد و آندو بشدت در اثنای دو ش در گو دالی افتادند که همه‌از سنگها ی نو ك تیز کارد نمابود این اتفا ق باعث شد که آندو هفته ها را در ایشیا بمانند. هلموت کریمر که فتبا لیست پر معلوما تی است بامرا جعه‌بدوکتور ناامید واری شدید ی پیدا کردزیرا بزرگترین رگ پای این فتبا لیست بریده شده بود هلمو ت با تو جه به اینکه آب گر م تاثیر عمیقی در حالات ضربه خور دگی دارد چند روزی را پیهم به مساژ وشنا در حوضها ی آب گر م پر دا خت ،او که میدا نست آب شیر گر م‌جریان خودرا تسریع نموده و هم میزان های‌منحل‌شده آب به‌سهو لت داخل وجود می شو د ازین طریق‌توانست ازشدت درد ش کا هش آور ده وبهبودی اش را تضمین کند .
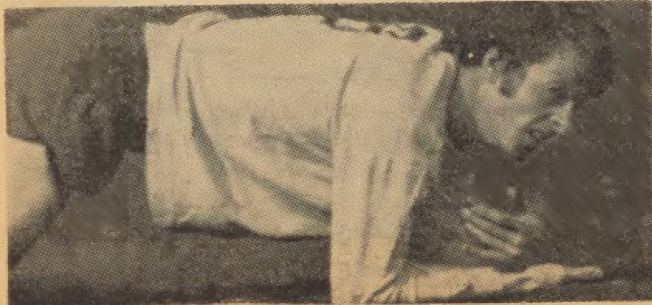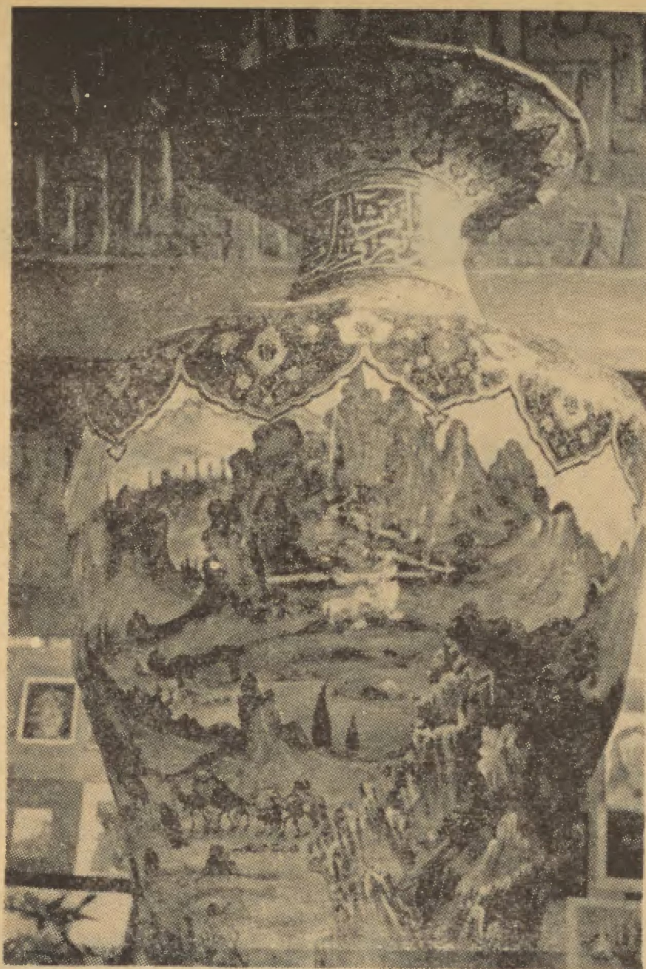
استاد مشعل میناتوریست معروف‌وآثارش

گفتگو ونگارش از ملیحه حید ری

هنر مندی با تابلو هایش و قصه‌هایش

مشعل «مشعل‌وار می‌سوزد تا مکتبی را زنده‌سازد و هنری را جان‌بخشد

«استاد مشعل» میگوید:
هیچ هنری نمیتوا ند همراه بـازمان درمیان قرنها بدود وبا انسان دورانها زند گی کند مگر اینکه‌خودرابا شرا یط زند گی انسان آشنـی داده باشد.

میناتور در فورم خوداز اصا لت‌برخوردار است ودر محتوا زنده و دینامیك و بیا نگر تاثیرات عا طفی‌انسان دوره ایست که هنـر منـد درآن می زیسته است.

میناتور نو،نوعی بهم‌آمیزی داردبا سور ریا لیزم معا صرواین شاید به‌آن جهت است‌که در این هر دوروش ناآگاه هنر مندبیشتر از آگاه اودر خط هاو نقش ها حل میگرددو جای میگیرد.

وقتی هنر مند نتوا ند تا میـن‌اقتصا دی داشته باشد واز هنرخود نان بخورد، استعداد دراحتبـا ج‌میمیرد و هنر مند از هنر گریز می زند.

وقتی دروازه ی کارگاهش رامی کشایم ، متوجه ورودم نمیگردد ، انگشتهایش شتابان قلم موی ظریف راروی صفحه‌ی کاغذ میدواند وشکلهارابه روشنی‌می کشد .

حالتی افسرده دارد ونگاهش حرکت دستش رادنبال می کند .

انگار که درهمان لحظه بخود نیست وهمراه باآدمهای اثیری، تازه ترین ابداعی که طرحش رابه آرامی روی اثرپیاده میکند، مرز های‌زمان راشکستانده واز سایه‌ی روشن اتاق کـارش به بیکرانه جاودانه رویاهای دیرپای میخواهد قیافه ها وچهره هارااز اسارت چارچوبه نقش هاونگارها بیرون کشد وآنهارا باحالت عاطفی يك انسان زنده روی جاده زندگی وفراخنای لحظه های شتابان به تحرك کشد .

ویااینکه میخواهدازهستی خودش‌ازاحساس خودش وازعاطفه وقلب خودش مایه گـذارد تاآدم های اودینامیزم زندگی را در خطـوط برجسته شکل های خودبه نمایش گذارند .

به دیوار هانگاه میکنم، به قاب ها وبـه تصویرها، به لحظه های به اسارت درآمده، به قیافه هاوآدمها، به خط هاورنگها، به‌نقش هاونگارها وناگهان خودرادر سر گیجه مـرز های میان واقعیت موجود ومرزهای نا شناخته زندگی ومرگ گم ورهاشده احساس میکنم ، درسرزمین افسانوی تابلوهاخودم را تصویر قاب شده‌ی می بینم، بی اراده وبی کشش . خیال‌میکنم همه این تصویرها، این آفریده ها

جان دارند، خیال میکنم خط هاباموازی ها و انکسار هاوانحنای خود شریانهای این آدمها اند ورنگها خون سیال آنها .

ودریك لحظه دیگر خودم رامیان اشکهای زاده‌ی اندوه وتبسم های ناشی از تاثرهای شاد، میان‌خنده هاوگریه ها، میان ناله وفریاد هاومیان غم های هست وپندار های نیست سرگردان می یابم .

من جادوی تصویر ها شده ام وافسون رنگها، وقتی به خود می آیم که اوآفریننده این طرحها وقصه هارا در کنارم ایستاده می یابم وصدایش رامی شنوم که به چه می اندیشی دخترم ؟

وچند لحظه بعد روبرویم نشسته وگوش به پرسشم داده است ، قیافه اش رااز نظر میگذرانم، موهای سیاه وسپیدش یادگار بیش ازپنجاه سال رفته براوست وخطوط درهم چهره‌اش باآن شیار های روشن جای پای‌زمان رادر عمق خودبه نمایش گذاشته است .

لبخند هموار روی بستر لبانش چهره اش راشاد نشان میدهد ، امامن نمیدانم چرا خیال میکنم اودرمیان خنده های آشکارش نهانی میگرید .

ازاوخواهش میکنم ازخودش ، زندگیش، کارنامه های هنریش وشیوه‌ی کارش حرفزند واوهم حرف میزند .

ـ میتوانم بگویم که استعداد هنری در خانواده‌ی مایك پدیده‌ی فطری بودومن هم ازکودکی شوق افراطی ولجام گسیخته‌ی به نقاشی داشتم، پدرم مشوق من‌گردید وهمینکه نوشتن وخواندن رافراگرفتم به کمکم گرفت ودروازه های کتابخانه اش رابرویم گشود و من برای اولین بار ازراه تصاویر کتابها به دنیای پررمز وکنایت بهزاد برخوردم وکودکانه به تقلید وبرداشت تصویرش پرداختم این آغاز کارمن بوددر شناخت مکتب بهزاد .

ـ میتوانید ازخصوصیت های این مکتب سخن گویید وویژیگی های آنرااز نظر فورم ومحتوابه نسبت مکتب های معاصر برشمارید؟

ـ کار برد نقوش (خطایی) (وایسلیمی) ، تذهیب ظرافت وریزه‌کاری در هنر میناتور میتواند آنرا ازسایر پدیده های هنری جدا سازد، چشم بادامی، ابروی پیوسته وصورت گرد خاصه‌ی مکتب هرات‌است، والبته استفاده ازرنگهای طلایی ولاجوردی خالص یکی از خصوصیات بارز این مکتب است .

وهنر میناتور بادیزین وشفافیتش زیبایی بخصوص دارد .

ـ من فکرمیکنم هنر میناتور در مکتب خود ازریالیزم وواقعیت گرایی بیگانه است و در اشکال آن کمتر میتوان نمود ها ی زندگی امروز وانسان معاصر رابه تماشا گرفت . نظر شماچگونه است ؟

ـ فراموش نکنید که هنر به عنوان یك پدیده‌ی فکری وذهنی انسان نمیتواند ازتاثر پذیری بدور بماند وشرایط زندگی گروهی ریك دوران خاص تاریخ بافرهنگ واقتصاد ورخدادهای اجتماعی درآن مایه نگذارداز چنین حالتی آن هنرکه هنرهم نیست زود میمیرد و نمیتواند درمیان قرنها همراه بازمان بدود .

درمیناتور ازفورم معین وچوکاتی آن که بگذریم ناآگاه بیشتر ازآگاه هنرمند روی طرح ومحتوا اثر میگذارد واین شاید به آن علت است که شکلها وخط هاونشانه هاهمه بانوعی سمبولیزم میکوشد انسان رافراسوی خودش جهت دهد ومثلامن ناشناخته ی رویای اشیاء رابه تصویر کشد، شاید همین تبارز ناآگاه یك‌وجه مشتر ك میان مینا تور امروزو سورریالیزم معاصر بتواند قبول افتد. بااین تفاوت که درمیناتور هیچنوع محتوا نمیتواند روی فرم آن اثرگذارد، یعنی فرم در میناتور خصیصه بارز آن است ، آنهم باچنان مشکل پسندی که حتی جای نقطه رانیز تعین میکند.

ـ خوب استاد اجازه دهید بپرسم تاجاییکه من شاهد بوده‌ام شمابرای احیای مجدد هنر میناتور زحمت فراوانی کشیدید ، بارهاکورس هاوآموزشگاه هارا درمعارف کشور گشودید وبارها شاگرهایی راپذیرفتید وبه تربیت گرفتید. ولی مکتب میناتور جز درسالهای‌اخیر هرگز رنگی نگرفت ومورد قبول نیفتاد، ازنظر شماعلل این عدم موفقیت درچه مواردی‌خلاصه میگردد ؟

ـ راست است که من یکدفعه درسال۱۳۲۶ درلیسه سلطان، بعددرسال ۱۳۳۲ باز هم درهمین لیسه کورسهای میناتور را گشایش دادم ولی درتمام این موارد ازنظرمن علت ناکامی ماعدم گسترش این مکتب در دوعلت خلاصه می شده است .

اول اینکه شاگرد ویاخانواده شاگردمتیقن نبوده‌اند که هنر بصورت عام وباز نقاشی ومیناتور بصورت خاص تر بتواند ازنظر اقتصادی ممد عایدی در زندگی میناتورتیست باشد .

ودوم اینکه درزمان تحصیل شاگرد ازراه فروش کارهای اول خو د هیچنوع اتکای اقتصادی نداشته است وگاه حتی موجودنبودن زمینه‌ی پولی برای تهیه اسباب ولوازم کار موجب گریزاوازاین هنرمی شده است . ولی درین اواخر در کورس دارالمعلمین عالی توانستم یك تعداد شاگردان رابه‌این هنرآشنا سازم ورموز نقاشی رابه شیوه بازتری به ایشان بیاموزانم .

ـ استاد ازآثار خودسخن گویید وشمار آن وبهترین آن ازنظر خودتان ؟

ـ اودستی به موهای سپیدش می کشد وبه چهاردیواری اتاق مینگرد (مثل اینکه به تابلو هایش نگاه می کند وبهترینش رامی جوید .)

ـ گرچه همه آثار هنرمند در نزدش گرامی است ولی چون ذوق ها متفاوت است ممکن است بهترین اثرم ازدید خودم با نظر

بقیه درصفحه ٤٠

استاد مشعل: من فکر می‌کنم هنر میناتوردرمکتب خودازریالزم وواقعیت‌گرایی بیگانه است .

گلایس آواز خوان حنجره طلایی

ترجمهٔ ع . م . شجاع

هنرمندیکه قلب اروپا نام گرفته

. . .

باصدای رساو گیرای خویش نیمی از مردم اروپارا شیفته خویش گردانیده

بیش ازصد صفحه کلایس تاحال برای هنرمندان وهنر دوستان خویش ازخودبیادگار گذاشته، ازهمین سبب آواز خوان حنجره‌طلایی اروپالقب گرفته‌است اوکنسرت هایی‌دایرمیکند که بگفته خوداروپائیان هیجان انگیز ترین نمایشات هنری وآوازخوانی است، زمانیکه خبرنمایشات این آواز خوان اعلان میگردد گویی درهمان شهر جشنی برپا گردیده، مردم ازخوشوقتی وشادمانی دست ازپانمی شناسند. وی (جام لاست) نام دارد چهل وپنج بهار زندگی راپشت سر گذاشته، یك مترونود

سانتی قددارد، موهای آشفته وریش بیضوی شکل دارد، دراثنای خواندن آواز ژست ها وحرکات جالب اجرا می نماید، زمانیکه در مجالس حضور بهم میرساند مانند فرمانروایان دوم باستان کلاه خویش راازسر برداشته وباغرور درحالیکه تبسم در لبهایش متظا هر دست از صفوف مردم میگذرد. بصورت عموم

دراکثرنمایشات جام خودش رهبری گروه هنری خویش را بدوش دارد، او آهنگهای دلچسپی ترتیب میدهد، بصورت عموم (جام) عاشق آهنگهای بین المللی دست وموسیقی رابه‌مفهوم وسیع آن قلبا دوست میدارد و عاشق بیقرار جاز است .

این هنرمند ازهفده سالگی‌به موزیك‌علاقمند گردیده واز همان سن هفده سالگی سرگرم دروس عملی ونظری گردیده واز همان آوان جوانی بدینطرف باعلاقه وپشتکار خاص به

تمرینات مداوم پرداخت وتاحال که نمایشات بیشماری تشکیل داده درکنار مصروفیت و موفقیت های هنری که بدست آورده، ازمزایای مادی نمایشات خویش باندازه‌کافی برخوردار گردیده است . نامبرده ازهمان آوان جوانی‌که به موسیقی دست رسی یافت محبوب همگان گردید وهمه برایش آینده درخشان هنری پیش بینی میکردند واینك این قیاس از قوه به‌فعل آمده وجام خواننده محبوب ایوپا گردیده درکنارانیکه خواننده است، موزیکهای قشنگ وزیبایی ترتیب می نمایدکه هر پارچه تهیه شده وی ارزش‌مادی ومعنوی زیادی‌دارد، وی معروفترین آواز خوان عصر خود است . نامبرده بااعضای آرکستر خویش نمایشات بیشماری درامریکای شمالی، امریکای جنوبی، آسترالیا، اتحاد شوروی، کانادا ویك سلسله کشور های دیگر اروپایی اجرا نموده که مورد استقبال گرم تماشاچیان قرار گرفت ، بلی برای هزاران نفر موزیك رابشکل واقعی آن تجلی داد .

بهترین صفتی که جام درنمایشات‌ازخودبروز میدهد، اطوار وحرکات زنده وجالب وی است چه باحرکات خویش که واقعا شکل رئالستیك دارد موضوع ومفهومی راکه نمایش میدهد در انظار تماشاچیان بشکل واقعی و برجسته ای تجسم میدهد وتماشاچی خویش راعملا با نمایشات جام همراه میدانند.

جام درنمایشات خویش خیلی پر تحرك است، باهرحرکت خویش وباپخش هر آهنگ نامبرده محشری درسالون تیاتر برپا میگردد وتماشاچیان بشکل پر شوری برایش کف میزنند وکف زدنهامدت طولانی به‌درازا میکشد.

جام متیقن است‌که موزیك امروزی نباید موزیك کلاسیك رامردود شمرد بلکه با تائید موزیك کلاسیك درتکامل وثمربخشی موزیك امروزی نیز .بایدکوشید وبااستفاده ازدستآورد های هنری موزیك کلاسیك هنر امروزی بیش ازپیش غنی ساخت . بنظرجام بایدبه‌هنرمندان امروزی حق داده شود تابا استفاده ازدستآورد های هنری تغییرات ونوآوری های قابل قبولی درهنروموسیقی امروز وارد سازند وبیش از پیش هنر امروزی راغنی سازند جام لاست درمدت کوتاه قلل هنروآواز خوانی را مسخر شده وهمچنان باموفقیت های درخشان پلکان هنر رامی پیماید وبانمایشات دلچسپ خویش بیش ازپیش محبوب القلوب همگان قرارمیگیرد ودوستان زیادی بدور خویش جمع نموده واز اطراف واکناف سازمانهای مختلفه هنری توجه همگان رابخود جلب نموده است .

وی همیشه باگروه هنری خویش به بحث وگفتگو درمورد هنر وتهیه شد ن نمایشات خویش میپردازدوهمیشه به‌دسته هنری‌خویش پیشنهاد می نماید تانوآوریهایی درزمینه های مختلفه هنری بنمایند تانمایشات وی بیش از پیش دلچسپ وتماشایی گردد، وی بدین عقیده است که هنرمندان زمانی موفق است‌که همیش بعداز هرنمایش نظر بینندگان و تماشاچیان راجدآبه حساب آورده وبه نظرات وعقیده تماشاچیان درمورد نمایش کم اهمیت ندهد . زیاد بهادادن ودرعین زمان کم بهادادن

به عقیده ونظرتماشاچیان هردوبه‌آن اندازه غلط است که به هیچ بهادادن آن، باید حدوسطی ومعیار منطقی رادراین مورد مراعات نموده واز هرنمایش درس گرفت، در حقیقت نمایشات بذات خودبرای هنرمند بهترین درس علمی ونظری است چه هرنمایش باید نظربه نمایش گذشته فرق‌کلی داشته باشد وهنرمند به آن اندازه توانا بوده ودررشته خویش دسترسی داشته باشدکه هرنمایش خویش رابه‌آن‌اندازه ریالستیك جلوه دهدکه بیننده خویش راعملا درجریان حوادث قیاس نماید وطبعا رشته ارتباطی که بیننده رابانمایشات روی صحنه تیاتر ویااپرا مرتبط میسازد هما نا موفقیت هنرمند (تجلی واقعیات موضوع مورد نظر است) بنظروی هنرمند درکنار تجلی واقعیاتی اززندگی زمانی موفق است تااز سبك های مختلف وتکنیك های جدید نمایش هنرحداکثر استفاده نموده وهمیشه درنمایشات خو یش یك سلسله نوآوریهایی رامرعی دارد چه‌بدون نوآوری درهنر ونمایشات هنری، رویهمرفته نمایشات شکل تکراری ودرعین زمان شکل تجریدی رابخویش اختیار می‌نماید . عمده‌ترین مطلبی‌که نامبرده درنمایشات نظر بدیگران سبقت جسته وگامی فراتر گذاشته سبك آواز خوانی خویش راکاملا یك سبك جدید ومودرن نموده واز سبك کاملا جدیدی در این مورد پیروی می نماید .

دراکثر نمایشات جام خودش رهبری‌گروه های مجموع آرکستر جام نیز متشکل ازجوانان چیره دست دررشته های منحصر بفردخویشتن اند، زمانیکه پرده کنارمی رود وجام باگروه خویش بروی صحنه ظاهر میگردد وبعداز شروع نمایش گویی محشری برپا میگردد، ازیکطرف هنرنمایی جام وگروه وی واز جانب دیگر استقبال مردم چنان فضای سالون را آگنده ازشهود وهلهله میگرداند که تعریف آن ازعهده هرشخصی خارج است، در حقیقت موفقیت گروه آرکستر راباید مرهون آواز رساوگیرای جام دانست . رادیو لوکزامبورگ اعلان نمودکه هنرنمایی وآواز خوانی جام ، آواز خوان جوان (الویس پرسلی) رااز صحنه بدرکرد .

جام درهامبورگ خانه ساده‌ای دارد، اثاثیه منزلش نه آنقدرها گرانبها ونه آنقدر کم بهاست بلکه حدوسط رادر این مورد برگزیده است، نامبرده درمنزلش باخانم وسه فرزند خویش زندگانی دارد .

جام سخت علاقمند پیانو گردیده وهروقتیکه سری به اطفال وخانه می زند، پشت پیانو قرارگرفته ومرتب به نواختن آن می پردازد ودرین پشتکار عجیب وغریبی که در تمرین پیانو ازخودنشان میدهد در عرصه های آیندهٔ هنری حتما از موفقیت زیادی بر خوردار میگردد. هنرمند نامبرده چهارده سال تمام در رشته موسیقی تحصیل نمود وحالا نیز از تحصیل وبدست آوردن معلومات ازعرصه‌های مختلف هنری لحظه ای فرو گذاشت نمینماید.

خدمت بزرگی که جام برای هنرمندان جوان نموده اینست که برای آنهااساسی را بنیاد نهاده وازلحاظ هنری درست ترین اساسی است، جام درحقیقت اولین سنگ تهداب تلفیق موسیقی کلاسیك را باموسیقی امروزی گذاشته است وموسیقی رابه مفهوم وسیع آن قابل درك وقابل قبو ل میداند نه به مفهوم خیلی محدود، چه داشتن ابتکار وافق وسیع هنروآیندهٔ هنررا تا بناك دیدن از جمله خصوصیات یك هنرمند مبرز است وهنرمند واقعی محدود نمی اندیشد بلکه دریك ساحه خیلی ها وسیع می اندیشد و افق نظرش سرحدات دور دست را در می‌نوردد.ازدرمیان گذاشتن نظریات خویش درموردهنروهنرمندان به معلومات هنری خویش می افزاید، تنها خوب نواختن ویاخواندن گیرا برای هنرمند آواز خوان ونوازندگان کفایت نمی نماید ، بایداز لحاظ نظری وتیوریکی نیزبایددرمدارجی ازپلکان علم موسیقی قرارداشته باشدوآنچنان معلومات وسیعی داشته باشد تادر موقع لزوم بحیث یك هنرمند ازهنر به مفهوم وسیع و یا محدودآن دفاع نماید .

آواز خوان نامبرده بیشتر اوقات خویش را درتمرین آواز خوانی و زندگی در دهات میگذراند، وی آب وهوای دهات کشورش را نظربه آب وهوای پردود وغبار شهر ها سبقت داده ودر فضای آرام دهات بگفتهٔ خودش آرام وبی سروصدا زندگی می نماید اما درنمایشات خویش آنقدر هنرمند پرسروصدا است که وی راجنجالی ترین آواز خوان غرب نام داده‌اند .

مطالعه این سلسله فقط به زنها توصیه میشود

قسمت دوم

ترجمه میر جمال الدین فخری

طفل و مادر

حواس پنجگانهٔ نوزاد

حواس پنجکا نهٔ اطفال‌از همان آوان‌تولد فعالیت می نماید ولی نه به آن حجمی که‌در برابر هرعملی عکس العملی از خود نشان بدهد .

چشم ها:

در ساعات‌اول تولد نوزادحرکات چشمهای اطفال کوردینه شده‌نیست وغیر طبیعی‌حرکت می نمایند .بعد ازچند ساعت حرکت‌مشترک هردو چشم نوزاد آغاز می‌یابد ولی‌درینحالت تا هنوز طفل چیزی را نمی بیند. روشنائی خیره کننده مزاحم نوزاد میشود او را تکان داده وطفل ازین ناحیه ناراحتی نشان‌میدهد. ازین لحاظ در اتاقی که نوزاد تولد شده و ممکن است مدتی آنجا قرارگیرد نباید ازحد زیاد روشن‌باشد .

چشمان نوزاد معمولا آبی رنگ می باشد و به مرور زمان‌رنگ خودرا تغیر می‌دهد.

در همان لحظه ایکه نوزاد تولد میشود قابله یادایه فورا به چشمهای او دوامی چکاند این عمل درستی است و در برابر مکروب ها و امراض که‌ممکن است درهنگام تولد چشم طفل بردارد محفوظ و مامون می مانند و درغیرآن ممکن‌طفل به امراض‌مهلک چشم دچار شود ویا بسیار احتمال میرودکه باعث کور شدن نوزاد گردد .

در طول چند روز اول بعد ازتولد نوزاد در کنج‌های چشم او پخل بملاحظه میرسد اگر درچشم طفل‌پلکها وجود ندارد ویاخود تخم‌چشم سرخ معلوم میشود هیچ دلیلی نیست که کسی وارخطا شود .روز چند بار با پنبه ایکه قبلادر آب جوشاندهٔ بابونه نم شده باشد شستشو دهید برای اینکار لطفا ازپنبهٔ (انگر یزی) ضد عفونی استفاده کنید .

ولی باید خاطر نشان سازیم که بایک پنبه دوبار به‌پاک کردن چشم طفل تان نپر دازید .

اگر درست از چشمان طفل خود مواظبت کنید در ظرف چند روزی پخل کنج های چشم او برطرف میشود .ولی توصیه می نمائیم که اگر پخل چشم نوزاد بر طرف نشد به دکتور مراجعه نمائید .

گوش ها :

حس سامعهٔ نوزادفعال است .در روزهای اول تولد خود طفل به‌زنگ های تلفون و صحبت های پست و بلند بزر گان چندان اعتنائی نمی نماید ولی اگر در وازه اتاق رابه شدت بزنیم ویا آواز رعد و برق طفل نوزاد راازجایش تکان میدهد .بعضی اوقات نوزاد از آواز های بلندی که اذیت می شوند باگریه و ناراحتی جواب می گویند .طفل را باید ازقیل وقال و آوازهای گو شخراش در امان نگهداشت .

پکه های گوش طفل نورمال مکملا نمو کرده ولی اکثر اطفال باگو شهای غیرطبیعی زائیده میشوند .اتفاق می افتد که یکی از پکه های گوش طفل‌پام‌تر میباشد چونکه‌طفل همیشه سعی می‌نماید به همان طرف سرش را دور بدهد .

بعد ها ،زمانیکه طفل فقط به همان یک پهلو نمی خوابند پکهٔ گوشش هم وضع نور مال بخود میگیرد .

عقیدهٔ نا درستی است که میگویند گوش های پام اطفال زادهٔ درست نخوابیدن طفل و یا گذاشتن نادرست سر او روی بالشت می باشد .ازینرو پلستر گرفتن گوش‌طفل موجبی ندارد و دیده شده که مدت زیادی گوش طفل بسته شده ولی بعد از آنکه پلستر از گوش او دور کشته‌دو باره‌گوش نوزاد شکل اولی خودرا اختیار نموده است .

حس ذایقه

نوزاد قادر است‌مزهٔ غذای خودش راتمیز کند مثلا بعضی از اطفال از خوردن چائیکه شیرینی کم داشته باشد اباءمی‌ورزنددر همین یک هفته عمر خود نوزاد رویش را چملک می سازد و چای رانمی نوشد اوغذارا دوباره تف می کند ویک قطرهٔ آنراهم ازگلوپائین نمی برد و اگر غذا ترش ،شور ویاتلخ باشد ابدا طفل به‌علاقه نمی خورد و دربرابر هرکدام آن خود راقواره قواره میسازد.طفل شیرخوار غذای شیرین را بامزه هایش‌نوش جان میکند راستی ،فراموش کردم یاد آور شوم که بعضی از نوزادان‌چای شیرین چک راهم باعلاقه می نوشند وحتی در چائیکه چند قطره آب لیمو ریخته باشیم هم‌میخورند.

جلد :

جلد طفل نوزاد در اثنای تولد بامادهٔ‌چربی که رنگ زرد سفید نما پوشیده می باشد. درین ماده مقدار زیاد ویتامین ها و هرمون هاکه برای نموی طفل ضروری محسوب می گردد و جود دارد .درظرف چند ساعت این چربی جذب می شود بعداز جذب چربی طبیعی طفل رنگ جلد نوزاد گلابی شکل

معاینه اطفال توسط داکتروتجویزادویه وقتاً فوقتاً لازمی پنداشته‌می شود

هنگام غسل دادن طفل باید دقت زیاد بخرچ داد.
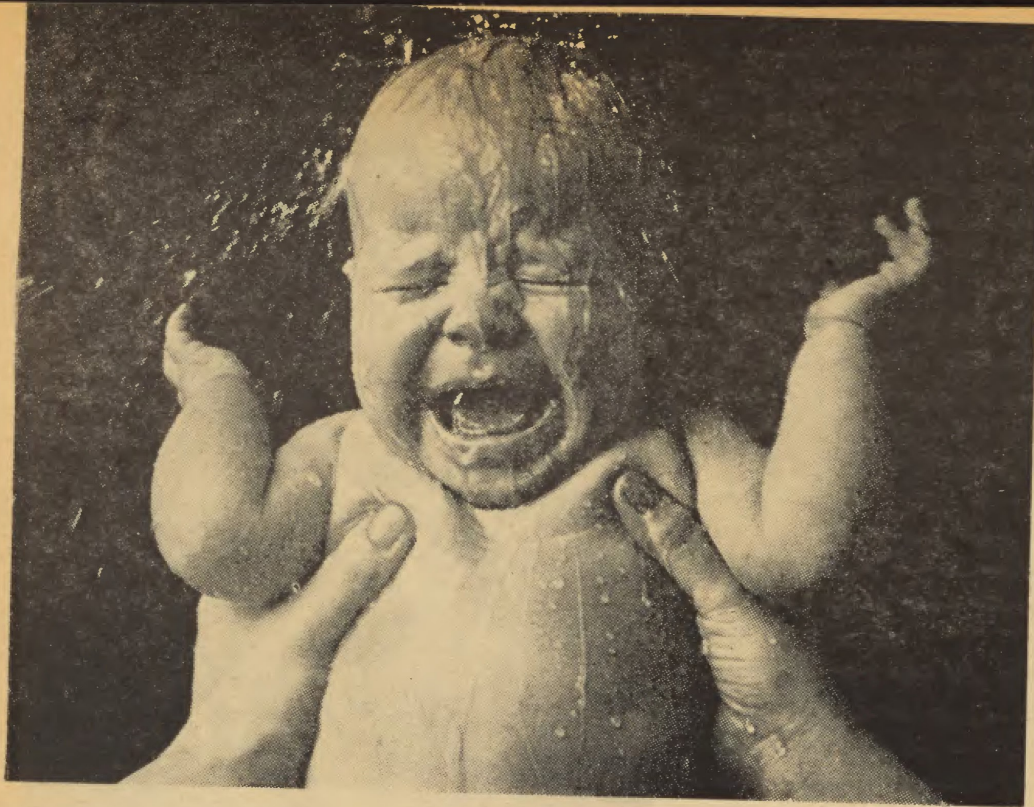
نرم و مخملی میشود ۰بعدها در اثر پـاک کردن جلد طفل شیر خوار زخم هاروی جلد او ظاهر می‌گردد ۰برای اینکه این حادثـه رونما نگردد چاره هایی هست که دراثـر مواظبت درست از جلد طفل حاصل شـــده میتواند ۰

بعضی اوقات در مدت ۱ـ۲ روز جلـــد نوزاد سالم دارای لکه های کبود رنگی می باشد درین حالت طفل راحتما به دکتورنشان بدهید زیرا کمبودی رنگ جلد طفل شایـد بعضی او قات از سبب نقایص قلب‌ومعیوب بودن جوف های قلب‌باشد و این خصوصیت مهلک است ۰بعضا رنگ جلد دفعتا تغییـر می‌نماید ۰۱ین چنین تغییرات جلد طفل‌همیشه علامهٔ خطر است و باید بصورت فوری نزد دکتور مراجعه شود.

تغییر رنگ جلد اطفال دراثر بی نظم شدن دوران خون یاسیستم تنفسی اطفـال صورت می گیرد و در بعضی او قاتیکه طفل خنک بخورد رنگ جلد اطفال کمبود میشود و تغییر می نماید ولی این تغییرات بصورت فوری و آنی انجام نمی شود ۰

زردی :

در ۳ـ٤ روز اول‌زندگی اکثرا جلد اطفال نوزاد کمی زرد می شود در ینحالت طفـــل بیشتر میخوابد و سینهٔ مادر راکمتر می‌گیرد معمولا بعد ازچند روزی زردی جلد طفـــل گم می شود و جلد مذکور دوباره رنگ تازه گرفته و گلابی میشود ۰۱گـر زردی در روز اول حیات طفل ظهور می نماید و یاخود از بین نمی رودلازم است که‌طبیب را ازموضوع مطلع ساخت ۰۱گر ازهمان روزیکه زردی‌روی جلد طفل پیدا میشود وفقط از هـمان آوان از گرفتن سینهٔ مادر اباء می ورزد بایدنزد دکتور ازدست طفل شکایت کرد ۰

پند یدگی غده های شیری :

بعضی از نوزادان چه دختر و چه پســـر دچار پندیدگی غده های شیری میشونـــد و این عمل بروز های پنجم ششم زند گـــی آنها صورت می گیرد ازسینه های آنهادر ینحال یک مادهٔ شیر مانندی خارج می‌شود۰ این حادثه دلیل مریضی طفل نیست ۰بلکه این حادثه ایست که اثنای تولد بعضی از مواد از خون مادر به‌خون طفل یکجا شده که بالنتیجه ازطریق غده های شیری اطفال بیرون می شود.

این حادثه بدون اینکه محتاج به تداوی باشد خود بخود درظرف چند روزی مرفوع میگردد ۰

پچق و پندی کردن سینه های طفـــل (جی‌جی گک‌ها) شدیدا ممنوع است چونکه ممکن است در اثر این عمل التها بـــات شدیدی در غده های شیری اطفال ظهـــور نماید ۰

فراخی رگ ها:

در قسمت های بالای بینی و یاپشـــت سر اطفال نوزاد اکثرا لکه های سرخ رنگ به ملاحظه می رسد که علامهٔ فراخی رگهـای حامل خون اند ۰معمولا این لکه هاتا اخیر سال اول زندگی نوزاد ازبین می رونـــد و جلد رنگ اصلی خودرا میگیرد ۰بایـــد

لطفا ورق بزنید

طفل مادر

متوجه این لکه هابود و در صورتیکه اضافه شده میرود به دکتور مراجعه شود .

حسا سیت جلد :

از لحظهٔ تولد طفل فوق العاده حساس است و تماس هائی راکه با اوصورت می گیرد تمیز کرده واینکه چگونـه با اوپیش آمد میشود احساس می نماید هرگاه طفل دربغل کسی قرار داشته باشد و طرزگرفتن اوهم ناراحت کننده نباشد طفل در بـغـل او آرام قرار میگیرد وکسی که او رادرست در آغوش نگرفته باشد ناراحتی سر داده به گریه آغاز می نماید ·

در صو رتیکه عضلات طفل بصـــو رت بسیار بی اعتنا ئی هر طرفی کش و وش شود طفل افگار میشود وگریه میکند ·واگر باطفل به ملایمت و با احتیاط رفتار شود عضلات او مقا ومت نشان نمی دهد و آرام می باشد ·

طفل از روز اول تولد خود در برابـــر گرمی سردی و درد حساسیت نشان مـی دهد ·طفل را نباید گرم و سرد کرد یعنی از هوای گرم دفعتا به هوای سرد بیـــرون نمود و یا اینکه‌از هوای سرد او را دفعتا به هوای گرم داخل‌کرد· (چنانچه اکثر این اتفاقات در وقت حمام دادن طفل بیشتـــر صورت می گرد) و در پهلوی این کارهـا راضی‌نباشید که دردی طفل تان را اذیـت کند ·

احساس توازن

طفل شیر خوار در برابر تغییر خوردن و ضعیت وجود خود حساس است ·وقتی که طفل را روی دست می گیریم ویاخـود او را بغل می‌کنیم‌لازم است تادر ماه هـای اول زندگی اش متوجه کلهٔ اوبوده وسرش را نگذاریم به هر طرفی غلت بخوردچونکه درین دوران خود طفل قادر نیست تـوازن کله اش راحفظ نماید ·

برای طفل خیلی ها گوارا خواهد بـود که‌تختهٔ پشت وشانه هایش آزاد درآغوش مادربکه اورا بطور خفیف بخود میفشاردقرار گرفته باشد ·ودست دیگرمادر او رانگهدارد به ایـن ترتیب نـه‌تنها در روز ها ومـاه های اول‌زندگی طفل‌گرفته شود بلکه‌تازمانی صورت گیرد که‌او نشستن را بکلی‌بیاموزد

طفل شیر خوار اکثرا تکان میخورد ونه تنها از رو شنائی زننده آواز نا گنهانـی و بلند تکان میخورد بلکه در وقت خـــواب نیز ممکن است از جایش بپرد ویا قنـداق خود را ترنماید .اگر طفل را دفعتا از یک محل به‌محل دیگری بگذارید ،خاصتا درهفته اول زندگی او ،تکان میخورد و می ترسد· باید دانست که این ترسیدن ها و ایـــن تکان خوردن ها علامهٔ اختلافات عصبی طفل نیست ·

بعضی از اطفا لکیه بیشتر حساس اند حتی تاکلان سالی هم بعضا تکان میخورند· البته درمحیط آرام این حساسیت اطفال بـه مرور زمان از بین میرود ·

بعضی از خصو صیات دیگر نوزاد

ناف: بعداز آنـکه ناف طفل بریده شد و بعد ازچندروزی افتید زخم ناف طفل‌باید خشک نگهداری شود لازم است که توجـه خاصی به ناف طفل نوزاد مبذول گـــردد تابه نفـوذ کردن مـکروب هـا درآن زمینـه مساعد نگردد ·ودر صـورتیکه قواعدمواظبت ازنـاف طـوریکه لازم است انـجام وتطبیق نشود شاید که خودناف مرکزی ازانتشارات مکروب های گونا گون گردد ·

اگر کدام پندیدگی ناف موجود نیســت و یا اگر ورم‌ناف‌خیلی ناچیز است بـدون اینکه به کدام تداوی ضرورت داشته باشد پسس از مرور زمان تکلیف ناف رفع مـی گردد ·

پند بدگی مایه ها :اگر یکی ازمایـــه های پسر نوزاد نسبت به دیگرآن بـزرگ تر است باید فورا به دکتور مراجعه شـود و تکلیف طفل حالی گردد ·دکتور ملاحظـه می نماید که‌آب‌گرفتگی درمایه وجودنداشته باشد ولو اگر اینطور هم باشد وار خطائی در کار نیست و ممکن است این نقیصـه بدون مداخلهٔ جراح و عمل جراحی درمدت کمی از بین برود ·

ادرار :

ادرار طفل نوزاد شفاف ،بدون رنـگ و بدون بو است ·این خصو صیات ادرارطفل بعد از آنکه طفل به سینه گرفتن هم آغـاز نمود باقی می‌ماند .

اگر ادرار طفل غلیظ است ویا بوئـی دارد باید بدون معطلی به دکتور مراجعـــه شود چونکه این خود علامهٔ مریضی طفـــل است ·و همچنان اگر ادرار نوزاد لته های طفل را زرد میسازد بازهم لازم است‌تانزد داکتر بروید ویا خود داکتر را نزد طفـــل دعوت کنید ·

بقیه درصفحه ٤١

طفل ازهمان آغاز کودکی به محبت وعاطفه‌مادر احتیاج دارد.

انکشاف صنایع دستی و نقش زنان

به مناسبت سال بین المللی زن

نوشته :را حله راسخ

بر همگان هویداست که تا ریخ زندگی بشر مراحل مختلفه را در پهنای و سیع و همه جانبه ز مان گذرانده و در هر مر حلهٔ از مراحل رشد ، نشا نه ها و علایم از خود بجا گذا شته که هر کدام مر بوط پله های معیین از زندگانی بشر به حساب می آید و ضمن یك‌سلسله مشخصات متنوع دیگر در تشخیص مراحل حیات برای درك و شنا خت زمانه هازمینه پژ وهشی ومطا لعه را هر چه بیشتر مهیا می سا ز ند وبرای اینکه انسانها بتوانندزندگی نمایند و سایل ، ابزار و آ لات را اختراع وایجاد نمودند تا بو سیله آن بتوانند از مواد اولیه پیرا مو ن خویش درست استفاده نمایند . در گام های اولی که از ما شین آلات و افزار خبری نبود و سا یل ابتدائیه مختر عین آنزمان حا یز اهمیت فوق العاده بود که بعد ها به کمك فکر بشر در طول ز ما نه ها تکامل یافته و راه‌ترقی راپیمود ازجمله همین که بصورت کل از آن تذکری به عمل آ مد، با فند گی وریسندگی نیز تاریخ بس طو لانی داشته و دارد همچنان صنعت‌کاشی سازی ، کندنکاری‌چوب، سنگتراشی مجسمه سازی ، حکاکی وغیره نیز در پهلوی صنایع د ستی نظر به ایجابات ، شرایط و خواسته های زمان بوجود آمده که نشانه ها ی زمانش را تا هنوز باخود دارند .

درانکشاف صنایع دستی و در تکمیل آن او ضاع واحوال‌اجتماعی تأثیر داشته و عقاید و نظر یات مربوط همان عصر و زمان نیز د ر آنها بی‌تأثیر نبوده و مطا لعات امروز ی می رساند که خواسته‌های عصر و ز مان در آثار دستی ورشد آنها تأثیرش‌را داشته ونقش خود را مو فقانه بر آن گذاشته است .

همچنان‌دررشد، تقویه‌تکامل‌وانکشاف صنایع د ستی از نیرو و ابتکار ودرایت مرد و زن استفاده گردیده وایشان توانسته اند در کنار یکدیگر موفق به پیروزی ها و نو آوری های درین راه گردند . ا ما باید متذکر شد که در رشد و انکشاف صنایع دستی بخصو ص صنایع نساجی ما قبل ماشین و ما شینی ، زنا ن از مر دا ن عقب نمانده اند بلکه بهتر وخوبتر از ایشان پیش رفته و از مردان‌کمی نداشته اند چنانچه‌قالین‌های مقبول وخوشرنگ که زیب بخشای قصر ها و عمارات وکاخ های با شکوه است، گلیم های مستحکم و زیبا ، پارچه های خامك دوزی ، پوستین ها و پوستینچه های زیبا و سایر پارچه جات ابریشمی ، سند و نخی که (شهرت جهانی دارد) ا کثرا با سر انگشتان همین ز نان رنگین میشود .

صنایع دستی مانند مجسمه ــ سازی ، حکاکی ، کندنکاری تا آنجائیکه محدودیت های ا جتماعی مزا حمت ایجاد نکرده با شد زنان سهم خویش را داشته و جهت‌رشد آن حد اکثر تلاش را نموده اند .

به ارتباط آ نچه گفته آ مد درین روز ها خبر نو ید بخشی‌به اطلا ع عامه‌رسیده‌که‌مؤسسه‌ای بنام (مر کز انکشاف صنایع دستی افغا نستان) بنابر تصمیم دو لت جمهوری‌بمیان آمده که بعد ازین تحت ر هنما ئی ها و حمایت همه جانبه آن در قدم اول صنایع دستی راه تکا مل‌وترقی راخواهد پیمود واز سوی دیگر جزء کمك مهمی برای مو لدین اصلی و کار کنان صنایع دستی بوده می ــ تواند که خود رو نق هرچه بیشتر آنرا می رساند .

تا آنجائیکه دیده میشود صنایع دستی در و طن ما باتمام ظرافت ها وحفظ جنبه های اصیل هنری آن ، به کمك و تلاش های شبا رو ز ی صنعتگران رو بهمرفته شکل اصلی و باستانی خود را داشته و تغیر وتحول کلی در ساخت و دیزا ین آنها مشهود نگردیده است . لهذا نیازی به کمك های همه جا نبه احساس می شود که بوجود آ مدن یك چنین مو سسه می تواند جواب گوی خو بی برای ر شد و انکشاف صنایع در کشور باشد .

بهر حال آ نچه مقصود ا ز ین نبشته در میان می آید اینست که زنان « صنعتگر » وطن ما در پای کار گاه های قالین بافی ، گلیم‌بافی سطرنجی بافی ، کر باس ، الچه ، قناویز ، نر مه و غیره و همچنان در دو ختن پارچه های نفیس، زیبا وقشنگ که بنام خامك دو زی یاد میشود نیاز مبرم به کمك، ر هنمائی واشتهار سالم داشته و از بوجود آمدن چنین مو سسات استقبا ل نیك می نمایند و از سوی دیگر ، چون جریان تجلیل وبر گذاری‌سال جهانی زن هنوز هم ادامه دا شته . این تصمیم ضمن اینکه در سا حه اصلی یعنی رشد صنایع د ستی مهم وارزشمند تلقی می گردد برای زنان صنعت پیشه نیز یك ا قدام نیکو و یك فال نیك تلقی شده می‌تواند .

همچنان نکته مهم و قابل یاد آوری در مورد اینکه ، قشرصنعتگر وپیشه و ران ما هر کشور مابرای فروش تو لیدات خویش بازارخوب نداشته و در مقابل تو رید ا جناس ومصنو عات ظاهرا ار زان خا رجی تاب مقاو مت نداشته و امید میرود بعد از ین جلو آن نو ع مصنو عات خارجی که امکان تولید آن در کشور موجود است گر فته شود .

ازجانب‌دیگر امیدآن میرود تا کو پراتیف ها و اتحادیه های صنعتگران و پیشه و ران تحت حمایه مر کز انکشاف صنا یع دستی افغانستان بو جود آید تا صنایع‌دستی هم راه رشد پیدا کند وپیشه وران نیز از مزایای آ ن به زندگانی خو یش سر و صورت بخشند .

د پښتو څېړنو دبين المللی مرکزدبين المللی سيمينار له بياناتوڅخه

په پښتو ادب کښی د تاریخی پېښو انعکاس

دريمه برخه

مثلا_ کله چه پر غلګرو دا رغنداو پر غاړو لو يې کاوه اتغر او لان(۱) او کلات بهٔ یی نالا کو ل نو بابا هو تك خپل قو مونه راټول کړل او د سره غره(۲) سره يی جګړه وکړه او دښمن يی مات کړ. ده خپله حماسی پهٔ دی ډول وليکله چه سر يې دادی:

پر سور غر بل را تـه نن اور دی

وکړ يه جو ړ را ته پيغـور دی

هو تك بابا په ۷٤۰ هـ، کښی وفات شو يدی.

د پښتو ادب په تاريخ کښی مونږ ددغی زمانی ديو بل شاعر اکبر زمينداوری له نامه سره هم اشنا يو.

دشعرونو پر ته دنثر د ځينو کتابونونومونه هم را رسيدلی دی چه ددغو پيړ يو د پښتنو وا کدا را نو تاريخو نه او د پښتو دشاعرانو تذکری دی چه ضرور حماسی مواد پکښی زيات دی لکه دسليمان ماکو ۶۱۲هـ تذکره الاولياء چه يوازی اوه مخه يی زمونږ تر عصره رسيد لی دی محمد بن عليی البستی ۶۵۰ هـ شاو خوا تاريخ سوری دشيخ کټه ۷۵۰هـ لر غونی پښتانه دشيخ احمد لو دی ۶۸۶ هـ اخبار اللو دی دکجو خان رانيزی ۹۰۰هـ د پښتنو تاريخ دبابر خان ۹۰۰ هـ تذکره غر غښت اود کامران خان سدوزی ۱۰۲۸هـ کليد کامرانی اونور چه ټول تاريخی حوادث اوواقعا ت بيانوی او په ځينو کښی پښتو شعرو نه او شا عرا ن رانيسی.

دشيخ ملی ۸۲۰ هـ شا وخوا دفتر

---

(۱) اولان داوسنی شاه جو ی په شمالی خوا کښی ديو ځای نوم دی چه دزړو ودانيو نخښنه پکښی ښکاری

(۲) سور غر شا جوی او اولا ن ته نژدی په شما لی ډډه کی دبو غره نوم دی.

هم ددغی زمانی يو اثر دی چه دزمکی او کورونو دويش اووار د پرنسيب اصول او مقررات وو

داداجتماعی او زراعتی صلا حا تو يو اثر دی مګر په معنا کښی يی د ـ بزګری د نهضت تاريخی حما سه پر ته ده.

په هغه نظام کښی خانان ملکان او نوابان اوپه خوا کښی يی هغـه رسمی پيران اورو حانی بز ر کا ن پالل کيدل چه امپراتوری دمقام اود دربار دښنګار دپاره مقابله مر سته کوله.

پهٔ دی منځ کښی عام ولس اود هغه وخت مهمه مو لده طبقه بزګران

ترفشار لاندی ووله يوی خـواد حکو مت ماليا تو خراجونو اوسوړ ـ ساتو نو پری سور ساعت راوسته له بلی خواد خانانو نوابانو بيګارونو پری توره ورځ جوړوله او درو حانيانو تبليغا ت هم ورپسی وو چه زړو نه يی دژوندانه نه تور کړی اوپه خپل نصيب او قسمت يی خو شحا لـه وساتی.

شيخ ملی په کليوا لو بز ګرانو زمکه او کورونه په مساويانه تو ګه ويشل اووخت په وخت يی بد لو ل داکومه تصادفی خبره نهٔ وه بلکه د هغه عصر دامپراتوری غو ښتنـو دولتی سيا ستو نو په ضديو عکس لعل ؤ او همد غه وجه ده کلـه چه حکو مت قوی کيده په هماغـه تناسب دشيخ ملی ددفتر دپر نسيب دتطبيق ساحه محدود يدله او څـو چه د شا هجهان اورنګ زيب زما نه

رارسيدله خبره دی حد ته رسيدلی وه چه ددفتر نسخی هم ور کی يا پټی وی اوچاپه ښکاره ډول لو ستلا ی اوسا تلای نه شوای خو شحال خان خټك وايی:

په سوات کښی ده دوه څيزه که جلی دی که خفی يامخزن ددرويزه دی يا دفتر د شيخ ملـی

• • •

متاع سفانه دشيخ ملی ددفتر متن مونږ پوری نه دی رسيد لی اودا نه شو ويلی چه حماسی مضمو ن لری که نه.

دهجری خلور می پيړی په سر کښی په ختيځه پښتو نخوا ننګرهار او پيښور او ملتان با ندی دلودی دکورنی شيخ حميد حکو مت کاوه چه ورپسی دده زوی نصر باچا شو.

غزنوی سلطنت دلوديانو کور نی دغه واکمنی هم پای ته ورسو له په دی کورنی کښی شيخ رضی دشيخ حميد ورور او نصر دهغه زوی د ـ پښتو شا عران وواود هر يو يو شعر مونږ ته رارسيد لی دی او هغه تورونه او تکفيرو نه څر ګندوی چه دښمنانو پری لګول ترڅی وروستـه هم لوديان په تاريخ کښی نوم لری.

دنهمی پيړی په نيمايی کښی ټول هند ددوی تر سلطی لاندی راځـی او نژدی يوه پيړی دوام کوی.

دوی هم دغو ريانو په شا ن دخپل وطن پريښودو مجبور شوی وواود پښتنو دتوری په زور په بل وطن کی اقتدار ته رسيد لی وونو ضـرورد پښتو ادب مميزه ددوی سلطنـت سره ملګری وه چه سلطان بهلو ل سکندر اوابرا هيم ددغـی دور ی مشهور کسان دی.

ددی کورنی وروستی باچا پـه ۹۳۲ هـ کښی په پانی پت کښی دبابر له خوا ووژل شو.

کله چه د لودی دکورنی دسلطنت ستوری ولويد په هماغه کال د پښتنو دتاريخ په اسمان کښی يو ځلا نـد لمر راوخوت

په جالندهر کښی د پښتون قا ضـی عبدالله کره سراج الدين وزير يداو جهان يی روښان کړ.

ددوی کورنی دلودی باد شاهانو داقتدار په وخت دوزير ستان د ـ کانيګرام نه دهند جالندهر ته ليـږ ديد لی وه.

دغه ماشوم نه با يزيد روښان يا روښان پير جوړ شو چه بيايـی د روښانی نهضت آسا س کښيښود.

روښان عالم متصو ف ليکـوال شاعر او مبارزؤ.

دهند دګور ګانی سلطنت په مقابل کښی يی دافغا نانو دملی آزادی دپاره مبارزه کو له.

دايوه منظمه ډله ايزه مبارزه وه چه په ژبه قلم اوتوره ير مخ تله.

ملی رنګ پکښی ښکاره اوروښان واودهقانی حرکت غير شعوزی او مضمر په دی وخت کښی دحکو متو نوله خواد شيخ ملی ددفتر پرنسيب دسقوط سره مخامخ وهغه زمکی چه دهغه دفتر دپرنسيب له مخه په هرو لسو کلونو دبز ګرانو تر منځ لـه سره ويشل کيدی اوس دخانانـو ملکيتو نه ګر ځيدل اواصلی پخوانی شريك مالکان مجبو ريدل چـه د خانانو دنو کرانو په حيث دهقا نی وکړی.

دغه رنګه زپل شوی بز ګرانـد حکومت دمخا لف پير بايزيد روښان مريدان کيدل دهغه تر شا دريد ل او دظالم حکو مت سره يی مبارزه کوله.

ملکان ملا کان خانان نوابان او بدی خوارهٔ م لايان اوپيران دحکومت ملګری اوغريبان بز ګران کسبګران اوروښا نفکره ملا يان دپيرروښا ن مريدان او ملګری وو.

ديوی نيمی پيړی مبـارزی او جنګونو نه وروسته روښا نيان د ـ حکومت په زور مات شول درو ښانی نهضت دوره د پښتنو په تاريخ کی کاملا په عملی توګه يوه حما سـی

از سبوتنیک

مترجم ، س،ل علوی

دوصد سالگی هم ارمغان مرگ را نخواهد آورد

زن سالخورده ای که یکصد و یکسال عمر دارد ودر تمام عمر خود از برلین پابیرون نگذاشته .

آذربائیجان یکی از جمهوریت‌های اتحاد شوروی بنام سر زمین طویل العمر ها خوانده میشود ، از هر ۱۰۰،۰۰۰ نفر تقریباً ۵۰ نفر اضافه از صد سال عمر کرده اند .واکثریت ایشان در ناحیهٔ لیریك و کوهستان تالیش زیسته اند . شیر علی‌مسلوف که درسال ۱۹۷۳ بعمر ۱۳۶ سالگی فوت کرد تاجائیکه فهمیده شده‌مسن ترین شخص در روی زمین شمرده شده و اتفاقا شیر علی هم در همین محل تولد شده است .

در اینجا میتوان معاصرین فدیور داستایوسکی ،لیوتو لستوی چار لز دیکنزو کیست وردی‌را ملا قات کرد برای مثال مجید اکتایوف چوپانی در قریهٔ تاکیا باند در سال ۱۸۳۵ تولد شده امروز باسن ۱۴۰ مسن ترین نفر در اتحاد شوروی شمرده‌میشود. او بلند قد وقوی و چهار شانه‌باقوهٔ دید خوب است . تنها خطوط عمیق در چهره والاشه های فرو رفته اش راز عمر درازش را افشا میکند . داکتر نبضش را ۶۲ بار در دقیقه وفشارش را ۱۴۰ بالای ۷۰ وانمود ساخت . اکایوف طریق خاص‌زندگی خودش را که به اساس رسم ورواج قدیم استوار است دارا میباشد . او هرگز مشروب الکلی نمینوشد و به صورت اساسی گوشت تازه ولبنیات وسبزیجات غذایش را تشکیل میدهد .

فا میل اکایوف از ۱۵۱نفر تشکیل شده که عبارت از فرزندانش نواسه هایش و کواسه هایش و بدوام آن میباشد هفتاد سال قبل زنش مرد و او دوباره از دواج کرد زن تازه‌اش کنون ۸۳ سال عمر دارد .

بعد از دیدن تاکیا باند ما بهٔ یك قریه بلند ترکه دهجونی نامیده‌میشد رفتیم ، در آنجا به دو خواهر مسن برخور دیم گل باجی و صنم، که گل باجی ۱۱۲ ساله ما رابخانهٔ خواهرش رهنمایی کرد ، او بسرعت در جاده‌ها حرکت میکرد .

گل باجی صحبت را آغازکرد،آخر او ده سال از خواهرش بزرگتر بود هنگامیکه ایشان را ترك کردیم درراه داکتر سفا روف گفت :

ـ « اینجا در اتحاد شوروی حد متوسط عمر ۷۲ شمرده میشود با آنکه هر شخص مسن یك اسراربرای جهان علم است ما اکثراً از فواید هوای تازه کوهستان میشنویم یا از فایده لبنیات و گوشت تازه و یا سبزیجات، مکراین‌تنهادرکوهستانات تالیش میسر نیست . در سویزرلیند حتی اقلیم بهتر از این است مگر در آنجا مردم چنین از عمر طویل برخور دار نیستند .

هر شخص طویل العمریك‌مجموعهٔ از علت ها و شرایط است ، تجربهٔ چندین ساله ام نشان داده است که هیچگاه اشخاص طویل العمر به احتضار پر تکلیف دچار نمیشوند .»

برای مقابله با مرگ زود رس‌تنها لازم نیست که انسان بداند چه‌برای وجود مفید است یا عمر را طویل میسازد بلکه دانستن اینکه چه برای صحت انسان مضر است هم ضرور میباشد .

مردم جوان معمولا به مسایل‌طول‌عمر چندان علاقه ندارند اینها خودشان را در مسیر تند باد پیری نمیشمارندو درسنین پیری که بسیار دیرمیباشد دربارهٔ طولانی زیستن فکر کنند .

علمای عمر شناسی هنگا میکه‌مسایل مربوط عمر زیاد را مطالعه میکنند میکوشند تا آمدنش راکم توجه ترو بیدرد تر سازند .

عمر شناسی یك علم بسیار قدیمه است هپو کرات که تصادفا خودش هم درسن ۱۰۴ سالگی مرد میگفت آنهایی که آرزوی عمر طویل تر را دارند بایددرهمه‌امور شعارمیانه‌روی را پیش گیرند اضا فه تر هوای تازه تنفس کنند ، اضافه تر غسل کنند و اضافه تراعمال بدنی‌وسپورت اجرا کنند. بلو تارك بقرار معلوم به این مقوله که « پا هایت راگرم‌وسرت را سرد نگهدار» ایمان داشت .

وقتی از داکتر کولوسوف در باره ریکارد طول عمر پرسیدند گفت‌که انسان فقط جدیدآشروع به بلندشدن به قلهٔ عمر دراز نموده‌برای مثال‌ماهی برای دو صد سال و شاهین اضافه تر از یکصد وپنجاه سال عمر میکنند وآثار یکدورهٔ گذشته (فلورا)ریکارد های طول عمر جالبتری رانشان میدهد درخت بلوط و خرما هزاران سال عمر میکنند .

دهقان انگلیسی تو ماس ۱۵۲سال در تحت سلطنت نه سلطان زیست کس چه میداند شاید اگر در باره صحت خود اهتمام بخرج میداداضافه ترمیز یست ،سالخوردهٔ معزز که‌به غذای ساده عادی بود بعد از یك‌طعام پر قیمت جهان را و داع گفت .

مردم سالخور ده، اترو سورو س را در خود انکشاف میدهد که رك ها را متاثر نموده در نتیجه جریان عادی خون را مانع میشود که یك تفاوت مزمن بین جریان‌خون واحتیاج‌عضلات قلب بوجود میاید . قلب ، بیست چند اضافتر از سایر اعضای و جود به خون احتیاج دارد .

نظر به تخمین ۴۰ تا۷۰ فیصد علل مرگ درسنین پیری عبارت از مرفن کار دیو سکا لر میباشد .

بقیه در صفحه ۵۹

گزارش از الف ز لمی

نمایشگاه رسامی امپر سیو نیزم

هانری مکاری راجع به‌تابلو یش‌حرف میز ند.

ساعت پنج عصر روز یکشنبه نهم قوس نما یشگاه رسا می امپر سیو نیزم یکتن از فرانسو یان‌مقیم کابل درسالو ن نمایشا ت مر کز کلتوری فرا نسه در کابل به‌نمایش گزارده شد .

ها نری مکا ری مر تب این نمایشگاه در جواب سوا لی اظهار داشت:

ازچهل سال به اینطر ف ذوق رسا می در او شگو فا ن شده‌و مرتب به خلق تابلو ها پردا خته است.

هانری که سابق کمیسرپولیس فرانسه بوده وفعلا متقا عد می‌باشد مدت نه ماه است که درافغانستان همراه با خا نمش که درشفا خانه مستورات ایفای و ظیفه می نماید، اقامت دارد .

او اولین بار یست‌که‌به‌افغانستان آمده ومی گوید که آرزو دار م‌تاآخر عمرم در افغانستا ن باشم ، زیرا افغانستان مملکتی است دا رای‌آب‌و هوای گواراکه‌می تواند هر گو نه ذوق رادرداما ن خود پر و ر ش دهد.

هانری در اوا یل بارنگ آبی‌به رسامی می پرداخت ، مگر چندی بعد دریا فت که می تواند آثاری خوبی با بکار بردن رنگ رو غنی بسازد.

اوبا طبیعت و رنگها یش علاقه فراوان دارد واز همین رو ست که افغانستان و منظره‌هایش راپسندیده وازآن خو شش آمده است .

ـمی پرسم ، از کدام سبك‌در رسامی پیروی می نماید ،

ـمیگوید : از امپر سیو نیزم:

ـلطفا در ین باره کمی بیشتر توضیحات بدهید ؟

ـطرف یکی از تابلو هایش‌خیره شده‌وبعد از اندکی میگوید :

ـاین سبك نمونه ایست از زیر برگهای سبك سور ریا لیزم ، از واقعیا ت وپنا هنده شد ن به تفکرات و تصورا ت .

نقاش امپر سیو نیست ر نگها رابهم می ریز د و(چیزی) بو جود میاورد که‌به نظر خود ش مجسم کننده افکار وادرا ك و احسا سات زودگذر است .

می پرسم:

ـبا رسام های افغا نی و سبك آنان آشنا یی دارید خیر؟

ـمتاسفا نه‌که‌تاحال نه‌توانسته‌ام بارسام های کشور تان آ شنایی پیداکنم، اما چندی قبل نما یش گاهی که از طر ف معلمین لیسه استقلال بر گز ار شده بود، با سمیع حسین و اسلم اکر م‌رسامان جوان وبا استعداد آ شنا شد م.

میر من شکور را نیز می شناسم وامیدوار م در‌مد ت اقا متم‌بارسامان زیاد وسبك هایشا ن آشنا یی‌پیدا نمایم.

ـتاحا ل چند نما یشگاه ترتیب داده اید ؟

ـاین اولین نما یشگا هی ا ست که‌در طو ل عمر م در اینجابر گزار کرده ام.

می‌پرسم چطور ؟

ـشانه های خود رابالا انداخته می‌گوید: زیرا تاحال هر چند تابلو که‌بو جود می آورده‌ام تمام آنهارا میفروختم ومو فق به جمع کردن آنها نشده بودم. خو شو قم ازینکه توانستم در افغانستا ن آثارم را جمع‌و نما یشگا هی تر تیب بدهم.

ـباز هم میخوا هید نمایشگا هی ترتیب دهید؟

ـامیدوار م.

ـاولین تابلو یکه خلق نمودید چه‌وقت و چه‌بود ؟

ـدر دوازده سا لگی او لین تابلویم را که عبار ت از یك‌منظره بود بو جود آورد م اما آ نرا سوزاندم.

تعدادی از بیند گان درین نمایشگاه

یکی از تابلو های هانری کـــه‌گوشه ای ازنور ستان را نشـــا ن‌میدهد

ـچرا؟

ـاز یش خوشم نیا مده بود.

ـدو مین اثر تان چطور ؟

ـدو مش بدنبود . من به طبیعت علاقه فراوان دارم ودر اکثر آثارم منظره ها و گلها را تر سیـــــم مینمایم.

ـیکی از تابلو هایتا ن گو شه‌از وادی نورستا ن رانشا ن میدهد،آیا آنجا را دیده اید؟

میگوید: منظور تا نرا فهمیـــدم من‌آنرا ازرو ی عکس سا خته‌ام، اما آرزو دارم این واد ی زیبا رااز نزدیك ببینم تا حال سا لنگ و پغمان رابا همه زیبا یی‌و عظمتشان دیده ام.

ـشما استادی هم در ینـــراه دارید؟

ـخیر ،ذوقم استاد م بوده .

ـازبین این آثار تان که د ر ـ نمایشگاه قرار دارد کدا مش‌رابیشتر می پسندید؟

ـسگرتی آ تش زده می گوید : تمامش را دوست دارم ، زیرا هـــمه آنهاراخودم‌بوجود آورده ا م ،مشکل است فر قی میان آنها قایل شوم، امافکر می کنم تابلو اسپها خـــوب ترسیم شده .

ـاین تابلو هم از روی عکـــس است یاآن منظره رابچشم خوددیده اید؟

در پهلوی منزل ما در فرانسه این اسپها که ازیکی از دوستانم می باشد به چرا مشغو ل می‌باشند عصر یکی ازروز ها ازخانه برآمدم‌و مصروف تما شا شد م این منظـــره سخت تو جه ام رابه خود جلـــب نمود، خانه آمد م وآنرا ترسیـــم نمودم تاحال چند بار این تا بلورا کشیده ام.

میپرسم غیر از رسا می دیگرچه چیز مشغو لیت تانرا تشکیـــــل میدهد؟

ـمن اکثرا به رسا می مشغـــول می باشم، و هم کتبی را جع بـــه افغانستا ن‌مطالعه مینمایم مجـــلا ت خار جی راور ق میزنم .

یعنی اکثر کار ها و مشغو لیت های‌مرا مسایل هنر ی و ذو قـــی تشکیل میدهد .

چند تابلوی دیگر از هانری
که در نمایشگاه اخیر عرضه شده‌بود

ساختمان های مدرن امروز زیاددرانگولا دیده میشود.

تازه‌ترین جمهوریت براعظم افریقا انگولا

پرتگالیها درانگولا هیچیك فابریکه بزرگی وارونق نه بخشیده درحالیکه مواد معدنی این سرزمین نسبت به کشور های همجوار ازقبیل کاتنگا ویارودیز بیشتر وعالیتر میباشد وهم بهترین بنادریکه باخطوط آهن باافریقای جنوبی رودیزیا وکتنگا وصل وامکانات خـــوبتر و سریعتر ترانسپورتی وانیز مالك میباشد باید علاوه کردکه پنجاه فیصد صادرات وواردات افریقای جنوبی ازطریق بنادر وقطار هـــا ی استعماری پرتگالی صورت میگیرد . پرتگال مسوول تهیه یك تعداد معین کارگران بـــرای معدن آر. پی . دی میباشد که تعدا د آنهـا سالانه به سه هزار کارگر میرسد با آنکـه قسمتی ازکارگران شخصا بکار مراجعه کـــرده ودستمزد خوبی میگیرند ولی با این هـــم مجبوراند قوه‌ی فزیکی زیادی بخرچ دهند .

فابریکات انگولا ضرورت خودرا بکارگران اطراف ودهات ومردان قوی هیکل آنجا بمقامات پرتگالی آنجا پیشنهاد وپیشنهاد شان توسط پولیس پرتگالی پذیرفته میشد . آنگاه پولیس جوانان قوی هیکل سیاهپوست دهات وقصبات انگولا رامحاصره وتعداد ضرورت فابریکات را مهیا میساخت وازهمین ملحوظ درحدود ۳ر۲ ساحه انگولا برعلیه سیستم استعماری‌پرتگال بجنگ ومجادله برخاستند که شروع این همه شورشها دراوایل سال ۱۹۶۱ صورت گر فته و ۱۴سال ازآنروز میگذردکه در اثر بوجو د آمدن جبهه آزادی ملی انگولا جهت بد ست آوردن استقلال خویش میکوشدند بالاخره در سال ۱۹۵۱ انگولا(ایالت دورازبحر) را بدست آورد جبهه آزادی ملی انگولا بزودی سراسر کشور را فراگرفته مخصوصا در شمال ونواحی شمال شرق کشورانتشار یافت جبهه‌ی آزادی تحت رهنمایی شاعر ونویسنده ای معـــروف «اتوستینو نتو» نه‌تنها افریقاییهارابه‌دورخود جمع کرد بلکه یکعده پرتگالیها را نیز بخود جلب نمودکه مجادله علیه سیستم استعماری وهمچنین دکتاتوری فاشیزم هاادامه میدادند . اوضاع داخلی انگولا چندین مراتبه در مجامع بین المللی مورد بحث قرار گرفته بود .

اگر بشهر های ساخته پرتگالی که درقلب افریقا بنایافته نظر انداخت مانند نندارتون های غنی صناعتی، کلتوری وغیره است کـه بااموال گرانبهای پرتگـــالی دیده میشود . عنعنات تاریخی انگولا داستان غم انگیزی‌دارد چه تاریخ این سرزمین از زمان حکـــمروای پرتگالی شروع‌نگردیده بلکه از ۱۵۷۵ زمانیکه «پولو دیه دونوخی» درجزیزه کوچکی لونـــدا (امروز پلاژ ریزوف شده ومحل غسل وآببازی اشخاص انتخابی وصاحبان رسوخ) وارد شده وازقرن ۱۴ میلادی مملکت مستقل کانگوولوندا بوجود آمد شروع گردیده است دراثر بوجود آمدن حکومت کانگو ودرخواست نیمی لوکین قبل ازورود پرتگالی ها دریك ساحه بزرگـی حکومت داشت حکومتی تشکیل گردید کـــه

گوره خر ازجملهٔ حیوانات است که‌درانگولازیاد یافت میشود

سرحدات آن ازطرف شمال مصب دریای‌کانگو وازطرف شرق تادریای کانگو وازجانب جنوب الی شهر موجوده‌ای لوندارا دربر میگرفت پایتخت این سلطنت بزرگ مونزاکانگو بود در ۱٤۹۱ تزینگاشاه انگولاشد وبعد ازحکومت وی‌جانشین «الفونسا میمبه» برسراقتدارآمد درآنوقت کانگو مناسبات دیپلوماسی خود را با پرتگال بصورت عادی ونورمال ادامه داده بود درقرن ۱٦ میلادی عساکر کانگو شروع بکنجکاوی نموده درنیمه قرن مذکور پایتخت رابدست آوردند کانگویی هاباترکهای پرتگالی های که میخواستند خود شان بر کانگوحکومت کنند بگرفتن انگولا پرداختند .

پرتگالیها برکانگو شتافته بستر حکمروایی رادرآن سرزمین هموار نمودند ولی متاسفانه دراثر جنگ های داخلی کشور مذکور از پا درآمد درعین زمان برای مدت درازی (قرن ۱۵-۱۹) درساحه مذکور حکومت لونداانکشاف کردکه ساحه موجوده انگولا رادر برمیگرفت که ازشمال بامتداد کوانگو تا دریای زامبزی وبوالابی ادامه داشت بزرگترین قدرت این کشور باحکومت شا ه جمبو تشکیل بخشید بالاخره درقرن ۱۹ کشور مذکور روبه ضعیفی گذاشت . پرتگال ازموقع استفاده کرده ازدو طریق داخل اینکشورشدند راه اولین‌مکتشفین پرتگالی که درآن‌سیلرواتکنیرا نیزحصه‌داشت در ۱۷۹۵ میلادی ساحه دریای کانگو، کونگو وکسایی را دشت های بیجی تحقیقات میکردند وعبور دوم آنهاکه کمترارزش داشت تجار پرتگالی جهت بدست آوردن غلامان بود .

البته هدف ایشان تحقیقات علمی نبوده بلکه رسیدن به کازیمبی پا یتخت سلطنت لوندا بودکه اشتباهات کار توگرافها آنها را براه غلطی رهنمایی وبسوی شمال بکشا نید پرتگالی ها دراثر آن مناسبات خودرا بالوندا محکم وارتباط مستقیمی راقایم کردند .

بهمین ترتیب فعالیت پرتگالیها در سرزمین افریقا به بهانه تحقیقات واکتشافات علمی بیشتر گردید وهدف آنهاازهمه بیشتر بسوی طلا، الماس، مرچ وغلام بود تاتوسط کشتی هابکشور خود نقل بدهند . درتصرف امریکای جنوبی پرتگال یگانه کشور بهانه جوی بودکه درردیف الف قرار گرفته است همچنین اولین کشوری بودکه به نقل غلامان ازاین براعظم پرداخت وهمانطور فروش غلا م سیاهپوست رادر نواحی امریکای شمالی وهم درکشورهای غربی رواج داد. هنگامیکه ازطرف جامعه ملل فروش غلام منع قرارداده شده پرتگال آخرین کشوری بودکه ازین پیشه خانمانسوز دست کشید هنگامیکه این تجارت درانگولا وموزنبیق منحیث یك تجارت داخلی رونق وانکشا ف یافت برای سالهای درازی دربین ملل مذکور ادامه داشت . غلامی وکار شاقه پیشه وکار دلپسند پرتگال درقاره افریقا بودکه پرتگالیها درمیان ملل جهان باین کسب افتخار میکرد

وازین راه سرمایه سرشاری بدست‌آوردندو آنها آنقدر باین تجارت رونق بخشیدند که توجه ملل ثروتمند وتجار حریص رابخودجلب کرده تقاضا برای این امتعه بیشتر گردید پرتگالی هامراکز تجارت غلام رادر نقاط خیلی حساس چندمیل ازآب های شور سا حل تاسیس کرده قلعه های مستحکم ، چوك های عسکری درجاهای مهم آباد کردند که بقایای آن تاامروز بمشاهده میرسد این فکتور ها بیشتر درلوبیتو ،بنگوویلاولوندا موقعیت‌داشت بعدها مرکز مهم تجارتی غلامان تنها دریک نقطه (پونگواندانگو) تمرکز وشهرت پیداکرد. وامروز که یك قرن ازمنع قرار دادن رسمی تجارت زنده جان وبشر بیگناه میگذرد . دفتر مسافرتی پرتگالی در انگولا بکمال افتخار مارکیت های تجارتی «گذشته» غلامان رابرخ توریست هامی کشانیدند که یکی از این مندویهای حقیقی انسان فروش پرتگالی‌هنگام مشاهده آبشار (براگان نالس) که از حیث بزرگی سومین آبشار جهـا ن است برای توریست نمایش میدهند .

بالاخره این‌همه فجایع، چوروچپاول حیثیت پرتگال رانزد ملل افریقایی پا یین آورده بالاخره مردم آن سرزمین به ستوه درآمدند. وجنگلهای چندین ساله راعلیه این کشو ر استعمار گر بوجود آوردند بعداز مجـادله و خونریزی های زیاد بالاخره درنیمه شب ۱۹ عقرب سال جاری پرتگال آزادی واستقلا این کشور ستمدید رابعداز ۵۰۰ سال استعما ر اعلام کرد ویك کشور دیگری در حلقه کشور های آزاد وجمهوری در اوراق تاریخ بشریت افزوده شد .

درحالیکه آشفتگی های گوناگون و دشواری حیات سیاسی وحتی اقتصادی کشور پرتگال را روزبروز مختل وآشفته میسازد در انگولا جنگ داخلی بکلی جانشین نبرد علیه‌استعمار شده است که احتمال تجزیه انگولا راخواهد داشت زیرا مناطق نفوذ قوای مسلح دسته‌های سیاسی متخاصم بروی خاك آنکشور مصیبت زده مشخص میگردد کشور های غربی واضلاع متحده مساعدت های مالی به پرتگال فراهم نموده تاسفید پوستانیکه از انگولا به پرتگال بازگشت میکنند بمشکلات بزرگ مالی مواجه نشوند .

مساحت جمهوریت انگولا ۱۲٤٦۷۰۰ کیلو مترمربع ونفوس آن درحدودشش میلیون بالغ میشود پایتخت آن شهرزیبا وعصری لوندا ودارای ٦۰۰ هزار جمعیت میبا شد انگولا

بقیه درصفحه ٦۱

یکی از زیبا رؤیان نیگرو که سرو صورت‌خودرا با رشمه وموره هـای رنگینی آرایش میدهند.

بقلم : عنایت الله

پرتوی چنداز زندگانی استاد خیرمحمد

سبك استاد خیرمحمد:

استادخیرمحمد درآوان طفولیت و جوانی علاقمند سبك کلاسیك بود، اما بعد هااز طرفداران سرسخت ریالیزم گردید ، قبل از اینکه به ایتالیا سفر کند،کارش شکل دیگری داشت، امابعدازبازگشت سیستم کار، طرز رنگ آمیزی و غیره خصوصیات رسامی اش تغییر کرد اولین باریکه اواز ایتالیابازگشت چهرهٔ جاهد پسرش راچنان بروی صفحه تات ترسیم نمود که باتابلو های قدیمه اش ازنگاه رنگ، پرداز وغیره قطعا قابل مقایسه نبود .

تاجائیکه بنده بیاد دارم استاد چند تابلو به سیستم ابسترکت نیزکار نموده بودند ، استاد باوجودیکه ازرنگ های مختلفه کار میگرفت دربسیاری ازتابلو هایش رنگ های سرد مخصوصا آبی بمشاهده میرسید ، رنگ های درختان رابارنگهای سبز، سر سبز نشان میداد واگر میخواست خزان ترسیم نماید، در آنصورت رنگ واقعی خزان رادر می یافت .

پور تریتست:

نمایشی راکه بعداز وفات استاد در مرکز فرهنگی امریکا که ازطرف فامیل وی برپا گردیده بود تماشاگران دیدند، همه به هنر پورتریت کاری استاد تحسین ها گفتند، استادان هنربه قدرت پورتریت اومینگریستند وبه حیرت فرو میرفتند .

استاد چندین پورتریت بناغلی محمدداود رهبرانقلاب افغانستان رارسامی نموده اند که باجرئت می توان گفت‌که قدرت انتقاد هنری آنهارا بزرگترین هنرمندان نخواهند داشت وبنده طوریکه اززبان آن مرحوم شنیده بودم، میگفت که این تابلو ها از برجسته ترین آثارم بشمار میروند .

معلم استاد خیر محمد:

اوهر کسی راکه بوی درس رسامی را آموخته بود استاد میدانست، از استادان زیاد نام می برد وبه هرکدام آنها ارج ومقامی قایل بود. تا جائیکه از زبان آن مرحوم شنیده ام ماستر عبدالعزیز رایکی از استادان واقعی خود میدانست ومیگفت که : (استاد عبدالعزیز گرچه خارجی بود ولی به افغانستان وافغانان علاقه قلبی داشت وبه تربیه اولاد افغانستان عشق داشت ، حتی میگفت من نمیخواهم درهند بمیرم، بلکه میخواهم در افغانستان بمیرم) استاد علاوه[1] میکرد که ماسترعبدالعزیز آنقدر قدرت رسامی داشت‌که نظیرش درعصر اوپیدا نمی شد، چنانچه‌وقتیکه مارا به سکیچ کردن طبیعت کابل در محلات دورتراز مکتب می برد، بالای دست خود چند خط می‌کشید وبعدابه رهنمایی های ماخود را مصروف میداشت . امابعداز چندروز درصنف تابلویی را می آوردکه انسان به حیرت فرو میرفت، چنان انعکاسات نوررادرروی درختان ، بته ها، سبزه هانشان میداد. چنان طبیعت را ترسیم میکرد، آنقدر رنگها رابجا استعمال میکرد که گویی عین آنست که دوروز پیشتر بامارفته بود وبیاد آورده بود ، اینجانب یکی از تابلو های بسیار قیمتدارو عالی این استاد بزرگ (ماستر عبدالعزیز) رادر خانه نجیب‌الله خان یکی ازنواسه های پروفیسور غلام محمد مصور دیده ام .

استادمی فرمود که پروفیسور غلام محمد مصور ازقهرمانان بزرگ سبك کلاسیك افغانی بشمار میرود وکار های آن ارزش بین المللی دارد.

فامیل هنری:

بی جهت نخواهد بود، زیراین عنوان از بازماندگان این استاد بزرگ یادکنم، استاد خیرمحمددوبارازدواج‌نمود، باراول‌درسال۱۳۱٤ ازدواج اوصورت گرفت که ازاین ازدواجش اولادنماند وزوجه اش درسال ۱۳٤۰ وفات یافت، ازدواج دوم استاد در ۱۳۳٤ صورت گرفت که ثمرهٔ آن هفت اولادکه ازجمله چهار دختر وسه پسرمی باشند .

استاد فامیلش رابسیار دوست داشت ودر داخل خانهٔ خودرسامی میکرد اولادهایش اجازه داشتند تادروقت رسامی اش صورت ترکیب رنگ وطرز سکیچ وغیره رابیاموزند شاگردان استاد نیزدرخانه اومی رفتند واز نزدش درس های خصوصی میگرفتند، درینجا میخواهم چند نفرازاعضای فامیل استادراکه هنرمندبارآمده‌اند ذکری نموده ومعرفی بدارم :

اول : بناغلی عبدالشکور : عضو ریسرچ دافغانستان بانك ، علاوه ازاینکه در علوم مختلفه مطالعات عمیق دارد، درشق رسامی ازسالیان خیلی پیش نزداستاد کار مینموده وکارهای اوبطرف کار های استاد نزدیکی تام دارد وخواهر زادهٔ استاد می باشد .

دوم : خانم سلطان : یگانه خواهر بزرگ استادخیرمحمد است که درقسمت دوخت دوبار حایز جایزه شده است . یکی آن ازطرف وزارت معارف درسال ۱۳۳٤ ودیگرآن ازطرف وزارت اطلاعات وکلتور درسال ۱۳٤۰ ، البته دوخت های راکه این خانم هنرمندانجام داده، دوخت های فوق العاده هنری بوده، طرزرنگ وغیره موضوعات عمیقانه درنظر گرفته شده است .

سوم : دختران وپسران هنرمند: شیمادختر کلان استاد بحیث معلمهٔ رسم دمیرمنو تولنه، که دردوخت وبافت مهارت‌کافی دارد، موزائیك تکه هاراخوب باهم بافت میدهد وتابلو ها ی قیمتداری ازآن بدست می آورد .

جاهد خوردترین پسر استاد بالاتر از سن وسال خود تابلومی کشد وبرادران کلانترش فائز وجواد تابلو های بسیار خوب با وجود صغرسن ترسیم میکنند .

رنا، مینا ونوشین دختران استاد در رشته های دیگر دارای استعداد وعلاقه می باشند . جای یادآوری خواهد بودکه میرمن حورا خانم استاد، علاقه فراوان به هنردارد واولاد ها را درزمینه هنر تشویق مینماید، همچنان به‌تابلو های استاد علاقمند است وآنهاراازدل وجان دوست دارد ونگهبانی خوبی ازآنها مینماید .

جوایز ونما یشات:

استاد تمام تابلوهای خودرا بحیث آثار هنری خود دوست داشت وبه هریك ازتابلو های خود ارزش خاص قایل بود، تابلوها ی خودرا بارها بنام رقابت درجوایز گذاشته وجوایزی به اثرآنها بدست آورده است . نمایشات متعدد انجام ودر نمایشات خارجی نیز سهم داشته، یکی ازآثاریکه استاد آنرا بسیار دوست داشت عبارت از تابلو ی (زن مریض) است . این تابلو ازروی مادرش دروقت مریضی ، ترسیم گردیده ودر نمایش مطبوعاتی حایز جایزه ممتاز گردیده است .

استاد وتابلو هایش:

استاد تاحدتوان کوشیده است مناظر افغانستان راترسیم نماید، به‌هرجاکه‌سفرمیکرد ازآن محیط سکیچ هامی آوردآنرا ترسیم‌میکرد، وضع دهات، شهرها، کوچه ها وغیره را رسم میکرد ومعمولا هریك رابرنگ روغنی رسامی می نمود، برنگ آبی گرچه مهارت داشت ، اماباکار روغنی علاقمندی خاص داشت، او مثلیکه از ضعف وکسالت خود میدانست که ازجهان خواهد رفت بناء چهره های اطفال خود رایکی بعدیگر رسامی نموده ودر گوشه های خانه خود بیادگار گذاشت برای اینکه از موضوعات آثار استاد معلومات حاصل شود بصورت نمونه اسماء یك تعداد از تابلوهایش راذکرمیدارم : پامیر- چهاردهی کابل - کوچه کهنهٔ کابل- منظرهٔ میدان- چلم چی- زن‌افغان توت تکانی- بزکشی- خانه های فیض آباد - پارك زرنگار- چاردهی غوربند- سالنگ - چهار آسیاب - کوتوالی قدیم - جبل السراج درهٔ آجر- پیرمرد افغان - برف در مسجد حاجی یعقوب وغیره .

رسامی چندروز قبل ازمرگ :

استاد راداکتر هانسبت تکلیف ضیق‌النفسی اجازه آن رانداده بودند تابرنگ روغنی کار نماید، ازاین روسد بزرگی در هنراووارد کرده بودند، وضع روحی استاد نیزدرین باره خوب نبود، برای اینکه اوعاشق تابلو های خودبود ونمیخواست هریك نیمه ونیمه کار باقی بماند، دربینی خود نل های کاغذی می نشاند و آنرا بدورمی پیوست سپس به تکمیل آن‌میپرداخت.

بعضی از مشخصات استاد:

استاد مرداندك باریك اندام، دارای قدبسیار رساوزیبا ، شکل گندمی داشت ، چشمهایش بسیار تیز وکشنده بود. قبل از گرفتاری به مرض ضیق النفس در مجالس سهم میگرفت وگفتار ومزاح های طنز آمیز میگفت ، امادر اواخر حیات به تکلیف حرف میزد واحساس ناراحتی میکرد .

استاد یك شخص بااعتماد بنفس خود بود وهرگز ضعیف النفسی رادر وجود خود راه نمیداد ، گویا که اشعار بیدل راخوانده بود وبیدل چنین میگفت :

پادشاهی بجنون جمع نگردد بیدل

تاج گیرند اگر آبلهٔ پا بخشند

ویا:- شوروشر بسیاردارد با تعلق زیستن

کم زبیدل نیستیداین فتنه‌ازسر واکنید

هرچه که اومیگفت نظرواقعی اوبود، او به اصطلاح عامیانه (شخص کاملایك روی بود)یکی ازخواص‌خاص‌اوحنین‌بودکه شاگردان‌راه‌توانست بزودی ازنظریات خودواقف سازد واز تدریس آن بزودی آموزش صورت میگرفت . او بخانم خودقبل ازمرگش فهمانده بودکه : (شاید من باشم وشایدبمیرم، هروقتیکه شاگردانم بعداز مرگ من بخانه می آیند آنهارا بمثل اولاد تصور کن وبه آنها ازمهربانی کار بگیر.)

اوباهنرمندان خودازدر تشویق پیش می‌آمد وتاحد توان به کسانیکه دارای استعداد هنری بودند کمك های شایانی نمود .

نظرمردم براستاد خیرمحمد :

بقیه درصفحه ٦۲

دسرور زوی ژباړه

ویرونکی فلمونه بیازوراخلی

پەزر گونو تنه امریکاییان دخپل وخت څو سا عتونه دهغو فلمونـو پەلید لو اوننداری تیروی چه پــه هغو کښی دزلزلو، سیندو نو اورـ لگیدو او هوایی ټکرونو ویروونکی صحنی ښودلی‌کیږی اوددغو فلمونو لەننداری څخه خو ند اخلی.

له دغو فلمونو څخه لاس تــــه راتلو نکی گټی او عواید ډیر زیات دی اوله همدی امله دهغو تو لیــد دامریکې په متحده ایا لاتو کښـــی زیات زور موند لی دی. پەیو داسی صنعت کښی چه کارو نەدتقلید په بنسټ ولاړ وی دهغو فلمو نو بری چەپه هغو کښی بایددسترو مصیبت ځپلو پیښو اوخطرو نو سره سرې مخامخ شی پەرا تلو نکی کښی هـم حتمی او ضروری دی.

البته باید ووایو چەدیوی شومی اوحیرانوونکی پیښی‌پەباره کښی‌هر فلم‌ته ویروونکی فلم‌نه شو ویلی،په حقیقت کښی دغه ډول ویروونکـی فلمونه دسینماد صنعت له لومړ یو زمانو څخه راپه دیخوا جو ړیږی‌خو هغه ډاروونکی فلمونه چه په هغـــو کښی یوشمیر خلك پەسترومصیبتو اخته کیږی تقریباً نوی وا لی لری اودامریکایی ننداره کوونکو اوسینما تەتلونکو دخو ښی عوا مل یی برابر کړیدی شك نشته چەدیو فلم‌دزلزلی هوایی ټکرونو اوپەلوړو ما ښیو کښی داورلگیدو په ځیر پیښی دبل فلـم سره توپیر کوی اویوازی سم تقلید او صحنی جوړول دی چەد زیاتـو سیلا نیانو اوننداره کوونکو ټولگی جذبوی په حقیقت کښی دویروونکو پیښو دصحنو څخه دخلکو تیښتــه اود ځان دخ لاصون دپاره دهغـوی چټکتیاده چه ننداره کوونکی دځـو ساعتونو دپاره مشغول او مصرو ف ساتی.

دانتقاد کوونکو اوننداره کوونکو ترمنځ داختلا ف سره ســره دری ویروونکی فلمونەدفلمونو دفصـل‌د هغو فلمونو څخەووچه دننداری نود بازار یی‌درلوداوزیات ننداره‌کوونکی یی‌د څو سا عتونو دپاره خو ښ او مصروف ساتلی‌شول‌دغه دری‌فلمونه د۱۹۷۵ هوایی ډگر، لړ زنده ځمکی اوپه لوړو ما ښیو کښی داور لگیدو له فلمونو څخه عبارتۀ یوبل نوی فلم چه «آراره» نو میږی اوانسا ن تـەد کب دحملی ویروونکی صحنه ښیی زیات بریا لیتوب تر لاسه کړی دی.

دفلم جوړولو په صنعت کښـــی بریا لیتو ب‌یادانتقاداړخ نەاویالەمالی نظره اندازه کیږی. داسی ډیر لـږ پیښی شوی چه یوډار وونکی فلـم یوهنری بریا لیتوب وگټل شی خو کوم شی‌چه ار څښت لری پەسینما گانو کښی دپیسو جوړ ولو اویاپه تلویز یون کښی دهغو دپلور لــــو اړخ دی دمثال په ډول دپو زیدو ن دکشا لی فلم چه د ۱۹۷٤ کا ل‌پـه منی کښی په تلویز یون کښـــی وښودل شونو دهغه دیوی نـنـداری څخه دهغه جوړوونکی دری اعشاریه دری ملیونه ډالره لاس ته ورووړل.

دلړزنده ځمکی دفلم دجوړ ولــو دپاره چەپه هغه کښی دلاس انجلس دښار ړنگیدل ښودل‌کیږی اودخاصو میخا نیکی وسا یلو په مرسته پکی دځمکی دلړ زیدو حیرانوو نکی غږ تقلید شویدی پنځه ملیونه ډالــره لگیدلی دی، په ټول متحده ایالا تو کښی ددی فلم دلومړیو اتو اونیود ښودنی څخه دهغو جوړ وونکی دیو نیور سال استودیو دفلم دتولیــد خزانه لاس ته راوړه د۱۹۷۵ هوایی ډگر فلم دننداری په لومړیو لســو هفتو کښی څەد پاسه پنځه ملیو نه ډالره ترلاسه کړل پەلوړو ما ښیـو کښی داور لگید لو فلم چەدڅوارلس ملیونه ډالره په الگښت جوړ شوی دی امکان لری **دفلم دپلورلو ریکارد** مات کړی پەدی فلم کښی ښود ل کیږی چه دسانفرانسیسکو دیوسلو اتەدیرش پوړیزی ودانی ټول‌میلمانه اودنوموړی ودانی یو شمیراوسیدـ ونکی په حیرانو ونکی اور کښـــی گیر شویدی دفلم ننداره چه دکرـ یسمس نەمخکښی پیل شوه دانتقاد کوونکو دتود هر کلی سره مخا مخ شوه‌اود کر یسمس درسختیو پــه اوږدو کښی څه دپاسه دریو نورو فلمونو خرڅلاودرلود.

په دغو فلمو نو کښـــی چه کوم شی زیاته پا ملرنه ځانته اړوی هغه پەیوه خورا خطر نا که پیښه کښی

پاتی په ٤١ مخکی

څرنگه چەد نړی په خورا لـوړوماښیو کښی اور له کنترول څخـه ووځی دنجات ډلی دهغو خلکو سرەمرستی‌ته ځی‌چه په یو جشن کښی دگډون په ترخ کښی پــه دی اورلگیدنه کښی بند پا تی‌شوی دی‌ددی فلم دجوړ وونکی ایروین آلن ته یــی‌دوخت پاچا لقب ور کړی دی.

د«پوزیدون ماجرا» په فلم کښـــی‌دیو ستر تو فان په اثر او به بیړی ته ننو ځی اتراوسه پوری ددی فلم‌لەپلورلو څخه دیو سلو پنځو ســ ملیو نو ډالرو معا دل پیسی لا س‌ته را غلی دی.

«کالبنا بندر وشیك» و«پی زی ناوك» در صحنه ای ازفلم «سر زمین موعود»

ترجمه :دوکتور جیلا نی فرهمند

سرزمین موعود

فلاد سووف ریمانت اسم نویسنده است که در ذهن مطا لعه کننـدگان داستا نها مخصو صا داستـــان حماسی «دهاقین» اثری بارزی کرده ونام کا ملا آشنا است.

آثار دیگر این نویسنده که در ۱۹۲٤ میلادی به‌در یا فت جا یزه نوبل نایل گردید عبارتند ازنا ول های‌ظریف‌وهیجان‌آوری‌بنام «مسخره» و«اضطراب» که‌هر یك مدت زیادی رادر گمنا می سپری نموده بودند.

ناول «سر زمین موعود» نیــز تاسا لهای اخیربه‌چنین سر نوشتی مبتلا شد سر زمین مو عود یــك سر گذشت دلخرا ش از جنبه عملی میکا نیزم جا معه پو لیند است که اینچنین یك مو ضوع ندرتاً از طرف نویسند گان پو لیندی نو شته شده بود.

موضو عی که‌از طرف ریمانت درین داستان تحلیل وتجزیه مـی شود درحقیقت بوجود آمدن شکـل یك مرحله جدید را در شهر نامقبول ووج نشان میدهد که دراخیر قرن۱۹ و بسر عت سر سام آو ری در آن شهـر تـو سعـــه مـی یـــابـد شهر وو ج که د ر اصـل جا یگـا ه کارگران فقیر ونادار این ناحیه بوده وجود دارایی‌هایی بزرگ به‌سهولت تشخیص شده ومو جب تعجب مردم قرار میگر فت.

ووج که جرمن ها آنرا بنـــام «لوج» یاد میکنند از قدیم تا امروز مرکز صنعت نسا جی پولیند بوده است چنا نچه تو لیدات آن درقرن ۱۹تمام بازار های تجا رتی آنو قت راپرکرده بود وبازار وسیع وپــر توقع امپرا طوری روسیه آن وقت انحصار تو لیدات شهر ووج بود.

ووج شهری که‌در آن همه چیـز باساس پول ارزش داشت بیمـــه ضد حریق درفابریکه های نسا جی وخانه ها، کار هزاران کار گــر بیچاره ،مو قعیت مهم مارکیت‌جهانی ووضع تراژیدی انسان همه وهمه‌به پول ارتباط داشت.

ریمانت ووج رادر (سر زمیـــن موعود) به قسم یك مو شی وحشی ومسك تمثیل میکند که شوق جمع آوری طلا را می نماید.

منظره که‌او از شهر ووج‌ترسیم کرد ه فجیح و ظا لمانه بود ه کـــه ازیك سو انسان راتکان مید هد واز سوی دیگر قابل درك واحساس است.

ریمانت نشان میدهد که حیا ت دهاتی وشجایای اخلا قی که دربین مردم آنوقت پولیند مو جود بودبـا تغییراتی که‌در آنجا رونما شده‌بود کاملا مغایر ت داشت انهدام حیات دهاتی وملکی راریمانت به حیـــث یك زندگی روبزوال‌نمایان میساخت که‌موجب امحای قدرت اجتما عی‌و اخلاقی شده آینده آن مملکت را با اساس رویکار شدن این صنعت در خطر می‌اندا خت.
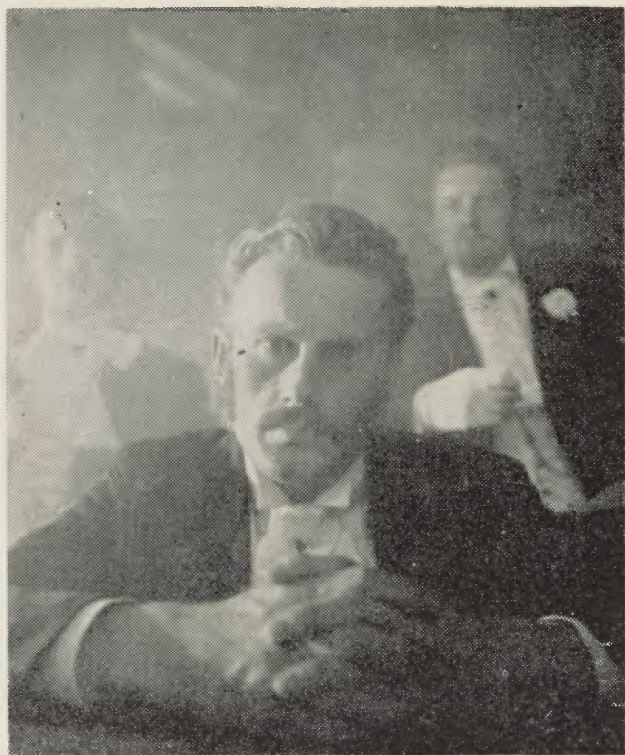
کلید این کار بدست مفکوره ملی بودکه آنها را محکوم میکرد که خود

پولیندی ها در آثار زمین داران و ملاك درگذشته سهیم بودند بنا بر آن وقتی آنهااداره صنعت را بدست گرفتند سر مایه های خارجی آنقدر قوی شده بودند که آنها رابه زوراز سکتور مهم حیا ت مملکت خار ج خوا هند کرد صنعتی راکه پولیندی هابد ست گرفتند در حقیقتقطرهای بود ازدریای سر مایه خارجـــی مخصو صاً سر مایه جر منی.

«سر زمینموعود» داستان مجادله یك سر مایه دار صنعتی جـــوا ن پولیندی را علیه قدرت های بزرگ خارجی بیان میدارد.

این فیلم داستان یك غرور و۔ همت بلند وشکست یا فتن راتمثیل می کند طبیعت در اماتیك ایـــن «دویل»وپرابلم های بزرگ و قوی کهدر ناول مذکور مطرح شده مو جب ترغیب وتشویق انر ژی وایـــده گردید تااز کتا ب مذکور فلمـــی بسازد.

چه ندرتا این برا زند گـــی را دایرکتر فلم «کانال» وخا کستـــر الماس و عروسی داشته اند که از لحاظ مواد غنی بوده ودارای جزئیات ریالستیك وپرمعلو مات ونما یش اوضاع اجتما عی رو شن و واضح باشد.

درعین زمان سر زمین مو عود به انرژی وایده مو قف جدیـــدی در اجتماع بخشید.

بارعایت تخنیك فیـــلم ، و ایـــده یكروما نتیك معتد ل به حسا بمی رودکهنهتنها بهپرابلمهایشدید درا۔ ماتیكعادت کرده بلکه به موضوعات شعری ،منظره دارو در عین زمان تصوری وخیا لی علا قه مند اســت چنانچه اینچنین یك نمایش هنریرا درفلم عرو سی وسر زمین مو عود بوجود آورد از طرف دیگر در ایـــن دوفلم اخیر تبارز حقایق برهنه و۔ تشدد آمیز هم لازمی بود.

وایده مجبور بودبرای نشا ندادن جاده های سیاه ووج ها لها ی کار فابریکه وعما رات مجلل آن شهـــر به طریقه جدیدی فلم گیری بپردازد که بیشتر سا ده وظا لما نه باشد.

اگر ازمن پرسیده میشد که سر۔ زمین مو عود رادریك جمله چگونـــه تعریف میکنم؟

من این فلم را بنام فلمی با متو د عالی مینا میدم .

وقتی مافیلم سر زمین مو عودرا کهتو سط وایده دایر کتشت تماشا میکنیم .

یقین میکنیم کهیك حادثه فوق ۔ العاده دراینجا واقع شده است.

ازآنجا که زشتیووج به کتگوری عنصر درا ماتیك بلند برده شـــده باندازه که بر جسته ومتمایز گردیده است.

صور ت اکت کردن درین فلـــم بسیار عالی است.

رولهای مهمرا دراین فلم دا نیـــل آلبریخسکی که او تقریبا در تما م فیلم های اخیر وایده ظاهر شده و وایبخ پشنا نیك که این بهتر یـــن فلماو شنا خته شده است اجرا می کنند .

سر زمین موعود فیلمی استچون کارد برنده وچون آب روان .اگرچه پرابلم دور افتاده را تحلیل وتجز یه میکند باآنهم حس مباحثه ومناقشه رادرانسان تحریك میکند.

قدرت وپختگی وایدهدرین حقیقت مستور است که وقتیاوپرا بلمهایی را روی دست میگیرد کـــه ظـــا هرا گذشته وفرا موش شده معلو م مـــی شود اوطوری مو ضوع را تنظیممی کند کهابتداء انعکا س معتد لی را درانسا ن تحریك می کند بعد بـــه علل وعوا مل مهم ودردنا ك آنتماس میگیرد وآنرا ذریعه فلم خو یشـــ بهاذهان عا مه انتشار مید هد.

بنابر این تو قع سر زمین موعود یكفلم واقعی وموثق انر ژی و ایده است.

نوت: کانا ل وخاکستر والماس از جمله فیلم های معروف پو لیندی اندکه اکتور معروف بسو لسکـــی درآنها رول مهم رابازی کرده بود هردو فلم صحنه های پارتیزا نـــی سالهای اخیر جنگ رانشان میدهد. این دوفلم در سا ل۱۹۶۵ درسینما های کابل همنمایش داده شده اندهر دوی آنها جایزه اوسکا ر را حا صل کرده بودند

دانیل آلبر یخسکی در فلم «سرزمین موعود»

اینهم صحنه دیگری از «سر زمینموعود»

تهیه ونگارش: ازسرار

نگاهی به تاریخ عکاسی

اولین بار تاثیرنور به روی صفحه حسا س‌کلرور نقره‌که اساس کار عکس برداری است در ۱۷۵۸ وتاثیر هیپوسولفیت به روی املاح‌نقره یی درسال ۱۷۹۹ وکیفیت ایجاد عکس به روی کاغذ درسال ۱۸۲۲ میلادی کشف‌شد.

در ۱۸۳۹ یك روزنامه فرانسوی بنام(گازت‌دوفرانس) خبری رامنتشر کردکه : (کشف مهمی تو سط آقای (داگــر) نقاش معــروف(دیوراسا) انجام شده است . این کشــف شگفت انگیز وتکان دهنده تما م تئوریهــای‌مربوط به نور راتغیر میدهد . اگر این کشف به‌نتیجه برسد سبب بروز انقلاب درهنرطراحی‌خواهد بودهمانگونه که‌روزنامه‌فرانسوی‌میگوید: انقلاب آقای داگر میرود تاهنر نقاشی وطراحی‌رادیگر گونه کند . وبرای مدتی، درسر آغاز این کشف عکاس واقعا هنری در زمینهٔ هنرهای زیباخواهد بود . به‌این ترتیب عکــاس متولد شد.

درسال ۱۸٤٦ توسط یك فاکولته مکانیــك‌بنام (کارل زایس) درشهر کوچك آلمــا ن تاسیسات کار گاهای کوچك زایس یاعدسیه بوجود آمد. یکی از کسانیکه نقش مهمی در گسترش‌تحقیقات علمی‌زایس داشت پروفیسور (ارنست اپ) بود .

داگــر

درسال ۱۸۸٤ فلم را جانشین شیشــــه عکاسی کردند وکار عکا سی اماتــوری رواج یافت .

جورج استیمن امریکایی درسال ۱۸۸۸اولین کسی بود که استفاده ازکمره عکاسی رابرای همه میسر ساخت . وکمره کودك رابه بازار عرضه کرد .

ناگفته نماند اولین کمره رولفلکس درسال ۱۹۲۹ وکمره لیکا درسال ۱۹۱۳وکمره رفلکس درسال ۱۸۹۵ ساخته شده است .
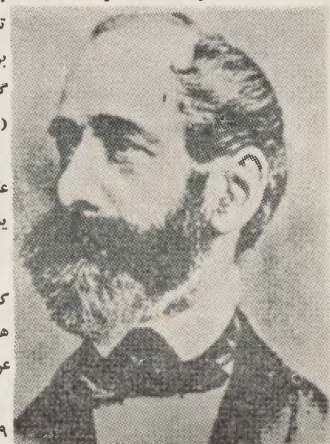
آیا میدانید؟

آیامیدانید که نودوپنج فیصدازموسیقیدانان وهنرمندان بزرگ به امراض روانی و قلبی درگذشته اند . مثلا :

بتهوفن درسن ۲٦ سالگی مبتلابه کری شد. دراویك حالت التهاب وهیجان بود مخصو صا هنگام ساختن‌سمفونی ، وسمفونی‌سرودمذهبی درسال ۱۸۲٦ به بستر افتاد اوتا آخر عمراز مریضی اعصاب رنج میبرد .

ولفانگ آرمائوس : گــاه وبیگــاه دچــار تشنجاتی میشد ومبتلا به مرض رقص بود او بیماری های روانی زیاد داشت .

فردریك هندل باخ : نابیناوکور شد .

شوپن : در۳۹ سالگی مسلول شد.

هاردی : هنرپیشه سکته کرد .

ژراژفیلیپ : هنر بیشه فرانسوی در ۳۷ سالگی دراثر سکته قلبی درگذشت .

اسحاق موصلی : موسیقیدان خلفای عباسی عاقبت کورشد وبه مریضی اعصاب درگذشت.

لئونارد‌وارن : دربرابر چهار هزار نفــر تماشاچی در اپرای متروپولتین افتاد وسکته مغزی کرد .

چایکوفسکی : بیماری های زیاد داشت .

دیمتری متروپولوس : آهنگ ساز یونانی درحال اجرای سمفونی دراپرای لاسکالای بــه سکته قلبی درگذشت .

حیاکومرپوچینی : خواننده اپرا که سرطان گلو نیز داشت دراثر حمله قلبی‌درگذشت.

ریشارد واگنر : خود مینویسد، دستگــاه اعصابم مرا آسوده نمی گذارد . زندگی ا م سراسر خیال آمیز است . دلم میخواهد که بمیرم .

مالبیران : در۲۷ سالگی سکته کرد .

شوبرت : اختلاف روانی، جنون ودیوانگی داشت مرگ درسن ۳۱ سالگی به سراغــش آمد .

بتهوفن

زندگی درخانواده

زندگی خانوادگی همیشه بر یك منــوال نیست وپستی وبلندی های دارد . واصولا باید دید که زندگی سرشار از خــوشی و شادمانی ولذت نیست ناراحتی هاوابر های کدورت که درآسمان افق روشن خانواده پدید می آید زودگذر است .

زندگی زناشویی قبل ازهرچیز بر مبنــا ی گذشت ، فداکاری وایثار تمام شده است ، اگرقرار باشدکه زن وشو هر به کوچکتریــن ناراحتی داد وفغان شان به آسمان بلند شود مطمئنا تاکنون یك زندگی زناشویی وکانــون خانوادگی باقی نمیماند . درزندگی همه نوع ناملایمات وجود دارد اماشما سعی کنید کــه بالاخره به‌کمك همسرتان همه رارفع نماید . وخودتان برای خودوهمسرتان زندگی شیرین وخوش بوجود آرید .

همچنان محققان دریافته اندکه معمولاخانواده سعادت مند مرکب اززن ومردیست که دورهٔ کودکی شان رادر محیط خانوادگــی سالمــی گذرانده با شند . وخانواده متزلزل نمیتواند کودکان سالم وساز گار به‌بار آرد.

مادر وپدر باید به مهر ازطفل شان مراقبت کند. کودك که ازمهرومراقبت کافی برخوردار نشود احساس بی‌کسی وناامنی میکند .

تحقیقات متعدد به اثبات رسانده که درمیان فرزندان خانواده هااینهائیکه ازلحاظ علاقــه ولطف والدین کمبود دارند به راه های بــد کشانیده میشوند .

پدرومادر باید عصبی وخورده‌گیر نباشندو با یك دیگر خودوباکودك اعتماد داشته‌باشندواشتراك مساعی کنند وبه طرز معتدل کودك را مــورد نوازش قرار بدهند .

ترجمه رشید پور

ملکهٔ زیبایی که از شر مزاحمت‌ها فرار میکند

و با دنیای عشق و محبت وداع میگوید

انیلین کریل‌درکنار خواستگارش ،جیک‌میلان

یکی از ملکه های زیبایی جهان، با عشق وسرگرمی های عاشقانه، وداع میگوید، این ملکه زیبایی جهان که بواقع، اززیبایی و لطافت‌کم نظیری برخوردار است (انیلین‌کریل) نام دارد ودر نزدهمین بهار زندگی، بسر می برد وبه گلها لبخند میزند .

این ملکه زیبایی که منسوب به اهالی جنوب افریقا میباشد، چند ی قبل، قبول خواستگاری یکی ازدوستان وسر سپردهٔ خیال عشق ومحبتش رابنام (جیك میلان) فسخ کرد واز تائید آن، سرباز زدوبدین وسیله، اعلان کردکه اودیگر عشق رابا همه رویا انگیزی‌و احساس آفرینی‌اش، ترك داده بادنیای عاشقان وافسانه های گرم وگیرای ایشان وداع کرده است .

ازوی پرسیدند که زیبا رویی باین قشنگی وشهرت، روی چه عاملی، ازدنیای عشق‌یعنی دنیای خودش، دنیاییکه درآن زیست میکرد، وبرآن سرمی سپرد، پابیرون میکشد واحساس تنفر خودرا ازین دنیا، آشکار میسازد ؟ در نهایت صراحت پاسخ میدهد که من نیزمانند هرملکه زیبایی دیگر ازهمه گونه احساس وشورعشق ومحبت، برخوردار استم وحتی فکرمیکنم این احساس درمن که زیبای مغروری شمرده میشوم، گرم تر وجهنده تر است ونیز این اطمینان در وجود من قوی است که من زیبایی هستم دل انگیز وشادی آفرین ، اما باتلخی وتاسف باید افشا کنم‌که من باداشتن همه این مزایا که برشمردیم ، بازهم بخاطر دخالت عوامل بیرون ازمن وعوامل دور از احساس واندیشه خودم، نمیتوانستم برا ی همیشه خودرا پابند دنیای پرشور ، ودنیای زندگی بخش عشق ومحبت بمانم، چه زیبا بودن ومخصوصا ملکه زیبایی بودن، برای تنها من، جهان دیگری ایجاد کرده بود، جهان ناقابل قبول وخسته کننده جهانی که احیانا خاطره ویاد زیبایی‌ام رااز مخیله‌ام بیرون میکرد، وبالاخره جهانی که ازدرو دیوارش رنج ونفرت، می بارید ...

این جهان ناخوشایند، بدست های عده زیادی که میخواستند ویاخوش داشتند من زیبای آنها باشم، ایجاد شده بود وروز بروز بازار آن راگرمی وتازگی می بخشیدند .

شمار این گونه آدم هاکه تاحال نمیدانم چه نامی روی سروکله ایشان بگذارم، خیلی هازیاد است ... هریك مرابه لهجه عاشقانه مخصوص بخودش، مورد خطاب قرار میدهد ومرازیبای خودش میخواند وچنان گرمی وسوز نشان میدهد که‌گویی اوبرای من ومن برای اوآفریده شده ایم ....

هرچند من یك زیبای سیاه اندیش وکوتاه نظر نبودم، تاآنجاکه من ملکهٔ زیبایی شده بودم ... اماچه میکردم که این طرز روش آدم های عاشق نماوبه عبارهٔ دیگر آدم های خود پسند ومزاحم ، مراسیاه اندیش ومتنفر بار آورده بود ... سیاه اندیش دربارهٔ خود شان ومتنفرهم ازخود شان .. وحتی متنفراز عشق وهمه چیزش ..

من درمحیط هایی هم بسربردم که آدم‌های ماحول من همه، بلی همه اش عاشق من بودند ..؟ آنهاخودشان میگفتند که عاشق من شده‌اند ومن دل ایشان را ربوده ام .. ودیگر آنها بخاطر من دیوانه شده اند .. من نیزبا ایشان هم عقیده بودم‌که آنها دیوانه شده‌اند..

گاه‌گاهی‌که وارد تفرجگاهی میشدم ویا اینکه روی خیابان پارکی حرکت میکردم، میدیدم که عشاق زیادی باحرف های مخصوص بخود شان بمن ابراز عشق ودلباختگی میکردند ، اماچه دلباختگان کم شعور وکم تفکر!؟ اکنون من باین‌عقیده رسیده ام‌که‌هرگاه همه‌زیبارویان وهمه ملکه های زیبایی جهان، به مشکلی مواجه شوند که‌من شده‌ام، دیگر این زیبایی واین سروصداهای جهانگیرآن، جز درد سری نخواهد بود ... شاید این پیشآمد هادرزندگی من روی تصادف بوده وزیبا رویان دیگر ، باین وضع روبرو نشده باشند ویانشوند ... امااین پیشامد ها ولوروی تصادف هم‌صورت بگیرد، برای یك دختر زیبا و یك ملکه زیبایی، دشوار وتحمل فرسا میباشد .

ازماه وروز غرور آفرین ولذت بخش جوانی وزیبایی من، آن روز ها وماه هایی‌بودکه‌در لندن ،هاوایی وهایی تی، بسر بردم..روزهای متوالی که من بحیث یك دختر جوان وزیبا درین شهر هابودم، همه‌اش شادی آفرین، همه‌اش غرورافزابود وخاطرات جاویدان زندگی من نیزازهمین روزها وماه هاست ... برای مدت کوتاهی مهمان تازه وارد پاریسی هانیز بودم ودرآنجاهم مثل آن شهرهای دیگر،زندگی برای من امید بخش ونشاط آور بود ..

آنچه بیش ازهر چیز دیگر، برای من‌شادی آفرین بود، این بودکه من احساس نمیکردم یك دختر زیباوملکه زیبایی هستم .. براستی این احساس درمن بیدار شده بودکه من زیبا هستم ... بخاطر اینکه مردم همه بمن نگاه محترمانه داشتند، ایشان بمن بحیث یك ملکهٔ زیبایی نگاه میکردند ، نه بنام یك معشوقه .. آنهامانند آدم های شهر خودم، مرا مزاحمت نمیکردند، مرامعشوقهٔ طنازخویش نمیخواندند. آنهادر پارکها وکنار خیابان ها، سرراه من قدنمی کشیدند ، وآنها عاشق نا خواسته وبازاری من نبودند، بلی فقط همین چیز ها سبب شده بودکه من درآنجاها زندگی سرشار ازخاطره های شیرین وگوارا، داشته باشم .. زندگی ایکه مردم نامزاحم ومحیط ها وشرایط مساعد ونگاه های باانصاف، بمن مهیا ساخته بود ..

درشهرمن، درشهری‌که من در آنجا بدنیا چشم گشودم، نموکردم ورشد نمودم وبالاخره شهری‌که من خودم رابرای جهانیان، از آنجا ملکهٔ زیبایی ساختم، بلی درشهرخودم، هرچه بوددیدم .. نادیدنی هارادیدم .. خیابان‌گردان آن همه‌اش عاشق بودند، عاشق من بودند .. بشمار درختهای پارکهایش ، عشاق هرزه وولگردداشت .. اگرهرزه وولگرد نگویم، چه اطلاقی دیگر، روی سروکلهٔ آنهادرست خواهد آمد؟

درمیان شهرمن پارك زیبایی ساخته بودند، پرازدرختان زیبا وگلهای قشنگ، این پارك بود ؟ ازهرگونه زیبایی وقشنگی برخوردار بود .. مردم شهرما گاه وبیگاه در آنجا سری میزدند واز مناظرزیباورویا آفرین آن محظوظمیشدند.

بلی همه محظوظ میشدند، ولی تنها من ... تنهابودم‌که ازآنجا رنج می بردم وآنهمه‌زیبایی وقشنگی گلهای پارك رافراموش می کردم .. دلیلش واضح است‌ودلیلش همین نمایان شدن سروکلهٔ عشاق من بودند .. عشاقی که‌همه‌اش بانگاهش، باحرفهایش وباحرکاتش، از آتش سوزان عشق من‌که درهمان یك ثانیه در دل شان، کارکرده است ، چیزها داشتند وآرزو ها.. من‌که دیگر حساسیت عجیبی در مقابل نگاه این عشاق رضاکاربرداشته بودم، همینکه حرکت ونگاه عاشقانه ای ازایشان میدیدم ، دیگرکارم ساخته بود، دیگرهمه خیابان ها ی زیبای پارك که دل گلها و چمن هاراپاره میکرد، همه گلهای قشنگ ودرختان زیبا ، برایم لطفی نداشت وبلکه همه‌اش مرامی آزار ورنج میداد ...

ماه ها وهفته ها، شهرخودم را ترك کردم وبه شهر های کشور های دیگر رفتم ودرآنجا معنی هرچیزرا فهمیدم وارزش های انسانی را یافتم وبچشم دیدم .. دیدم که درآن شهرها من یك زیبا بودم، نه یك معشو ق همه ... دانستم‌که انسان های روی زمین، همه اش یکسان ودریك سویه نیستند ودر جهان ما محیط ها، اجتماع هاوآدم های خوبی هستند که معانی زندگی وآدمیت در آنجا به بهتری وشایستگی ارزیابی ودرك شده است .. بااین دیدها ودرك هادوباره نورامید واطمینان ، در سراپایم می پیچید وامیدوار میشدم ..

اخیرا آتش حساسیت من در برابر مزاحمین بنام عاشق، بحدی شعله ورشده بودکه باهیچ نوع دلیل ومنطق ممکن نبود بازهم خویشتن راقناعت بدهم ووادار به تحمل سازم .. ناگزیر شدم وهمه معانی عالی عشق وزیبایی راقربان مطامع هوس آلود عشاق بوالهوس ومزاحم نمودم وبرسر عشق ودنیای پرشورش ، بانگاه پوشیده، پاگذاشتم وگذشتم واز دوستان صمیمی خویش نیز بریدم وبه ا ین عقیده رسیدم‌که هرگاه مردان، همه زیبا رویان را معشوق پندارند وفکر کنند که چون زیبایی وجود دارد، بایست عاشق اوباشند، دیگر چه دردسری بزرگتر اززیبایی خواهد بود ؟!

«پایان»

ترجمه انجنیر صدری

معالجه مریضان ذریعه طبیعت وطرق تداوی با آب

طرفداران تداوی ومعالجه‌مریضی های‌مزمن ودوامدار ذریعه طبیعت روز بروز افزایش میابد وطرفداران این مفکوره به حقیقتی متوسل میشوندکه درطبیعت قدرت معالجه مریضی های گوناگون نهفته است . البته از انکشاف طبابت وبوجود آمدن ادویه جات که درمعالجه مریضی ها موثریت تام دارد اغماض شده نمی تواند . مگرعجله درتجویز ادویه‌جات بعضامنجربه بوجود آوردن بیماری های دیگر میگردد. بطور مثال تداوی ذریعه (کانترگان) وقایع ناگواری راباخود آورد .

علمای طب درگذشته زیادتر از طبیعت وقدرت معالجه آن استفاده میکردند ودر طرق تداوی ازآن‌کارمیگرفتند چنانچه دریونان وروم قدیم این نوع تداوی خیلی رایج بود. اما انکشاف سریع طبابت امروزی عرصه را برای طبابت وحکمت معالجه طبیعی تنگ ساخته حتی معالجه ذر یعه طبیعت یعنی تداوی بیولوژیکی را به نظرشك وتردید نگریسته از حکمای یونانی بدگویی میکردند تااینکه درقرن نزده میلادی نظرعلماراجع به حکمت ومعالجه ذریعه مواد طبیعی تغییر خورد وتعداد زیادتر علمابه طبابت وحکمت یونانی گرویده شدند که روزبروز تعداد زیادی ازدکتوران استفاده ازطبیعت رابه‌مریض های خودتوصیه میکردند.

علما عقیده دارند که چون کثافت در آ ب هوا ومحیط روبه افزایش است ونتایج رفتبار این نوع انکشافات بیماری هایی را با خود می آورد که طبابت مدرن ازتداوی آن عاجز است. بیماری های مزمن ازبیماری های عاجل سطحی متمایز است . لهذاتجویز دواها که مریضی های سطحی راتداوی میکند در معالجه همه بیماری ها موثرواقع نمیشود و واقعات مریضی های مزمن که طبابت مدرن اوکادمیك ازمعالجه آن عاجزاست . بیش ازپیش زیادتر میشود . عجزعلمای طب‌درمقابل‌تداوی بعضی ازامراض مفکوره استفاده ازطبابت‌ذریعه‌طبیعت وحکمت راتقویه بخشیده است .

درین اواخر هوا خواهان تداوی حکمت یونانی زیاد شده است . چنانچه یکی از پروفیسوران مشهور اتازونی بنام داویدسین که ازجمله دو کتوران معالج وسر شناس نیویارك بشمار میرود میگوید که مریضی های مزمن ذریعه ادویه جات روزمره تداوی شده نمی تواند واستفاده ازطبیعت رامفیدمیخواند.

یکی ازدانشمندان نامدار آلمان به نام پروفیسور دکتور یورش مریض های راکه ناجوری مزمن دامنگیر شان است از پروبلم های لاینحل طبابت مدرن میداند ومیگوید که درطبابت امروزبه تداوی‌مریضان مزمن‌دامنه‌دار هیچ توجه نمی شود واین امر باعث آ ن شده است که هفتادوپنج فیصد مریضان‌تحت تداوی‌همیشگی قراردارندوعلاج‌قطعی‌شان درین زودی هاممکن نیست . وی عقیده دارد که طرق تداوی باادویه جات موثریت تام ندارد . زیرا درآنصورت معالجه وتداوی سطحی صورت میگیرد ومریضی تسکین میشود علل وسبب مریضی تداوی نمیشود . برای تداوی بهتر وقاطع مریضی های دوامدار چه باید کرد ؟ سوالیست که اخیرا علمای طب به‌آن متوجه شده اند، عدهٔ ازعلمای طب در پهلوی طرق تداوی اکادمیك ومدرن تداوی عامیانه ویونانی راتوصیه یکنند. البته طبابت یونانی وعامیانه درپوهنتون ها تدریس نمی گردد مگر فوائد آن درادهان مردم نقش است . زیرا نتایج مثمریکه ذریعه تجارب همیشگی از آن نوع تداوی گرفته شده علمارا مجبور به قبول نمودن مفکوره ترویج زیادتر تداوی یونانی نموده است . دکتوران تداوی وحکمت طبابت یونانی رادر پهلوی تداوی علمی واکادمیك توصیه میکنند . این نوع تداوی دوجزء مهم دارد تداوی ذریعه آب، هوا، آفتاب، خاك وغیره راطرزتداوی بیولوژیك میخوانند وجزء دیگر حکمت یونانی همانا استعمال گیاها، عناصر وغیره درحالت طبیعی آنها ست .

تعداد دکتورانی که مشغول مطالعه اینچنین تداوی میباشند روزبه روز زیادتر میشود وهم عده کثیری از دکتوران معالج المان غرب د ر پهلوی تجویز ادویه استعمال یکنوع تداوی بیولوژیکی راتوصیه میکنند .

مثلا تجویزادویه‌گیاها، مساژ، غسل، وغیره. تداوی ذریعه منابع طبیعی امروز درطبابت اغماض شده نمی تواند. احصائیه که در زمینه بدسترس است نشان میدهد که تاهشتادفیصد دکتوران معالج ازطرزطبابت طبیعی کارمیگیرند وعلت عمده این امرهمانا تجارب خوب آنها ونتایج قناعت بخش درصحت مندی مریضان میباشد .

هفتادوچار فیصد مریض ها ازطبابت ذریعه طبیعت رضایت دارند درحالیکه چار فیصد مریض هاموثریت این نوع تداوی را منفی میدانند. واین سوال دربین مردم مطرح است که آیاتداوی بیولوژیکی موثر تراست یاتداوی اکادمیك .

یکی ازمحصلین علوم دینی درقرن گذشته درموسم زمستان بابدن برهنه بالای سرکهای یکی ازشهرهای بزرگ اروپایی میدوید مردم آنزمان‌اورامجنون ودیوانه‌میخواندند. درحالیکه محصل موصوف فواید تقویه ذریعه هوا ، وآب رافهمیده بود ومیدانست که قدرت دفع امراض دروجود وقتی میسر است که وجود انسان استحکام ومقاومت درمقابل آفات داشته باشد .

چون این محصل هرهفته یکبار از اکادمی خارج‌شده بابدن‌برهنه بدویدن شروع مینمود وبعداز یکنیم ساعت دویدن خود را به آب مینداخت وبعداز چند دقیقه شنالباس های‌خود راپوشیده بدویدن بطرف اکادمی میپرداخت واین عمل دوبار درهفته تکرار میشد . لهذا این محصل خیلی سالم وصحت مند بود .

درقرن گذشته شخصی بنام کنایپ در شهر کلن به مریضی شش مبتلابود وازین ناحیه خیلی ناراحتی داشت روزی به مطالعه کتب طبابت یونانی پرداخت وحسب تصادف به کتابی برخورد که بالای طرق تداوی ذریعه آب نگاشته شده بود چون این مریضی متوجه مریضی خودبود کتاب رابدقت مطالعه کرده هدایات ورهنمایی که درتداوی مریض ها ی شش بکار برده میشد بالای شخص خود عملی نمود وصحت مند شد واین موضوع انگیزه‌کمك بمردم رادرشخص موصوف تولید نمود و طرق تداوی مختلف رابه مردم توصیه کرد که تاالحال مروج است . شخص مذکور مخترع تداوی ذریعه آب وهوا نیست مگردرین راه خدمات سودمند نموده زیرا موصوف موفق به جمع آوری تجارب دیگران درین زمینه‌گردید وبرای انسجام طرق مختلفه تداوی بیولوژیکی یك چوکات علمی ترطرح نمود. البته تداوی بیولوژیکی مثل تداوی‌اکادمیك انکشاف ننموده امابا‌آنهم طرفداران زیاد دارد . علما میگویند که تداوی ذریعه آب یاهوا تداوی روی جلد است لهذا مریض باید در جریان تداوی حوصله وافر داشته باشد زیرا عملیه تداوی بطی میباشد انواع تداوی ذریعه آب خیلی زیاد است زیرا درجه حرارت آب، فشار آب، مساژهای بعدی، تربندها وغیره همه درجمله معالجات بیولوژیکی حساب میشوند . درمعالجه ذریعه آب حرارت وفشارآب تاثیر مستقیم در موثریت تداوی دارد . زیرآب اول پوست را تحت تاثیرمیگیرد وبعدا اعضای داخلی بد ن ازطریق پوست بدن تداوی میگردد ذریعه حرارت آب انتخاب شده دوران خون سیستم اعصاب، عضلات ازطریق پوست بدن معالجه میشود. فشارآب بالای جهاز تنفسی و قلب ودوران خون تاثیر مستقیم دارد .

طرق استعمال آب:

عسل هامکمل ، عسل های حصص بدن غسل هاتوام بابرس نمودن، مساژها، مساژ های‌که درزیرآب صورت بگیرد ، تربند ها وغیره درجمله‌تداوی های‌معمول حساب میشود همه انواعّ تداوی ذریعه آب بالای یك مفکوره استوار است یعنی تغییر حرارت دربدن و اعضای بدن پس دروقت استعمال آب باید دقت شود تاحرارت بصورت صحیح انتخا ب گردد، فشارآب معین باشد درآنصورت تداوی قناعت بخش است ، چون این نوع معالجه همیشه بی خطربوده نمی تواند زیراشوك که ازپاشیدن آب سرد بالای بدن عاید میگردد قلب دوران خون سیستم عصبی وغیره راتکان میدهد، وبعضی اوقات تاثیرات نا گوار دارد لهذا دروقت غسل گرفتن باآب سرد محتا ط باید بود یعنی غسل ازدورترین نقطه بدن به قلب شروع گردد، تااینکه شوك اول‌بدون تاثیرناگوار باشد وبعداز چند دقیقه تمام بدن تحت جریان آب قرار داده شود . مثلا باید اولاپای راست زیرآب گرفته شود وبعدا دست راست وبعدا دیگر حصص بد ن غسل داده شود .

ازتداوی ذریعه آب نه تنها دروقت مریضی استفاده شود بلکه دراوقات صحت مندی برای تولید مقاومت زیادتر بدن درمقابل دفع امراض ومقاومت به‌مقابل تغیر حرارت‌اوضاع‌جوی برعلاوه میتوان مقاومت بدن رادرمقابل سرماخوردگی وریزش های موسمی بلند برد . اگر وجود درمقابل همچوحملات استحکام ندارد وعلالت مریضی ها بالای بدن زیادتر میباشد ووجود درمقابل همچو حملات استحکام ندارد وعلامت درمزاج رخ میدهدلهذااگربخواهیم‌سالم بمانم ازین نوع غسل هاباید استفاده زیادترکنیم.

(کریستیان کنایپ) که یکی ازعلمای مجرب درامور غسل هاوتداوی بیولوژیکی میباشد غسل راباآب های مختلف مثلا آب سرد، آب گرم، آبهای معدنی مثل آب شور، آب محلول بایود وگل هاراخیلی توصیه کرده میفزاید که در استعمال آب باید فشار ریزش آب توأم باحرارت منتخب بالای وجود تاثیر کند در آن

لطفا ورق بزنید

آب‌درتداوی مریضی های مختلف‌مؤثراست

صورت صحتمندی بعید نیست . باید کوشش شودکه درهرغسل‌چه‌غسل‌مکمل وياحصص بدن قسمتی تحت جریان آب گرفته شود که یك چادرآبی روی جلد تشکیل گردد .

بهترین وآسانترین طریقه استعمال آب از نل ویك پایپ رابری ویایك آب پاش باغی میباشد . اگر ازآب پاش استفاده شود باید این ظرف کمی بلندتر جاداده شود تــا آب داخل آن دروقت جریان واستفاده شدت داشته باشد. حرارت داخل اتاق باید کمتر از ۲۰ درجه نباشد .

ازتاثیرات مثبت آب بالای دوران خــون ، سیستم اعصاب، ازبین بردن زهریات از خون وغیره اغماض شده نمی تواند. بعضی ازمریض هابعداز چند غسل مصاب به (آبسی، بخار، پت) وغیره شده اند گز آنهم واضح میسازد که وجود عکس العمل مثبت درمقابل آب‌نشان داده وتزکیه زهریات دروجود شروع شــده وبخوبی ازمسمومیت هادفع صورت میگیرد . چون این نوع آبسی هاوبخار بزودی معا لجه میشود ووجود مقاومت پیدا میکند .

بعضی ازمریض هادرمقابل سردی حساس میباشند درآنصورت باید غسل آب گرم‌گرفته شود مثلا آبهای که درجه حرارت ۳۰-۴۰درجه سانتیگراد باشند بعداز غسل آب‌گرم غسل به آب سرد ادامه پیدا کند درآنصورت نه بـه وجودضررمیرسد وهم ازغسل استفاده میشود. همیشه باید وجود گرم باآب سرد غسل داده شود ویاوجود سردباآب گرم وجود آنوقــت گرم است که حرارت اتاق کافی باشد . در صورت که حرارت اتاق کافی با شد خشــك نمودن وجود ضروری نیست بعداز غسل لباس گرم ضروری است ودرجه حرارت اتاق بایـد کمتراز ۲۲ نباشد . شدت آب آنوقت کافــی است که اگرنل ویاپایپ عمودی بطرف بــالا گرفته شود ده سانتی فواره نماید

دوام غسل ازسه دقیقه زیادترنباشداشخاص قوی ترمیتوانند که ازسه دقیقه زیادتر زیرآب بمانند یك فورمول بایدهمیشه مراعات گــردد یعنی دروقت که آب وجود رانارا‌حت ساخت دوام غسل قطع گردد ودروقتیکه وجود قرمزی شدهم یك علامه ایست‌که پوست عکس العملی نشان داده وانقطاع غسل ضروری است .

غسل های که ازطرف کریستیان کنایــپ توصیه شده غسل مکمل، غسل حصص بدن مثلا غسل بازوان ، غسل تخته پشت، ستون فقرات، پاها، زانوها، سینه وغیره .

غسل دستان وبازو:

این نوع غسل آسانترین طر یقه تــداوی اعصاب ودوران خون است خستگی ودردبازوان وصندوق سینه رامرفوع میسازد . در صورت داشتن احساس سردی دردست هاویاروماتیزم، سردردی ، عصبانیت های قلبی ، تشوشــات جهاز تنفسی وغیره غسل بازوان را خیلی‌مفید خوانده اند .

غسل صدر:

جهت تداوی برای مریضی های مزمن‌ریزش برانشید، مریضی های جهاز تنفسی خیلــی مفید است مقاومت وجود رادر مقابل ریزش های موسمی بلندمیبرد اگر بخاطر بیاوریــم دروقت که تحت جریان آب سرد واقع شده‌ایم یك نوع نفس تنگی وتکان درجهاز تنفســی احساس نموده ایم لهذادروقت غسل صــدر انسان مجبور به نفس کشیدن عمیق میشــود واین عمل واضح میسازدکه جریان آب بالای جهاز تنفسی، قلب تاثیر دارد این غســل تکان های قلبی رامرفوع میسازد ، اشخاصی‌که به مریضی قلبی مصاب اند باید تحت نظر دوکتوران معالج ازغسل صدر استفاده نمایند.

طریقه غسل صدرخیلی ساده است یعنــی مریض دودست رابه دیوار میدهد وتخته‌سینه خودرا قسمتی زیرآب بگیرد که جریان آ ب ازطرف راست بدن شروع شود وجریان آ ب بصورت مدور درتخته سینه قرار گیرد بعداز طرف راست بدن باید طرف چپ بدن تحــت جریان آب گرفته شود جریان آب بطوردایره هااز پایان بطرف بالا به بدن اصابت کنــد قبل ازشروع غسل صدرباید دودست تابازوان زیرجریان آب گرفته شود دراخیر باید نواحی قلب بصورت مکمل غسل داده شودسروگردن ترنشود . .

غسل تخته پشت:

درغسل تخته پشت باید زیــاد تر ستون فقرات زیرآب گرفته شود اشخاص که دردفاتر اجرای وظیفه میدارند ازین غسل باید همیشه استفاده کند، که خستگی های ستون فقــرات وعضلات پشت رفع گردد .

غسل تخته پشت برای قلب ، شش وغیره خیلی مفید است مریضی های قلنج، روماتیزم وتحریك جهاز تولید خون ذریعه غسل تختــه پشت تداوی میشود. بعضی ازانواع قبضیت ذریعه غسل تخته پشت تداوی میشود .

طریقه غسل تخته پشت :

مریض مستقیم زیرجریان آب قــر ار داده میشود بعداز غسل دست هاقلب وشش زیــر جریان آب گرفته میشود اگر غسل مذکور از پاشروع شود وبطرف کمربلند برود وبعــدا غسل تخته پشت صورت بگیرد خیلی مفیــد است . درآنصورت بعدازاینکه پاها تاکمر و دست ، الی شانه غسل داده شد بعدا جریان آب بطور دایره به تخته پشت اصابت کند. بعداز احساس ناراحتی درجلد تخته پشت به غسل مذکور خاتمه داده شود وستون فقرات باید زیادتر زیرآب‌گرفته شود مریضی هایکه مستقیما مصاب به مریضی ستون فقرات اند. ازغسل تخته پشت تحت نظر داکتر موظــف استفاده کرده میتواند .

غسل مکمل:

راجع به غسل مکمل وفواید آن همیشــه حرف زده شده است بازهم کسانیکه بمریضی زیادی وزن مصاب اند، ویامقابل ریزش های موسومی مقاومت ندارند، مریضی ها مثــل خنك خوردگی، بطائت جهاز امعا مریضی های اعصاب وغیره ازین غسل زیادتر استفاده‌کرده میتوانند .

صورت استفاده ازین غسل انواع مختلــف دارد مثلا بعدازاینکه دست هاتا شانه وپا ها زیرجریان آب گرفته شد و شــوك اول آب مرفوع گشت تمام بدن زیرجریان مستقیم آب گرفته شود تااینکه تمام وجودغسل داده شود بالای بدن باید یك چادر آب تشکیل گــردد تااینکه وجود ناراحت شود بعداز غسل مکمل استراحت خیلی ضروری است جای استراحت باید گرم باشد .

شاور کو تاه مدت:

شاورهای کوتاه مدت که تمام بدن زیرآب گرفته‌میشودخیلی مفیداست مخصوصادر وقت تابستان ازین غسل استفاده شود وغسل‌کوتاه مدت برای مریضی هاروماتیزم ، اعصــاب ، نفس تنگی وغیره خیلی مفید خوانده شــد ه است .

غسل زانو:

ازپاها شروع شده زیر زانوان مستقیما زیر آب گرفته شود چون مرکز تجمع تعداد زیادی ازاعصاب، پی ها، شرائین وغیره درزیرزانوان است غسل مذکور برای بهبودی دوران خون،

بقیه درصفحه ۶۱

غسل آب سرد تاثیر عمیق در بهبـود وضع مریض دارد.

دريمه برخه

دعملي کولو دپاره دهمدغې شپې نه کار واخلي ماد خپل همکار مارتينو سره هغې خواته حر کت وکړ مخکې مود هرشي پهبرخه کښې معلو مات راکړي وو اوپه خاصه توګه مودغه وران کور دخپلې نقشې دپاره په نظر کښې نيولي ؤ اوپدې هم پوهيدلو چهپدغه راز ګو ښه ځا ی کښې به څوك مونږ ته تکليف نهرا کوی زهد خپل همکار سره يوځای دغه خراب تعميرتهورننوتم پهيوهخونه کې يې دورځنې ضرور ت وړ شيا ن ليدل کيده اوپه چير کت کښې چهپهکوټه کښې پروت ؤداسې معلو ميده چه څوك پکښې ويده شوی و..

زه دخپل همکار سره يو ځای پهيوه ګوښه کښې غلی شوم اوراز راز بويونو بهراته ازار راکاوه لـه نيکه مرغه زمونږ انتظار زيات وخت ونه نيواو دپښو اواز مو تر غـوږ غوندې شو دقدمو دآواز نه داسـې معلوميده چهارو مروبهوار خطاسړی ویدغه شك اوترديد دخو لحظو نه زيات وخت ونهنيوه اوډير ژر راته معلومه شوه چهنوی کوټې تهدراتلو پهحال کښې دی دلږ ځنډ نهوروسته دکوټې دروازه خلا صه شوه اوماهم دشارلخبریواوريدی چهپهګونګوسی بهيې ويل:

ـهلن تهدلته يې؟

دپردی شاته چهزه اوهلن پټ شویؤ خپل نفس موهمپهډير احتياط سره ايست اونه مو غو ښتل چه څوك دې راباندې وپو هيږي شارل چير کټ تهنژ دې شواو بيابيا يـې ويل: هلن خبری وکړه زه يمستا شارل ځان راته وښيه لهمانه مـه ډاريږه زه قول درکوم چهتاته څوك تاوان نهشي دررسولي هغهبل ځل میهم بیدشوخی نه بل کوم مطلب نهدرلوده يوازې دومره مې کول چه زهاوتهلږ هو ساشو اوس نو شارل پهعمومي توګه چير کت ته نـژدې شویؤ زهدخپل همکار سره يوځای ددروازې دسوری نهدده ډحا لا تو پهڅارنهکښیوم په تندی با ندیيې خولی را ماتی وی داسې معلو ميده چهپه کوم خطر ناك کار يې لاس پوری کړی وی.

کهنقشه مینه وای ورکړی نو په دیبرخه کښې موهيڅ فکرنــه شو کولی پهدې وخت کښې ټوخي پسې واخيستم زړهمې ټکان پيدا کړ پـه ويره کښې ومکه وټوخيږم نو زمونږ ټول اجراآت بهله لاسه وتلی وی او کومه نتيجه بهترينه لاس تهنه وی راغلی شارل په داسې حال کښیچه پهيوه لاس کښې يې چاقو نيو لـی و دبريښنا په څير بياهم دچيرکټ په شاوخوا کښې ګرزيده زه چههمدغه راز اقداماتو تهولاړ غوندی وم اود خپل ښکار انتظار مې ايست دمخفي ځای نهووتم، شارل خپل لاس کښته کړمخکښې لهدې چهزه يې له لاسه ونيسمیو، بلدتوان نهډك لاس دده لاس پهعوا کړی ؤاود زيات فشارنه وروسته يیچاقو دلاس نه ولويـد ماپه آرامي سره ساه وايستله اوهغه موجود چهپه چيرکـــت کښې اورد پروت وپه چيرکت کښې کښيناست اوويي ويل:

ـتاسې اوخدای چه اول کړکـــی خلاصې کړې زماخو ډېر بوی نهزړه وچاوديد شارل چهدويرې نه دخبرو کولوواك اوتوان نه درلوده حيـران پاتې واود شونډو لاندې يې وويل:

ـلکه چهدا زما ښځه نهوی! ورته میوويل،

ـ نه ښاغلی شارل، ستا سیښځه ډيره مخکښې مړه شوی ده يعنـــی بايد ووايم چه تاسې په خپل لاس هغه وژلیده تردخوتاسې دهغیدبيمې ټولی پيسې ترلاسه کړی.ماد داکترا نوپه مشوره دغه راز نقشه جـوړه کړې وهچه ستاسې دڅيرې نه نقاب ليرې کړم وروسته هغه خوانه نجلی چهپه چيرکټ کښې ناسته وه مسکی غوندې شوه اوشارل ته مې وويـل:

ـاجازه راکړی چهزه خپل يـو دايمي همکار چه تاسې دخپلیښځې پهځای دهغې دقتل نقشه سنجو لی وهتاسې تهدر معرفي کړم.

ستاسې شهادت بهپه عموميتوګه پوره ثابت کړی، شارل هــــرراز مقاومت اوقدرت لهلاسه ور کړی ؤ اوداسې الوتونکي مرغي ته ور تــه ولکه چهچا پهلومه کښې بنده کړی ویاود تيښتي ټولی لياری يیوربا- ندی تړلی وی.

ورته مې وويل:

ـهغه جنايت چه تاسې سر تــه رسولی دی تقريبا يو مکمل جنايت ؤچه هيڅ شك پکښې ځای نه شی نيولی. تاسې پهاول وخـــت کښید ښځې په ســر سخت سو ك وار کړیو هغه مو بې هوښه کړی وهاو بيامو موټر يوی کندی ته غور ځولی ؤاوپه دې ډاډه وی چه هيچا بهنهوی ليدلی ورووسته تاسې په موټر کښې سپاره شوی اوپه غولوونکي توګــه موځان دبی هوشی په نارووغیباندی وهلی ؤچه دهغې له مخې مو څوشپې ورځې په روغتون کښې هم تيــری کړی اوپه داسې توګه مو خپل پلان سرته ورساوهچهطبيبانو اوداکترانو تهمو همدوکه ورکړی وه.

ستاسې بهياد وی چه تاسې زما نهدخپلی ښځې دمړينیپهبرخه کښې پوښتنې کړی وی اوما درته ويلـی ووچه هغهنه دهمړه شوی او ژوندی دهددې کار لوی اهميت پهدې کښیؤ چهزه تاسې پهدې برخه کښې ډاډه کړم اوستاسې نهپه دی برخه کښې زيات معلومات ترلاسه کړم. که څه همتاسې بهپه دی پوره پو هيد لیچه هغهمو پهخپل لاس وژلی ده او کله چهمو دهغې دپاره دزيات ټينګار نه کار اخيست پهدی هم پوهيدم چــه تاسې دخپل ډاډ دپاره له دغه راز اشتباه ګانو څخه کار اخلی خو په دینه پوهيدلی چه پوليس تهدوکه ورکول کوم ساده او آسانه کار نه دیپوليس کولی شی چهپه هر راز شرايطو کښې واقعيت لاس تـــه راوړی .تاسې کولی شول چه دليل هممنځ تهراوړی چه ستاسې ښځـه ديوی قوی فشار او ضربې له مخـې خپل عقل لهلاسه ورکړی او دا سې خيال شوی چهد موټر دڅپه کيدلوپه لړکښې يې هم ماغزو صدمه ليد لی اوهم پهحق رسيدلی دهدا ټول هغه شيان ووچه تاخپله دخو پيسو دلاس تهدر وړلو دپاره ورته يوه نامعقو له نقشه جوړه کړې وه دهمدغو شيانو پهنسبت ماهم خپله نقشه جوړه کړه اوتاسې تهمې هموويل چه ستا سې دښځې قواره بدله شوی دهاو دی ته نهده چمتو شوی چهتاسې یيوګوری پهنوره ماجرا باندی تهپه خپله ښه پوهيدلی شی .

په دی ځای کښې لږ چو پ شوم اوبيا مې ورته وويل:

ـکله چه مې ستاسې دښځې پته تاسې ته درکړه او درته مې وويـل چهپه ليك کښې يی ليکلي دی چـه هغی انتحار تهځان جوړ کړی دی.ما پهدی ډاډ درلود چه تاسې بـــه د وخت څخه دګټې اخيستلو په نـوم دخپلی نقشې دپای ته رسولو دپاره پههلو ځلو لاس پو ری کړی خـــو ستاسې نقشه ډيره ساده وه تا سې غوښتل چهپه چاقو باندی دخپلـــی ښځې پهنوم زمونږ همکار په قتـل ورسوی اوبيا دخپلو ګوتو آثار لـه چاقو نه پاك کړی اوچاقو په خپلـه دهغې پهلاس کښې ورکړی چهپهدی ترتيب بههر چاته ددی فکر پيـــدا شوی ؤچه هغې په خپله ځان وژلی دیاوزه ددی خبری پوره شاهد يم چه ستاسې ښځې لکه څنګه چه پـه کاغذ کښیيې ليکلي وو دځان وژلو دپاره اقدام کاوه .کله چــه شارلد خپل جنايت پهباره کښې خبری وا- وريدلی سترګې يې دومره غټې شوی چه نژدې ؤپه ځمکهو لويږیمو نرکه هرڅومره دده دجنايت نه پردهپورته کوله دابه غلی ولاړؤ او هيڅ به يې نهويل خو دا چه چو پتيا دتسليمـی معنی ورکوله نومونږ هم لهلاس نـه ونيو اود قانون منګولوته ووسپاره.

پای

هنرمندی باتابلوهایش

دیگران متفاوت باشد بازهم تابلو های دارم بنام، چهار فصل و دست غیب که نمایانگر عنعنات وکلچر محیط وبیانگر شهامت مـــردم ماست بیشتر دوستش دارم وگرانترین اثرم تابلوی است که به دوهزار دالر به فـروش رسیده است ودرمورد اینکه چند اثر دارم ، پرسشی است مشکل چون ازکودکی باگرفت هرالهامی حالت هارا به تصویر درمی آوردم تاکنون ممکن شمارش زیاد شده باشد کـــه درست نمیتوانم حسابی داشته باشم .

ـ ازتعداد شاگردان تان وآنهایی که به‌نظر شما میتواننداین مکتب رابازهم زنده نگهدارند چیزی بگویید؟

برقی ازخوشی ونشاط درچشمانش می‌جهد وچنین پاسخم میدهد :

ـ تاکنون شاگردان زیادی را بـــه هنـــر میناتوری آشنا ساخته ام هم ازولایت هرات وهم ازولایات کابل، میمنه ، مزارشریف، غور فراه ، تخار ووردك وجاهای دیگر وهریك هم توانستند استعداد خودرا درین هنر خـــوب تبارز دهند وآثاری ازخودبه نمایش گـذارند وبه همین سلسله چندتن ازشاگردانم جوایزی رادریافتند .

واینکه آیاشاگردانم میتوانند این مکتب را زنده نگهدارند یاخیر ؟ بایدبگویم که مـــن یقین دارم‌که شاگردانم درهنرمیناتوربرازندگی خوبی دارندکه ازآنجمله، فضل احمدمقصودی معلم تجربوی دارالمعلمین عالی، عبدالکریـــم رحیمی ، شریفه نیازی وطاهره عطایی کسانی اند که براستی در احیا ونگهداشت این هنر میتوانند مفید یتی داشته باشند . درهمیـن جاست که باپرورش وشگوفایی استعداد هر کدام‌احساس رضایت وخشنودی میکنم وراحت می مانم .

ـ تاکنون چند نمایشگاه ازآثار شما دایر شده است ودرکجا ؟

ـ باید متذکر شوم‌که ازآثار تابلو هایـم درچندین نمایشگاه درکابل، هرات، لشکرگاه ودرخارج کشور درسفارت امریکا ودرتاشکند درموزه امیرعلی شیرنوایی به نمایش گـذارده شده وجوایزی راهم نصیب گردیده است .

ـ نقشه کارتان برای آینده چیست ؟

ـ قسمی‌که ازمدتها آرزو داشتم وهمواره تلاش کرده ام تامکـــتبی رازنده نگهـدارم و گسترش بخشم، حال هم فقط میخواهم چوکات فشرده این مکتب را وسیع سازم‌وگسترش‌دهم وبادایر نمودن کورسهای میناتوری و آشنایی یك تعداد نونهالان دیگر همت گمارم تا باشد که این مکتب باهمان نام نامی اش زنـــده و جاوید بماند .

ـ آخرین طرح شما کدام است ؟

ـ بخاطراینکه بتوانم ریالیزم رابادینامیزم زنده‌اش درنقش و نگار میناتور پیاده نمایـم واین‌هنر را باعینیت زندگی وخصوصیات‌تاریخ دریك رده خاص‌آشتی‌دهم بخاطر اینکه‌میناتور نودر قالب فورم خالی محدود نماند وکشاله‌ی آن تاامتداد زندگی معاصر دوانده شود کاری سردست دارم، کاری بزرگ، پرارج وغنی از یك محتوای اجتماعی .

هرات تاریخ درخشانی دارد، هنردریـــن شهر، زنده به مفهوم واقعی اش بوده وپـــر تحرك درهمه عصر هاوقرنهـــــای کـــه باز می‌شناسمشیں .

انعکاس این هنر روی خطوط میناتور ازیك هنرخفه شده درچوکات رومانتیزم، هنر مردمی می سازدکه زندگی امروز رابازندگی دیـــروز واندیشه انسان امروز رابا برداشت ذهنـــی انسان دیروز آشتی دهد .

طرح من ساده است ، ترسیم هرات دریك دوره‌ی خاص تاریخ باهمه ویژیگی هایش استخوان بندی کوچه هاوبازار هایش، ونفس های داغ انسان معاصرش .

واین تعقیب کار دارد، ارزیابی کار دارد ، وشناخت کامل کار دارد .

کارتازه‌ی من تصویری ازعصر پر افتخـــار تیموریان وغوری هاست درهنر میناتور.

بارنگهایش، خط هایش ونقش ها و نگـــار هایش دلم میخواهد شماوقتی به این تصویر نگاه می‌کنید، هرات غوری هارا ببنید ، هرات تیموری هارابببنید وصدای شیر نوایی را از ورای رنگین کمان رنگها بشنوید . وورقـــی ازافتخار رادوباره باز شناسید .

ـ استاد واقعا طرحی است جالب وعالـــی پرافتخار وباشکوه . ومن هم در انجـــامش موفقیت مزیدتری بشما خواهانم .

ـ گرچه میدانم استاد مشعل گفتی هـــای دیگری هم دارد ولی چون عقربه ساعت، چهار بعداز ظهر رانشان میدهد باتشکر از وی خدا حافظی میکنم واو متقابلا از ژوندون از مجله خوب وخواندنی مردم صمیمانه تشکر می کند ومن هم اتاقش راترك میگویم .

گوشه‌ای ازنقوش کوزه معروف‌استادمشعل

په پښتو ادب کښې د تاریخي پېښو

دوره اود خونړیو پیښو ډکه ده.

ددې دوره په‌نظم‌اونثر کې په‌زړه پوری بارزښته آثار ایجاد شویدی چه‌ددغو آثارو بیان دراوروسته‌زمانو په‌ادبیاتو هم اثرکړ یدی مگر ځرنگه چه پرو سږ کال دیو بین المللـــی سیمینار په ترڅ کښې هر څـــــه روښان شوی دی زه په هم دی‌خبرو اکتفاء کوم اود پښتو ادب یوی بلی حماسي مر حلی ته ځان رسوم.

داد خو شحال خان خټك اودهغه دکورنی دادبی آثارو مر حله ده.

خو شحال خان دبایزید رو ښان دوفات ۹۸۰ هـ نه ٤۲ کاله وروسته په ۱۰۲۲ هـ،ق ۱٦۱۳ کی زیږیدلی دی .

په دی وخت کښې بایزید روښان په‌خاورو کښې ښخ وُخو دزمکی په سر درو ښانیانوملی مبارزی اوپردو حکو متونو سره ددوی جنگو نه او جگړی روانی وی دغو حکو متو نو ورځ په‌ورځ دځانځانی جا گیرداری او فیو ډالیزم نظام قوی کاوه. خوشحال خان دشهباز خان‌زوی وُ.

شهباز خان دختکو خان اودوخت دحکو مت‌منصبداروُده‌ته دغه دنصب له خپل پلار یحیا خان نه‌او هغه ته‌د خپل پلار ملك اکوړی نه‌په میراث پاتی‌وُ.

ملك اکوړی دجلا الدین اکبـــر ۹٦۳ هـ ۱۰۱٤هـ ۱۵۵٦ـ ۱٦۰۵م په زمانه کښې اقتدار مو ند لی و.(۱)

اکبر باد شاه ملك اکوړی تـه‌د خیر آباد نه‌تر نو ښاره پو ری‌علاقه په جاگیر کښې ورکړی وه دځارویو دمحصول اود بادشاهی لاری‌دساتنی اوحق‌العبور دتحصیل واك هم‌ده ته ورکړی وُ.

شهباز خان دختکو خان‌و دده په زور دقبایلی رو حیی په اسا ســـس ختك دحکو مت سره وفـــادار وو یوسفزی هم دختکو سره وران وو هم دحکو مت سره ختهو دیو سفزو په‌زمکه‌تیری‌هم کړی‌وودختکواویوسفزو زړه اوپخه دښمنی وه اوداوړه‌قومونه به‌تل په خپل منځی جنگو نو اخته وو.

دشهباز خان په ژوند دختکـــو یوسفزو په دوو جنگو نو ۱۰۳۵هـ،ق ۱٦۲٦ غ او ۱۰۵۰ هـ،ق ۱٦٤۰ غ کښې‌خو شحال خان هم‌د ختکو په زخمی‌اوپلاراوبیام‌ړشو خوشحال‌خان لښکرو کښې شا مل‌و په‌وروستـــی جگړه کښې دخو شحال خان پښـــه دهغه په ځای دخانی په مسنـــــد کښینا ست اود پښی درو غیدو نه یی‌وروسته دیو سفزو سره بـــل جنگ وکړ.

«نوربیا»

ویروونکی فلمونه...

دیو شمیر خلکو لویدل او هر ډول خارجی مرستی ته دهغوی لاسر، نه‌رسیدل دی اوهر څومره چه هغوی مرستی ته د لاس رسـو لـو نه لیری وی هما غـو مره د ننداره کوونکی هیجا ن زیا تیږی دتا تیا یك بیړی ډوبیدو په حال یاد پو زیدون د لاهو شوی بیـړی ماجرا یاپه هوایی ډگر کښی ستره چاودنه یاد ۱۹۷۵ هوایی ډگر چه‌په هغه کښی الو تکی ټکر کو ی یـا لږ زنده ځمکه دځمکی دحیرانوونکی اوویروونکی آوازسره لو ږی ماڼـی چه‌اور پکی لگید لی وی یاد سـرو زرو په‌کان کښی ستر سیلا و یاد جاگرنات او هوایی ډگر په فلم کښی ویروونکی صحنی‌د خوښی‌په ځنگ کښی‌یو ډول ویره او لړزه دسینما- یی فلمو نو او سنیو ننداره کوونکو ته‌ور کوی.

انتقادکوونکی ډیر لږ ویروونکی فلمونه جدی نیسی سره له‌دی چه دهغوی یو شمیر په لوړو ما نیـو کښی اوسیدل په خپل ذات کښی دخورا ښو فلمو نو اویا د۱۹۷٤کال یونښه‌فلم گڼی ددغو فلمو نو دبری یو دلیل ښایی دنوی لاری څخه دغلم دلوبغاړو استفا ده وی، مثلا دسینما له‌یو دوستورو ،د دوو زړو هنر- مندانو او کله کله دسینما په نـړی کښی دزوال په حال کښی ځینـو ځیرو اود ځوانانو دخو ښی خا صلو لودپاره دیو دوه ځوانو هنرمندانو دیوتور پوستکی هنر منداود تلو- یزیون دیو شخصیت څخه استفا ده کوی‌اود دغوشخصیتو نوله یو ځای کیدو څخه داسی فلم جوړیږی چه دټولو دسلیقی سره برابروی.

کله کله په‌یو ډول فلم کښی‌دیو سینما یی لوبغاړی له‌وجود څخـه تکراری استفا ده کیږی لکه‌دلږزنده ځمکی اود ۱۹۷۵ هوایی ډگر پـه دوو نویو فلمو نو کښی دچار لټن هستون گهون اویا هم هغه خو ك چه انارند روزیی دیوی سپکی‌الوتکی پیلو ټ وټاکه چه‌د ۱۹۷۵ هوا یی ډگرپه فلم کښی د۷٤۷ بو ئینگ‌د پیلو ټ‌د افرم زیمبا لیست‌سره ټکر کوی اودا خبره یی هیره کړی وه چه دغو دواړو ټنو په ۱۹٦۰ کلو نو کښی دی‌ته ورته په‌یو فلم کښی‌کار کړیؤ چه‌په هغه کښی دافرم زیمبا لیست په پیلو ټی چه هغه وخـت یوعادی هنر مندؤ دهوایی قواوویره جت الو تکه ددانا اندروز دهوا یی جت‌الو تکی سره ټکر کوی.

هغه څوك چه دغه ډاز ووکـی فلمونه جوړ وی یو اووه څلوېښت کلن سړی دی‌چه ایروین الن‌نومیږی چه‌د پوزیدون دماجرا اوپه لـوړو ماڼیو کښی داور لگیدو دفلمو نو په تولید سره یی په‌یوه ډیره لنډه موده کښی زیات شهرت پیدا کړی دی.

الن دخپلو فلمو نو دبریا لیتوب دپاره یوه ډیره ساده‌تو ضیح‌ورکوی اووایی : زه له عادی خلکو څخـه استفاده کوم مثلا له یو قصـا ب ډوډی پخوونکی یا یوداسی ما مـور څخه داور لگیدو درك لگو لی شی او هغه په خورا حیرا نوونکی پېښه کښی گیر ساتم تر څو دخپل ځـان دخ لاصو ن‌دپاره له خپل ټول‌جسمی او فکری قدر ت څخه استفاده‌وکړی اود قهر مانی په کارونو سره پـه حوادثو بری وموموی ننداره کوونکی دسینما دپردی په مخ دیـوعا دی سړی قدرت وینی او کله چه لـه سینما څخه ووځی په خپل ځـا ن کښی داقدرت احسا سوی چه هغه هم کو لی شی همدا کار وکړی اوپه نتیجه کښی خوښیږم. زه‌دکاز میکی پیلو ټانو اویاد مغز دجرا حا نـو په‌باره کښی فلم نه جوړوم ځکـه چه‌دهغوی شمیر دومره نه‌دی چـه‌د سینما سالون ډك کړی خو زمونـږ په هیواد کښی دهغو کسانو شمیر زیات دی چه داور لگیدو په‌پیښـو کښی کار کوی او هغوی هم میرمنی دوستان او ملگری لری او ټول یی زماد فلمو نو ننداری ته راځی.

آلن چه‌په څر گنده توگه وایی‌چه فلم دپیسود لاس ته‌راوړلو دپـاره جوړوی ایانور دفلم له جوړ ولوڅخه بل هدف لری ؟ ضمنا وایی چـه انسان ددی سره علا قه لری چـه‌د مرگ‌د نخاننداره‌وکړی‌اودا احساس لږ او ډیر زمونږ ټولو په طبیعت کی دی خلك کله چه‌داور وژلو یو موټر وینی دهغه په تعقیب روانیږی اویا هم داخبره لټوی چه څوك په‌امبو- لانس کښی اخلی، داکار څه تعریف نه‌لری خو سینما ته زیا تی پیسـ‌ی راوړلای شی دآلن دراتلو نکوفلمونو څخه یوهم دپو زیدون دماجرا نـه وروسته فلم دی چه‌په هغه کښـی مسا فران په یوترن کښی چـه‌د سویس دآلپ له‌غرونو څخه‌تیریږی بند پاتی کیږی او بل‌فلم دغومبسو ډله دی چه‌دهغه په ترخ کښـی وژونکی غو مبسی په لاتینه امر یکا کښی‌له خپل ځای نه‌په متحده ایا- لاتو هجوم راوړی اوویـره اوډار ایجادوی دیو نیور سال کمپنی به‌د ۱۹۷۵ کال‌په ورو ستیو وختو نو کښی د۱۹۷۳ کال دچاودنی په‌باره کښی چه‌د هاید نبرگ الو تکه یی توټی توټی کړه یو فلم وړا نـد ی کړی او یو بل سینما یی‌فلم‌به‌هم‌د جاپان دډوبیدو په نامه دیوی‌جاپا نی ناوړه پیښی په‌باره کښی وړا ندی شی‌چه په‌هغه کښی دطبیعت دسر- کښو قو تونو په‌اثر دجاپان ټاپوگان له منځه ځی .

طفل ومادر

واضح است که اگرطفل دیر زمانی‌ادرار نمی کند متوجه‌میشویم،دلیل آن اینست‌که وجود طفل بیشتر به مایعات محتاج است ویا خود در سیستم اطراح او نقصی موجود شده است .

-درها باید اینراهم بدانند که‌لتهٔ فلالینی اطفال شان ممکن است از همان مقدارادراری که طفل روی لته های سختتر می نمایند و آنرا شت وپت می کنند فقط کمی نم‌خواهد بر داشت .

بعضی اوقات ادرار اطفال نوزاد نه‌رنگ دارد و نه‌بو، ولی در روی‌لته از ادرارآنها لکهٔ سرخ رنگی باقی ماند این یك حادثهٔ پتا لوژیکی نیست دراثر حرارت محیط دور و پیشس طفل روی لتهٔ طفل بعضی از املاح رسوب می‌نماید که معمولا در ادرار اطفال به شکل حل شده‌ای موجود میباشد .

مواد غایطه :

باید متوجه مواد غایطه نوزادان هم بود

چرهٔ طفل :مواد غایطهٔ نوزادان درابتدا و همچنان دقت شود که آیا بصورت عمومی این حاجت طفل رفع شده است یاخیر . چسپناك بوده دارای رنگ سبز و یا تیره می باشد. این مواد را به اصطلاح چره‌می گویند و اگر طفل‌بصورت منظم از شیـر مادرش استفاده کند رنگ آن به طلائـی زرد رنگ مبدل می شود .

«باقیدارد»

درهنگام شستشوی نوزاد باید دقت‌شود.

دلوانه

څه هم چیری فرزانه وم، فرزانه یم لا تر اوس
تل بې خوده دیوانه وم، دیوانه یم لا تر اوس
چه راغلی په جهان یم خبر شوی په خپل ځان یم
درازو نو خزانه وم، خزانه یم لا تر اوس
په عالم ځما خبری خلق کا په بزودی لری
په وګړو افسانه وم، افسانه یم لا تر اوس
چه ئې ځان سره آشنا کړم له هر چا ئې تنها په شا کړم
له عالمه بیګانه وم، بیګانه یم لا تر اوس
هغه شان له خپله یاره، با ولیله بی بیاره
ځه خوشحال چه یګانه وم، یګانه یم لا تر اوس

خوشحال

ادبی ټوټه :

دمینې خبری

هغه ورځ ،چې زوکیدم ،ستا دمینی ږغ یې په غوږوکی داوکی !

زه په هیڅ نه پوهیدم ، کوچنوټی وم ،هلته تادلمر په رڼو وړانګو او دسپوږمی په وږمکی کی قدرت رانبکاره کړ ، دکورو خنګه‌می دونوپه منځ کی یوتور چنجی ؤ دشپی بی خوږی ناری وهلی ، مادده په نارو او شپیلکی کی‌ستا دمینی ږغ اورید ..،

وریځی پرشینکی آسمان ګرځی ، تالندیغړغړی وهی ، بریښناوی ځلیږی دلویو غرو څخه ځرځر ماندونه راځی ، دلته ..، هلته ؤ،چی‌مځکه اوبوی ، داټوله لـه تادی ..، بـل څښتن نشته .

«حبیبی»

نگفتن

هیچکس حدیث نگفتن نگفته ام
در گوش خویش گفته ام و من نگفته ام
زان نور بی زوال که در پرده دلست
با آفتاب آنهمه روشن نگفته ام
این دشت و در به ذوق چه خمیازه میکشد
رمز جهان جیب به دامن نگفته ام
گلها به خنده هرزه گریبان دریده اند
من حرفی از لب تو بگلشن نگفته ام
افشای بی نیازی مطلب چه ممکن است
پرگفته ام ولی به شنیدن نگفته ام
افسانه رموز محبت جنون نواست
هر چند بی لباس نهفتن نگفته ام
این ما و من که شش جهت از فتنه اش پر است
بیدل، تو گفته باشی اگر من نگفته ام

بیدل

دورگه

پدرپیرمن : مردیست سفید پوست
ومادر پیرم : زنی سیاهپوست .
اگر گاهی به پدرپیر سفید پوستم دشنام
گفته ام .
همهٔ دشنام هاراپس می گیرم .
اگربه مادرپیرسیاهپوستم دشنام گفته ام

وآرزوکرده ام‌که به دوزخ برود ،
ازین آرزوی زشت پشیمانم
واکنون برای او خیرمی خواهم .
پدرپیرسفیدپوستم‌درخانهٔ بزرگ زیبائی‌مرد
ومادرم در کلبه ای .
نمی دانم من درکجاخواهم مرد
من‌که نه سفیدم ، نه سیاه .

لنگستون هیوزشاعرامریکایی

قفل تصویر

چوقفل تصویر ماند پنهان :
به کلك نقاش من
کلیدم .

* * *

یقین :
به نیرنگ کرد مستم
نداد جام یقین به دستم
گلی در اندیشه رنگ بستم
شهود :
گم شد
– خیال چیدم .

* * *

در انجمن :
سیر ناز کردم
به خلوت :
آهنگ ساز کردم
به هرکجا چشم باز کردم :
ترا ندیدم !
– اگرچه دیدم –

* * *

نه چاره یی دارم ونه درمان
نشسته ام :
ناامید وحیران
چوقفل تصویر ماند پنهان :
به کلك نقاش من
کلیدم .

* * *

خیالم ازشوق رقص بسمل ،
کشید آئینه در مقابل :
نه خنجری یافتم نه قاتل
– نفس به حسرت زدم –
طپیدم .

* * *

به راه تحقیق پانهادم :
عنان طاقت زدست دادم ،
چواشك ، آخر، به سرفتادم ،
چنانکه پنداشتم ..،
دویدم .

* * *

چوقفل تصویر ماند پنهان :
به کلك نقاش من
کلیدم .

ابوالمعانی بیدل

زړه

چیری یوسم د اېسوا اوناقراره زړه
د آرزو په کمبوسوی گرفتاره زړه
زړه مې غواړي چه له زړه سره همرازشي
خدایه ولشیه دی زړه نه یو بیدار زړه

سلیمان لایق

سفر

زماگل پری گلفامه صفامخ په سفر ځي
سری‌وینی می‌توسترگو پسی تل‌دځگرځی
یاته دروې دلداره له ماخواره په مزلو
یاروح‌می مرور شو له‌کالبوته په برځی
رخسار چه‌دی خرگند شی زړونه واړه‌په‌روښان
شغلی دی له‌تندی خخه په شان دقمرځی
گل‌فم‌چه په‌ماڼی‌که له عبدالعلی مخ یټ
پریشانه وهرلوړته پسی‌فهم ونظر ځی

عبدالعلی آخند زاده

تباه

– رنگ چشم های تو ،
درانزوای لحظه های شب ،
شناور است –
ومن ،
چوخسته از کویرخشك روز ها
زراه میرسم
وازهجوم غصه هابه لحظه های شب پنـاه
می برم :
یاد چشم های تو ،
مرا تباه می کند .

حیدر لهیب

ډوب

الهی دحقیقت مسته پیاله را
دارنگین شراب دعشق په میخانه را
خرابات لره‌چه تلم دناچاریه
اوس وماته اقامت په صومعه را
مدام ډوب یم دغمونو په‌دریاب کښی
ستا مدد لویه عطاپه هردمه را
چه‌می نوش‌کړ اول جام زړه‌می خوشنود ؤ
دوهم جام ساقی لذیذ مکیده را
تل‌دغم ترغبار لاندی (شیرمحمد) یم
درحمت ابر پر سر زما سایه را

(ملا شیر محمد)

سخن

هزار آفرین بر می سرخ باد
که از روی ما رنگ زردی ببرد
بنازم بدستی که انگور چید
مریزاد پایی که درهم فشرد
مرو زاهدا خرده بر ما مگیر
الله کار خدایی نه کاریست خرد

حافظ

لمر

لمر داهسی شان ځلیږی که‌ستا مخ
داقمر راته ښکاریږی که‌ستامخ ؟
چه‌یی عقل‌و صبرو خواب راخخه یووړ
دغه نوردی چه تاویږی که‌ستا مخ؟
چه راهسی دلبری دلربایی کړی
دا اوس نوی‌گل غوړیږی که ستامخ ؟
په‌شغلو چه یی روښان تمام عالم کړ
نه‌پوهیږم لمر راخیږی که ستامخ ؟
دغه‌گل ، سنبل ، نرگس سره یوځای دی
چه (احرار) تری قربانیږی که ستامخ ؟

(خوجه احرار)

دمتین تر جمه

دمینې په لور
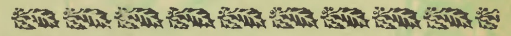
هغه چه می اورید ل په سختـی سره می پری باور کولی شو داد نا تروړمی هیڅکله نه‌وه لید لی چــه داسی خبری وکړی دغغی دخبـرو لهجی زه ناآرامه کړم هغی ویل:

ــباید وپو هیږی چه‌زه زیا تـــه اجوره نه شم ور کولی ،بلکه دغغو خوړو او کوټی له امله چه تاته یی درکوم باید ډیر خو ښ او ســی، پوهیږم چه‌دا شیان زیات نه دی خو امید لرم چه زماسره لږ مر ستـــه وکو لی شی.

وروسته غلی شوه آه یی وکیښی اودوام یی ورکړ:

ــدلته یوه ستره کرونده شته‌او دکال په‌دی وخت کښی زیات کارونه شته چه‌باید سرته ورسیږی.

«برو نو تیلور» یو بد قواره اوبد اندامه سړی ؤهغه په‌داسی حا لکی چه لاسونه یی په جیب کښی کړی ؤدادنا ترور ته چه په کړ خنــده خو کی ناسته‌وه ځیر ځیر کتل.د هغه له دغه حا لت ښخه سړی په‌دی ښه پو هیده چه دادناد ترور لـــه پیشنهاد ښخه دومره خو ښ نه دی کله چه دادنا دترور خبری خلا صی شوی نو هغه خو له خلا صه کـړه اوویی ویل :

ــپه دی دومره‌ښه نه پوهیږم چه آیا کولای شم ددی ځای دکاورنوله عهدی ښخه ووځم اوکه‌نه ،دلته ډیر کارونه شته.

داسی معلو میده چه‌دادناد ترور خبری نه‌وی خلا صی شوی ښکـــه یی وویل:

ــزه بخیله په‌دی پو هیږم لــه همدی امله لکه ستا په ځیر دیـــو نکره سړی مر ستو ته اړه یم لکه چه‌ته یی گوری زه بایدهغو کارونو دسرته رسولو دپاره چه‌په خپله‌یی نه‌شم اجرا کولی نورو ته لاس اوږد کړم.

هرچا چه‌دادناد ترور په‌دی حا لت لیدله زړه یی‌پری سو زیده خو زه پوهیدم چه هغه یوه ډیره هو ښیاره ،وخه هم بد جنسه ښځه ده‌اته کاله کیدل چه‌د هغی سره می ژوند کاوه یعنی له‌هغه وخت نه‌چه زما موراو پلار دگاز دکپسول دچاودنی پـــه پیښه کښی مړه شول او هره ورځ مې‌د بلې ورځی په نسبت له هغـی ښخه کرکه کو له ،په دی ډول لــه هغی ښخه ویریدم‌اود هغی په‌وړاندی می په هیڅ وجهه ټینگار نه شوای کولی.

دادناد ترور خپلو خبرو ته دوام ورکړ:

ــپو هیږی ،زه دگور په غـــاړه ولاړه یم.

وروسته مو سکی شوه اوپه‌داسی حال کښی چه خپل سر یی زمـــا خواته را اړاوه ویی ویل:

ــالبته زما دمړ ینی نه ورو سته دغه کرونده او هغه ټول شیا نچه په ماپوری اړه لری زما ور یــری ژنویو ته رسیږی ،له همدی امله‌زه ډیره اندیښمنه یم‌زړه می‌نه غواړ ی چه سل جریبه حا صلخیزه ځمکـه او ټول څاروی او مر غان له منځه لاړ شی اویوه ړنگه او کنډ وا لـی ته ورته کرونده ژنو یوته ورسیږی. په‌دی‌خبرو دبرونو پاملرنه وړاوښته کله چه یی سر واړاوه او په خپلـو آبی رنگه ستر گو یی ما ته وکتـل وپو هیدم چه دهغی په زړه کښــی څه‌تیر یږی حرص او تمی دهغی په ستر گو کښی ځپی وهلی پـــه دی تصور چه گوا کی کو لای شی یوه ورځ دکرو ندی اوپه همدی ډو ل زما خاونده شی په هیجان را غلی وه.

دادناترور په دی‌خبرو په‌یوی‌وسیلی زه‌بدل کړی‌وم اودی کار زما قهـر زیاتاوه تر اوسه لا کارونه ډیر پاتی

ؤباید لومړی کرونده شودباره شوی وه‌او وروسته بیاد پسرلی دکر نـــی وخت رارسیده دادناترور ددی کار دپاره‌دبرونو وجود ته او په همدی ډول هلته دبرونو دساتلو دپاره زما وجودته اړتیا در لوده په دی ا ساس هغی کولی شول چه لږه اجـــوره ورکړی.

کله چه په‌یو ولس کلنی کښی‌د ژوند دپاره دی ځای ته‌را غلی وم اصلا می دادنا مورنه پیژنده، البتـه کله کله می‌د خپل مور او پلار لـــه خولی دهغی په‌باره کښی یولړخبری اوریدلی‌وی‌او پو هیدم چه‌د خپـــل میړه‌سره په‌یوه کرونده کښی پــه ختیځ کښی ژوند کوی او هیڅکله چاته لیك نه لیکی اودا یوازینی‌شی ؤچه دهغی په‌باره کښی پری پوهیدم

زما موراو پلار له‌دی نه خبرنه‌ؤ چه دادنا ترور دبام نه‌لوید لـی او شله شویده اوپه دی هم نه‌ؤ خبر چه یو کال وروسته یی میړه مــــړ شویدی.

ظاهرا هغی اود هغی میړه پـــه کوچنی نړی کښی ژوند کاوه چـه هیڅا لاره پری نه‌درلوده په‌هر حال دهغی دمیړه له مړ ینی وروستــــه اوضاع بدله شوه ،هغی په‌یوازی‌ـ توب سره دکروندی چاری په مـخ نه‌شوای بیولی او متوجه شوه چـه ددی‌کار دپاره دبل چا مرستی تــه سره له دی چه له‌دی کار نه سختـه بیزاره وه اړتیا لری اوس اوســـ پوهیدم چه‌دا یوازی زماد منلودلیل‌ؤ په‌دی ترتیب هغه تردی ورو ستـه مجبوره نه‌وه چه‌څوك دکور دکارونو دسرته رسو لو دپاره استخدام‌کړی هغی یو وړیا خدمت کار پیدا کـړی ؤ.

تراوسه می لاهغه ورځ له یاده نه ده‌وتلی چه‌دادنا ترور می دلږ مـړی ځل دپاره ولیده .ما په خپل ذهـــن کښی‌یوه مهربانه او باوقاره ښځـه مجسم کړی وه چه‌زما دلیدو دپاره هر کلی کوی خوددی په‌ځای دداسی ښځی‌سره مخامخ شوم چه په یــوه گرځنده څوکی ناسته وه اودډیری‌د یوی مجسمی په ځیر سړه اوبی‌حاله ترستر گو کیده ،هغی په هما غــه ساړه نظر اوسړی لهجی وویل:

ــنوژنویوته‌یی؟ ډیر روغ‌او قو ی راته ښکاری، او ترکوم وخت پو ری چه‌دلته یی‌باید دکور په‌کارو نو کی زماسره مرسته وکړی په‌دی کورکی زیات کاردی کله چه دی دسفر بکس خلا ص کړ کو لای شی‌چه‌دماښام‌د ډوډی خوړلو دپاره میز ترتیب کړی

اولاس پری ووهی، موږ هره ورځ دماښام په شپږو بجو ډوډی خورو.

نه شم کولی چه دغه سوړ حا لت چه‌پس له هفتو او کلونو څخه ورــ سره مخا مخ شوی وم وستایم دــ ادنا ترور لکه دیو مستخدم په ځیر زماسره چلند کاوه ،سره له دی چه ټول وجود می غو ښتل له هغه ځایه وتښتم په‌دی پو هیدم چه هیڅ‌چیری تللی نه شم ،کرونده یوازینی ځای ؤچه پکښی گیروم او مجبور و م‌چه هلته پاتی شم.

دخپلی زیږ یدنی په نو لسمـــه کالیزه کښی می کله چه‌می داد و ــ کلنی کڅوړه چه ماته یی راکړی‌وه خلا صو له‌یو ځل بیا یی دهما غــو لومړیو ورځو په نظر راته وکتل او ویی‌ویل:

ــنه ورو، ورو غټیږی ژنویو .نه تردی وروسته یوه میرمن شوی یی ته‌په دی پو هیږی؟

یوه هفته وروسته دهغـــی ددی خبرو په دلیل وپو هیدم ،هغی داــ خبره درك کړی وه چه‌په نورو لارو هم کو لای شی زمانه استفـــا ده وکړی‌اوهماغه ورځ‌وه‌چه برونو تیلو هلته راغی له هما غو لومړیو شیبو نه متو جه شوم چه‌دا سړی هم لکه دادناترور په ځیر بد جنسه او له شر نه ډك دی که هغه‌دی ته متوجه کیده چه‌دادنا ترور لاس ور اچولی شك نشته چه انتقام یی اخیست له دی تصور نه‌وگر زیدم.

هغه شپه کله چه په بستر کښی غزیدم دومره نه آرامه او خپه وم چه خوب نه‌راته.

دادنا ترور په‌پوره تو گه دبرونو ځارنه کوله‌او ډیر ژر ځر گنده شوه چه هغوی دومره نه خو ښیږی‌تقریبا هره ورځ هغه مجبوره وه چه‌برونو په چیغو او غالمغال سره له خو ب نه‌راوبښه کړی او حتی کله چه له خوب نه هم راویښیده او په کـــار بوختیده .لکه ښکنه چه دادناتــرور آرزووه دومره کار یی نه کاوه دد ی سره سره وخت‌او ناوخت کور ته‌راته او قهوه یی څښله‌تر څو خپله‌ستړیا لیری کړی لکه داچه دخپلو کارو نو دنیمگړو پر ینبودلو څخه‌هم په هیڅ وجهه نه ناآرامه کیده فکر می کاوه چه‌دادنا ترور دهغه دلا سه تنگیږی او وباسی یی خو هغی داکار ونه‌کړ هغی دبرونو دټولوتنبلیو او بیکاریو سره جوړ ښت کاوه څکه چه په هر حال له هیڅ نه ښه‌ؤ.

دادنا ترور پوهیده چه‌د کا ل‌په دی وخت کښی چه ټولی کرو ند ی کار گرنه اړتیا لری نه‌شی کو لی

چه‌په دومره لږه اجوره څوك پيدا کړی.

هر چيری چه تلم او هر کار می چه کاوه برونو دتل دپاره په ماپسی روانؤ او تل يی له‌شو خی اوحرص نه ډکه مو سکا دشونډو دپا سه بريښيده.

يوه ورځ مازيگر می چه کيك د- ميز دپاسه ايښوده هغه ته يی‌وکتل اوويی ويل:

ــظا هر خو يی ډير ښه دی.

بيا يی زما مټه ونيوه اوويی ويل:

ــزما دغه ډول کيك چه‌په کورکی پوخ شوی وی ډير خو ښيږی او همدا سی می ښځه هم خو ښيږی.

ځان می گو ښه کړ او ومی ويل:

ــلاس دی ليری کړه.

څيره يی بدله شوه اوويی ويل:

ــلکه چه غواړی ټينگار وښيی، ښه‌به داوی چه خپله عقيده بدلـه کړی ځکه دهغو پلا نونو له مخی چه زه يی لرم ښايی‌ټول شيان ډير ژر بدل شی بيا مو سکی شو اوويی‌ويل

ــکه چلند دی دوستا نه وی ، نو زمونږ دواړو دپاره به ښه وی زماپه مطلب‌خو پو هيږی؟.

ــلطفاً می يوازی پريږده خواهش کوم.

له ښه مرغه په دی وخت کښـی دادنا ترور راغله اوبرو نو ته يی په ساړه نظر وکتل اوويی ويل:

ــنن دی خپل کارونه ژر پريښی دی، برونو اوس خو سا عت پنځـه بجی دی ،ولی دی ټول کارونه سرته نه‌دی رسولی؟ برو نو خپلـی اوږی پورته کړی او ويی ويل .

ــزه کولی شم چه خپل کارونـه سبا سرته ورسوم.

ــاوس نوزما خبروته غوږ ونيسه برونو.

خو برونو په غو سی سره‌چيغه کړه چه:

ــنه، نه زما خبروته غوږ ونيسه زه نه غواړم دهغو لږو پيسو په بدل کښی چه له‌تا څخه يی اخلم خپـل ځان له ستړ يا څخه مړ کړم کـه ستا داکارنه خو ښيږی زما گناه نه ده‌تردی زيات ستا له امرونو څخه ستړی شوی يم ،پو هه شوی؟

دادنا ترور ښه سره‌واوښته، پوهيدم چه ډيره هڅه کوی‌خپل ځان کنترول کړی تر اوسه پوری هيڅا دهغـی سره داسی خبری نه‌وی کړی خو هغی نه شوای کولی داخبره ومنی چه برونو له هغه ځايه لاړ شی په همدی دليل يی په‌پوره غو سی مخ ماته را واړاوه اوويی ويل:

ــښه ژنويو ،ولی ملته بی‌کاره ولاړه يی؟ ژرشه خوراك تيار کړه غواړم چه‌د ماښام ډوډی وخورم.

په ورووستيو ورځو کښی می‌هڅه څخه ځان ليری وساتم ،خودا کار وکړه چه‌د امکان ترحده پوری‌دبرونو هم اسانه نه‌وه، هغه په‌پر له‌پسـی ډول وخت ته انتظار ايست تر څو مايوازی گيری کړی.

يوه ورځ مازيگر کله چه‌دچرگانو په ځای کښی دچر گو دهگيو په ټولولو لگيا وم، ددروازی آواز مـی واوريد چه‌په پوره آرا می سره‌پوری شوه کله می‌چه‌سر پورته کړ‌سترگی می‌په‌برونو ولگيدی چه هلته ولاړدی اوپه‌يونسبتاً تياره ځای کښی ما ته خاندی هغه وويل:

ــفکر کوم چه اوس به ښه وخت وی چه يودبل سره خبری وکـړو ژنويو او س ددی‌وخت دی چه خپل تکليف رو ښا نه کړو.

ــنه، ځه او مايوازی پريږده.

ــولی؟ بايد داكار وکړم.

ورووسته راوړاندی شو، زما مټه يی ونيوه اود ځان خواته يی کش کړم ، خپل لاسو نه يی رانه تـاو کړل او په حيرانوونکی تو گه يی زور کړم .

په‌پوره قدرت می خپل يو لاس خلا ص کړ اودبرونو په مړی مـی خپل نو کان زور کړل ،برونو لـه ډيره درده چيغه کړه اوزه يـی خوشی کړم، په داسی حال کښی چه بدردیی راته ويل، په خپل ټو ل قوت سره دکور خواته وتښتيدم.

نه پوهيږم کله‌چه په ژړا ژړااو منډو منډو کورته ننوتم دادنا ترور څه فکر وکړ ،خو ارزښت می‌ور نه مخا مخ خپلی کو ټی ته‌لاړم پـه بستر اوږد وغزيدم اوپه سختی ژړا می پيل وکړ.

څو دقيقی ورووسته می کور تـه‌د برونو درانـنو تلو آواز واوريد، د- هغه‌درا ننو تلو سره‌سم چيغـی او غالمغال پورته شو دادنا ترور پـه پوره عصبا نيت پری غالمغال وکړ.

برونو غوښتل چه هغه ځای خو ش کړی خوله تللو نه‌دمخه يی دوه‌سوه ډالره اجوره غو ښته ،دادنا ترورهم په سختی سره ټينگار کاوه چه‌په‌پای کښی‌يی ديو څوپيسو دور کولوسره موافقه وکړه اوبرو نو له‌کور څخـه ووت.

کله چه می ددروازی دپوری‌کولو غږ واوريد نو دعصبی آرا می سره مخامخ شوم ،ځکه پو هيدم چه تر دی ورووسته به‌برونو ونه‌وينم. په دی وخت کښی کله چه دادنا ترور زما کوټی ته راننوته ډيره زيا تـه په‌غوسه وه اوويی ويل :

ــدا ټوله ستا گناه ده‌تـه ددی سبب شوی چه برونو له دی ځا يه لاړ شی اوس نوزه هيڅوك نه لرم چه زما سره مرسته وکړی.

يوه هفته ورووسته‌دادنا ترور زما سره خپل چلند بدکړ، ورځی اوږدی اواوله پای نه‌پرته ترستر گو کيدی مجبوره وم چه‌دبرونو دکار يوه برخه می هم کړی وای .

(نور بيا)

زندگی امروز

باسلاح مصروفیت به جنگ تنهایی و بیکاری روید!

باآخر رسیدن امتحانات ، شاگردان رخصت میشوند. این رخصتی درظاهر برای‌استراحت است . ولی باید متوجه بودکه استراحت به معنی خوردن وخوابیدن نیست . رخصتی زمستان بهترین فرصتی است‌که میتوانید حداکثر استفاده را برید، بامادرکمك کنید، درکارهای خانه سهم گیرئید، مطالعه نمائید وبه معلومات تان بیافزائید، خیاطی کنید و وبالاخره کهنه هارا نو سازید .

شمااگر دختربانوق ومبتکری باشیدمیتوانید باکمترین تغییر در لباس های تان آنها را نو سازید وبه مودروز درآورید ویااز اشیا ی فرسوده وپراگنده، وسایل کارآمد و قابل استفاده سازید .

این روش گذشته ازآنکه شما را مصروف ساخته ازتنهایی ودلتنگی روز های دلگیر زمستان میرهاند، باعث میگردد تاازدیدن لوازم دست ساختهٔ خود لذت برید واطرافیان رانیز خشنود سازید .

مثلا، هرگاه گلدوزی بلدید خودرا با آن مصروف سازید، پارچه هارا گلدوزی کنیدواز آنها به هرآنچه خواسته باشید استفاده کنید.

اگر گلدوزی نمیدانید ویانمی خواهید گل بدوزید، میتوانید بادوختن پارچه های اضافی خوشرنگ پهلوی هم استفاده مزید برید و روجایی ها، متکاها وامثال آنهارا بسازید

امامتوجه باشد که ازپارچه هائیکه با هم هم آهنگی دارند چه ازنگاه رنگ وچه ازجنس استفاده کنید .

بااین دانه‌های صورت چه کنم؟

جوانی دانه چیست ؟ عوامل پیدایش آ ن کدام است وبرای رفع آنچه بایدکرد؟

جواب این سوالات مشکل است بعضی از دکتوران را عقیده براینست که این دانه ها بنابر هیجانات وناراحتی های روحی وعصبی میتوانند درهر سنی بروز کنند. اما داکتر توماس اشترنبرك که در زمینه مطالعات زیادی دارد میگوید که هیجان هاونگرانی ها ممکن است ازمصئونیت شخص دربرابر عفونت ها بکاهد که درین صورت هیجان عامل اصلی بروز جوانی دانه بحساب می آید وعامل موثر هورمون هااند . وی میافزاید :

گرچه شیرینی هاوچربی ها بخودی خود عامل بوجود آورنده جوانی دانه نیستند ولی هرگاه زمینه نامساعدی ازنظرعصبی وهورمونی وجودداشته باشد، مصرف بیش از حد این مواد وضع رابدتر میکند وهرقدر ناراحتی وعصبانیت بیشتر گردد مقاومت بدن کمتر شده ودرنتیجه تعداد این دانه ها افزایش میابد .

بعضی ازمتخصصان امور عقیده دارند که یکی ازساده ترین راههای مبارزه بااین دانه های صورت، استفاده ازنوعی آنتی بیوتیك ضعیف است که بعضا مفید واقع میشود واما چون بروز جوانی دانه اکثردراثرچربی پوست است . بنابرآن باید چنین پوست را همیشه تمیزنگهداشت .

داکتر (باور) متخصص پوست میگوید : (اگرپوست چربی دارید .باید حداقل روز دو بارآنرا باآبگرم وکف صابون بشوئید. قسمیکه بانوك انگشتان کف صابو ن را بمدت ۲ـ۵ دقیقه برروی پوست ماساژ دهید وبعداز آن باآب سرد آبکش کنید واز کریمی‌که‌مخصوص پوست های چرب است استفاده کنید . بااینکار قشر چربی که پوست را پوشانده است ازبین میرود واز تعداد دانه هایا جوانی دانه صورت کاسته میشود .

بخاطر باید داشت که هرگز این دانه هارا دست نزده وفشار ندهید، چه اینکار باعث میگردد تامجرای بیشتری برای داخل شد ن میکروب بازگردد وبه ازدیاد وبروز دانه های جدید دراطراف ونقاط دیگر کمك نماید . ازطرفی هم این عمل باعث میگردد تالکه‌وداغ روی جلد وصورت باقی بماند.

بعضا گرفتن رژیم غذایی خوب وصحی نیزدر ازبین رفتن این گونه دانه ها وجوانی دانه خیلی موثر ومفید واقع میگردد. خوردن سبزیجات، آب میوه ، لبنیات وپرهیز ازمواد نشایسته یی، شیرینی، غذاهای سرخ شده وامثال اینها دربهبود جوانی دانه وحاصل پوست خوب وجلد شفاف معجزه میکند .

به ادامه گذشته :

زیباتر ازپیش

درآرایش چشمها :

برای اینکه چشم های چقر برجسته تر بنظر آیند از ریمل فقط برای مژه های‌بالایی چشم استفاده کرد ویك خط چشم بسیارنازك تنها روی پلك بالاکشید واز سایه سفید بالای پلك وبالای چشم استفاده کرد .

اگر چشمهای کوچکی دارید، فقط مژهٔ بالاریمل بزنید ویك خط چشم نازك‌روی پلك بالابکشید وبالای پلك را سایه سفید بمالید .

برای مژه های‌که کوتاه وکم هستند مصرف پودر روی مژ هاقبل از استفاده ریمل سبب غلوشدن مژه هامیشود . روی مژهٔ بالا راوبعد پائین ر ریمل بزنید . وقتیکه باراول‌خشك شد باز آنرا تکرار کنید .

برای دور جلوه دادن چشمهای نزدیك بهم، باید موهای اضافی بین دوابروراز بین برد (البته به فاصله نسبتا زیادتر) در موقع آرایش چشم باید خط چشم رابلند کشید و آنرا سایه زنید.

آرایش گونه هایا رخسار :

برای صورت یاروی چارگوش سرخی رااز بالای گونه تاپائین ادامه دهید .

برای صورت گرد، سرخی رابابد از پائین گونه شروع کردوبه طرف بالا برد .

اگر صورت شما درازاست سرخی را باید بالای گونه ازوسط چشم تاانتهای شقیقه بکار برد .

بخش آشپزی

تخم مرغ گذشته ازآنکه حاوی مقداری زیادی مواد مورد لزوم بدن وسرشار از ویتامین ها، مواد معدنی ومفیدی است، پختن آن نیزآسان است ودرمدت کمی میشود آنرا پزید. ازاینرو طریق پختن دونوع املت راکه هم آسان است وهم خوش مزه، برایتان شرح میدهیم و آرزو داریم مقبول واقع گردد .

املیت فرانسوی

مواد لازم :

چهارعدد تخم مرغ، دوقاشق نا ن خـوری شیر، ۳ـ۴ قاشق نان روغن، مرچ ونمك بقدر ضرورت .

طرز تهیه :

تخم هارادرظرفی ریخته بایك قاشق ویك پنجه خـو ب بز نیـد تـا کف کند، شیر، مرچ ونمك رابآن علاوه کرده بازهـم خوب بزنید. روغن رادر ظر فی بـالای آتش بگذارید تاداغ گردد .

مخلوط تخم رابالای آن ریخته بگذارید یك روی آن بندد. بعدروی دیگر ش را گردانیده ومواظب باشید تاتو ته نشده، درست ازظرف برداشته شود. وقتی پخته شد بااحتیاط همراه کفگیری آنرا دردیش کشیده بانارنج بالای میز ببرید .

تخم مرغ بادنجان رومی وپیاز

مواد لازم :

شش عدد تخم مرغ، دوعدد پیاز متوسط ، دوعدد بادنجان رومی بزرگ ، مقداری روغن، نمك ومرچ سیاه وسیر به قدر ضرورت.

طرز تهیه :

پیازهارا پوست گرفته خوب ریزه کنید . روغن رادر ظرف نسبتاهمواری ریخته بگذارید داغ گردد، پیاز هاراروی آن بریزید تاسر خ گردد. بادنجان رومی راحلقه حلقه نموده به‌آن بیافزائید تاآبش خشك گردد. سیررانیز به‌آن علاوه کنید. تخم هاراکه درظرف جداگانه ای به هم زده‌اید درقسمت وسط ظرف بالای روغن بریزید قسمیکه پیاز وبادنجان در اطـراف وتخم دروسط قرار گیرد . نمك ومرچ سیاه‌را بالایش بپاشید وبگذارید بپزد. اگر خواسته باشید مرچ تازه رانیز میتوانید باآن مخلوط کنید .

کمك های اولیه

درمواقع بحرانی چه‌میکنید؟

کمك های اولیه عبارت از مجموعهٔ اقدامات ونگهداری های مجروحین وآسیب دیدگـان درحادثات گوناگون میباشد . این اقدامـات اگر صحیح انجام شود مریض تا رسیـدن به دکتور تلف نگردیده واز درد ورنج وی‌میکاهد، هرفردی بایست کم وبیش درباره کمك های اولیه اطلاعاتی داشته باشد . فرضا روزی‌شما وبرادر کوچکتان یادختر وپسر تان تنـهادر منزل هستید . برادر تان بسیار شوخ است. ناگهان درائر جست وخیز زیاد از زینه بـه پائین میافتد، سرش دیوار میخـورد وازآن خون جاری میشود ویك پایش میشکند . ویا دراثربی احتیاطی خانه میسوزد .

درین موقع شماواز خطا شده‌حیران میمانید چه‌کنید؟ حال اگرشما اطلاعاتی دربارهٔ کمك های اولیه داشته باشید هیچ جای نگـرانی نیست وفورا دست به اقدام میشوید . ازینرو خواستیم تانکات چند درزمینه بازگو نمائیم تادر موقع لزوم آنرا بکار بندید.

۱ـ درین‌چنین مواقع وبروزحوادث ناگهانی مهمتر ازهمه اینست‌که خـودرا نبازیـد و خونسرد باشید تاباسرعت وآرامش دسـت بکار شوید .

۲ـ حادثه راپذیرفته خــود را پریشان نسازید تابتوانید بخوبی اقدام کنید .

بقیه درصفحه ۵۹

اثرات معجزه آفرین آب واستحمام

استحمام وشستشوی بدن در نظافت طراوت وحتی کرکتر انسان تاثیربارز وغیر قابـل انکاری دارد . نظافت بدین معنی‌که در اولین برخورد ونگاه این ظاهر پاکیزه ونظیف‌انسان است‌که انظار رابخود جلب میکند .

ازطرفی جلد دارای مساماتی است بـرای تنفس ودفع مضرات بـدن وعرق بدن کـه شستشوی همیشگی آن باعث جلوگیـری از مسدود شدن مسامات گردیده‌نمیگذارد پوست طراوت وتازگی اش رااز دست دهـد . در صور تیکه اگر شستشو پیهم صورت نگیـرد ویادیر تراز حد معمول انجام شود، گرد وخاك وچرك ازآن مسامات راپوشانده سبب میگردند تاپوست شادابی اش را از دست بدهدوچین وچروك یابد .

گذشته ازین نظافت درکرکتر وشخصیـت انسان نیز اثر میگذارد . شخصی که کمتر به سروضع ومخصوصا نظافتش برسد، کسیکه استحمام وشستشو رادست کم گرفته به آن توجه‌نکندوآنـی که کمتر بـه‌حمام رود وزود بزود خودش رانشوید، نمیتواند شخص قابل احترام باشد .

اگربدن مدتی نشسته باقی بماند، چـرك تولید شده بالای پـوست با عرق‌متر شحهٔ بدن یکجا گردیده متعفن میگردد. این تـعفن گذشته ازآن‌که برای خود شخص مضر است باعث اذیت وآزار اطرافیان نیز میگردد و از وقار شخص میکاهد .

بدن درهوای گرم به شستن زیادتر نیـاز دارد ولی برای حفظ پاکیزگی بدن ونظافـت درهوای سرد، کافی است هفتهٔ دو روزویاحد اقل یکبار حمام کرد .

نکاتیکه درحمام گرفتن باید مراعات‌نمود.

۱ـ هرگز نباید بلافاصله بعداز خـوردن غذابه حمام رفت . حمام بایدیاقبل ازغذاباشد ویادوساعت بعداز خوردن .

۲ـ قبل ازرفتن به حمام باید لوازم آنـرا مهیا کرد تامجبور نگـردید برای بر داشتن شی ای ازحمام بیرون آئید.

۳ـ هرمرتبه حمام گرفتن نباید ازنیم ساعت تا یکساعت بیشتر وقت رادربر گیرد.

۴ـ حمام نباید زیاده ازحد داغ باشد .

۵ـ ازگذاشتن بخاری وآبجوشی برقـی در داخل حمام جدا خود داری کنید.

کشور کمار ویوگیتا بالی درحال‌اجرای مراسم ازدواج

مترجم نریمان

کشور کمار خواننده مشهور هنداز دواج کرد

آیا این اولین ازدواج کشور است؟ آیا یو گیتا با لی می خوا هد بعد ازدواج هم‌در فلم‌بازی شد؟

کشور کمار که چهل وشش بهار زندگی را گذشتانده واز جمله آواز خوان های برجسته وحنجره طلائی سینمای هند به شمار میرود بایو گیتابالی که یکی از ستاره های برجسته سینمای هند و بیست ویک بهارزندگی را سپری نموده بتاریخ ۱۷ اگست رسما با هم از دواج کردند .

اولین ازدواج کشور با « روما» صورت گرفته بود اما به ناکامی انجامید به این معنی که از هم جدا شدند .

بعد از چندی او عاشق مدهوبالا شد و عشق مدهو بالا اورا مجبور ساخت که دین اسلام را قبول کند او مسلمان شد اسلام را قبول کرد ونام خود را قاسم عبدالله گذاشت. بعد ازمرگ مدهوبالا اومدت زیادی بدون همسر باقی ماند . بعد از آن‌او اقدام به ساختن فلم ها یی بنام «دورکا راهی»برهتی کا نام دارهی، نمود . تا اینکه او دریکی از نمایش نامه ها یو گیتابالی را ملاقات نمود . قبل از ملاقات او می خواست فلمی بسازد بنام «جمناکی تیر»وهیروئن فلم ریکها را انتخاب نموده بود .

اما بایك نگاه یك نگاه عاشقانه یو گیتابالی چنین تیری به قلب اش خورد که بجای ریکها یو گیتا با لی را انتخاب کرد . ماه ها گذشت وقصه عشق بازی یو گیتا بالی باکرن کمار وونود مره سر زبان های مردم بود او مدت زیادی انتظار کشید بلی یك انتظار طولانی و طاقت فرسامدت زیادی گذشت روز بروز یو گیتابالی جوان ترومعقبول تراز گذشته هامی شد بعد ازآن کشور به ساختن فلم بنام « شاباش دیدی» به اشتراك میرش امیت اقدام کرد که زیاد تر شوتنگ فلم در خانه خود کشور در گوری گنج صورت گرفته در کنج خلوت و تنهائی ها .

امیت که از یو گیتا بالی یك سال بزرگتر بوده از این از دواج پدرش راضی به نظر نمی رسید اگر اینطور نبود پس او چرا به محفل خوشی پدرش اشتراك نکرد .

ازدواج پسر ومادر یعنی یوگیتابالی وامیت در فلم شا باش دیدی صورت گرفته است .

خبر نگار ها قبل ا ز ازدواج‌کشور بایوگیتا بالی راجع به ازدواج آندو بعضی سوال ها نموده بود که‌کشور در جواب شان گفته بود که این عروسی شدنی است یا امروز یافردا یا پس فردا یا شش ماه بعد ا ما یوگیتا بالی انکار کرده در جواب شان گفته بود که من خیال از دوا ج را باکشور ندارم بخاطر اینکه من در فلم های او بازی کرده ام احترام فوق العاده زیادی به او دارم‌نه‌بخاطر همسر شدن با او اما گفته اوحقیقت نداشت به اصطلاح چلو صاف شان از آب بر آمد و این دو دلداده باهم ازدواج کردند .

ازدواج آنها مطابق به رسم‌ورواج مرتبی صورت گرفت به گفته مادر یو گیتا بالی باید دا ماد همراه باچند تن از رفیق ها و آشنا یان خودسوار بر اسپ یا موتر بخانه عروس بیاید هرا را به سر بندد و بعد از بجا آوردن بعضی مراسم مذهبی عرو س رابخانه خود ببرد ، کشور قبول می کند و رهسپار خانه یو گیتا با لی

بقیه در صفحه ۵۹

کمار ویو گیتا بالی حین اجرای‌مراسم

یوگیتا بالی باکشور کمار

از: فرید دهناد طهماس

فریب

یکی دختر طناز ،
چوآهوی رمیده ، زبرم تندگذر کرد .
اگر راست بگویم ،
ازان تندی رفتار ، مرا شور بسر کرد .
زگرمی نگاهش چه بگویم‌که چسان آب‌شدم؟
سنگ شدم ،
جای بجا ماندم وآخر ،
دلتنگ شدم ،
ودویدم زپیش ،
مثل صیدی که زصیاد گریزد
آنقدر دویدم که شنیدم میگفت :
(مرگ ! ای الهۀ هستی !
بشتاب ! بشتاب !)
همی گفت وهمی رفت ،
که من نعره کشیدم ،
هان ! هان !
چرا مرگ ؟ چرا مرگ ؟
ایستاد بجا :
نگهی کرد بمن داغ چو آتش ،
ولی در نگهش بود غنوده ،
بسی رمز وبسی راز
رمزی‌که یکی ذره‌اش آبستن صد درد
رازی‌که نشان بود زیك مردخیانتگرنامرد.

پاکدلان

مراست تجربه‌ای دوست‌اززمان‌شباب
زدیدن وز شنیدن وخواندنم بکتا ب

خدای پاك بنـا کرده خا نه دل را
که تاکنند در آن جمع علقته‌الا حباب

هرآنکه دردل خودجای داده‌است کینه
نموده خانه دل رابدست خویش خراب

بچشم مردم دیگر اگر رسد دو د ی
ولی شو ر دل پرکین زسوزکینه‌کباب

گرفته روی شود، کینه دل‌بدان‌گو نه
که‌شب گر فته شود گاه چهره مهتاب

عنان دل چوبه چنگال کینه می افتـد
کند هماره پی فتنه و فساد شتـا ب

خدای وصف نموده است کا ظمین‌الغیظه
که تاکنند زدل کینه را برون پرتاب

به‌غیظ وکینه هران کس که مبتـلاباشد
طمـع مکن توازان شخص‌صحت‌اعصاب

چوکینه جای بگیرد به‌دل نشان دارد
گره به‌چهره ویا هرکسی سخن به‌عتاب

زسوز آتش کین خانه هاشده و یران
بهرزمان وبهر جا بود برون زحساب

بدون شك بود همواره‌کینه دل غمگین
چنانکه بررخ زیبا فتد سیاه نقـاب

برای کینه دلان این جهان بود دوزخ
چه‌آنکه هست شب وروزدر شکنج‌عذاب

نشانه ایست از آن‌دل‌که‌هست‌بی‌کینه
تبسم است بلب درسوال ومهم‌بجواب

چودل زکینه بود پاك چهره خندان‌است
بهر کسی که‌شود روبرو شیخ‌وشاب

بچشم پاك دلان این جهان‌بودچوبهشت
زبروبـحر ومه و آفتاب عالمـتا ب

بگفت چند سخن (نقطه) اندرین موضوع
باین امید که‌شاید بود طریق ثو اب

از: علیشاد «ناشاد»

قسم

مرابه چهره ات ای دختر قشنگ قسم
بناز عشوه‌ات ای یارشوخ وشنگ قسم

به کعبه و به کلیسا و معبـد ومسجـد
به هرچه داری عقیده تو ای قشنگ قسم

گهی که ساز غم انگیز را کند آغـاز
به سوز تار رباب وبه صوت چنگ قسم

به بینوائـی عشاق بیقرار و حـز یـن
به اشـك و آه یتیمان سینه‌تنگ قسم

که تا جهان و تولی ومنم ترا خـواهـم
به آبرو به شرافت به نام وننگ قسم

بیا

فکر میکردم که عشق سر چشمه ، رنج ها وبی صبری های طاقت فرسا وفرجام زندگی ها است . امانمی دانم‌که چراقلبم این مفکوره را رد نمود ؟ من عشق راسرچشمه تمام بدبختی هامی دانستم ولی قلبم عشق راسرچشمه تمام خوشبختی ها وسعادت زندگی میداند .

بعداز کشاکش زیاد قلبم مرامغلوب خودکرد ومرا متوجه عشق سوزنده تو ساخت .

ای بهار رخشنده وماه درخشان ! حالا بیا وهمدم تنهایی طاقت فرسای من باش ...

بیالحظه ای کنارم بنشین تاراز کتمان قلبم رابرای توباز گویم ...

بیا تامبارزه خودرا باقلبم برای تو زیبـا حکایت کنم .....

بیا تماشاکن که عشق تودرقلبم چه ها کرد وچه آفتی درزندگی ام برپا نمود ....

بیا از دستم بگیر وازین چاه‌ژرف وعمیق وتاریك حرمان نجاتم ده ....

بیاکه چشمانم محتاج دیدارتوست وتاروپود وجودم ترا میخواهد ....

بیامرا بامهر وعاطفه عاشقانه خود نوازش کن تازوحم رادرحریم خیال انگیز آرزو هـا تماشانمایی وجهش قلبم رادرصحرای افروخته عشقت مشاهده کنی .

بیاکه امواج خروشان آرزوهایـم درانتظـار توست و....

بیاواوجگیر، پرنده تخیلم رادر افق‌لایتناهی زیبایی های خیره کننده ات تماشاکن ، تـا قلبم تسکین شود وازین شعله های افروخته جدایی نجات یابد ...

فیروز دردمل

بمدیریت محترم مجله ژوندون !

ازهمه اولتر خو شی وسلامتی تماماکارکنان این اداره راخواها نیم •

محتر ما - درمجلهٔ ژوندون در صفحـهٔ سرگرمی ها جدول متقاطع راکه مر تـب صفحهٔ شماطرح میکند• در پائین این‌جدول هم نوشته شده که‌حل این جدول را بـه اداره مجله بفرستید وبا ما همیشه همکـار باشید • بسیار خو ب •

این جدول راکه به‌بسیار کوشش‌و زحمت حل کنند ه حل میکند وبه‌ادارهٔ مو صو ف ارسال میدارد فایده حل کنندگان این‌جدول چیست !

وحتی اسم یا فوتوی‌ایشان هم به صحفه مذکور چاپ نمیگردد • که‌سبب دلسردی‌حل کننده می‌گردد•

شما می گوئید که صفحهٔ‌سرگرمی هـا یعنی مانمی توانیم که‌وقت خودرا در مطالعهٔ دیگر چیزی بگذرانیم • آیامانمی تو ا نیم که‌کتا ب های گوناگون رامطالعه‌کنیم•

خواهش بنده این است که شما بایـد زحمت کشی حل کننده رادر نظر گر فتـه یك چیزی به‌قسم جایزه باید برای کسانیکه به حـل جدول صحیح مو فـق گردنـد قرعه‌کشی کنید تاازیك طرف همکاران شما تشویق گردد• واز طرف دیگر فروش‌مجله زیاد تر شود درضمن ازوقتی مرتب صفحه صا لح محمد (کهسار) گر دیده مفحـهٔ سر گـرمی هـا جالـب تر شده است. اگـر شما جا یزه بـه ایـن صفحه قایل شوید اطمینان داریم که‌صفحه مـذکور باتوجه زیادتر جالب وجالب تـر خواهد گردید معـد رت میخواهم چیزی‌راکه شما به‌قسم جایزه انتخاب میکنید شایدیك سیت جراب اسپ نشان ویا چندجوره چپلك پـلا ستیکی خواهد بود• که آنهم چیز ی قیمت ندارد • اماحل کننده آنرا طـو ر بخشش ویا تحفه نصیب می شود کـه آن جایزه باتحفه سبب بسیار خو شی حـل کننده می گردد • وباشما همیشه همکـار می‌باشد •

اگر میخواهید که‌همکاری ماهمیشه دو ام داشته باشد وهمیشه باشما همکار با شیم این خواهش بنده را پـذ یرفته ممنـو ن سازید •

درغیر آن جواب بنده راتحر یربدارید•
فدامحمد (بابری) از مکرو ریان

از: کاترین منسفیلد
ترجمهٔ «رز»

پردهٔ خیال

«کاترین منسفیلد»در سال۱۸۸۸ درنیو زیلند به‌جهان آمد. در سال ۱۹۰۸، هنگامی که بیست سال داشت، گذارش به لندن افتاد . در لندن با «جان مید لتون‌موری» آشنا شد ودر سال ۱۹۱۳، یعنی‌یک سال پیش از جنگ جهانی اول‌با اوازدواج کرد. کار های ادبی‌اوهمه داستا نهای کوتاه است، به اضافهٔ یاد داشتهایی که دردو جلد منتشر شده است. در داستا نهایش‌بیشتر برفضا اتکاء دارد تابر طرح .وی درسال ۱۹۲۳ در گذشت .

به نظر ناممکن میرسید که‌کسی درچنین روز قشنگی اندو هناك باشد. به‌نظر «ایدنا»آمدکه هیچکسی اندو هناك نیست، بغیر از خود ش ارسیهای خانه هاباز بود. از درون اتاق هاآواز پیانو به گو ش میر سید. دستهای کو چکی دنبال هم میدویدند وپیانو تمرین میکردند درختها، دربا غهای پراز آفتاب، باشکوفه هایشان میدر خشیدند. بچه های‌کوچه‌اشپلاق میزدند.سگ کوچکی عوعو میکرد. رهگذ ران آهسته وبانر مش گام برمیداشتند وچنان معلوم میشد که میخوا هند ناگهان به‌دوش بپردازند. حالاء در فاصله یی، چتری شفتالو یی رنگی رامیشد دید. نخستین چتری آفتابی امسال بود.

شاید حتی«ایدنا»آنقدر که احساس میکرد، اندو هگین نبود .خیلی دشوار است که آدم در هژده‌سالگی درکمال زیبایی، بالب ورخسارو چشمهای درخشان صحتمند غم‌آلوده به‌نظر آید. بالاتر از همه، وقتی که آدم پیراهن آبی فرا نسوی وکلاه تازهٔ بهاری خودش. راکه با گلها ی قشنگ شقایق آرایش یافته‌است، پوشیده باشد. درست است که «ایدنا»زیر بغلش کتابی راکه پوش چرمی سیاه داشت ،حمل میکرد. شاید همین کتاب ظاهر تیره یی داشت. ولی این کار تصادفی بود، زیرا «ایدنا» رفتن به‌کتابخانه رابهانه قرار داده بود تااز خانه براید وفکر کندکه حالا دیگر چه کار باید کرد.

چیز وحشتناکی اتفاق افتاده‌بود. به‌طور ناگهانی .شب گذشته، در تیاتر هنگامی که‌کنار «جیمی»نشسته بود، بدون هیچگونه مقدمه یی، همینکه شیرینی بادا مداری راخورد وقطی آن‌رابه دست جیمی داد، احساس کرد که عاشق یکی از بازیگران شده است. ولی عاشق...

چنین احساسی ،پیش از ین هرگز درخیالش هم نگنجیده بود. ازهمه چیز گذشته، احسا س خوشا یندی هم نبود. هیجانی هم نداشت، مگر اینکه بشود ترسناك ترین احساس ناتوانی ،بیچارگی، نومیدی، اضطراب وافسون زد گی راهیجان نامید. اطمینان داشت که اگر این بازیگراورا در پیاده‌روببیند بایك اشاره، بایك تکان سر،وی‌را تاآخرین کرانه های جهان دنبال میکرد. بدون آنکه لحظه یی هم به جیمی، به پدر ومادرش، به منزل‌پر ازشاد مانی ودوستان بیشمار شن فکر کند .

نمایش نسبته با خوشی آغاز شده بود.این وقتی‌بود که‌اوشیرینی بادامدار میخورد. بعد، قهر مان نمایشنامه کور شده بود. لحظهٔ وحشتناکی بود.«ایدنا» گریسته‌بود. آنقدر گریسته بودکه ناگزیر شده بود دستمال جیب قات شده «جیمی» رابگیرد. گریستن مهم نبود.درهمهٔ قطارها مردم‌میگریستند. حتی‌مردان باآواز های بلند در دستمالها یشان بینی فین میکردند وبه جای‌تماشای صحنه، کاغذ های حاوی بر نامهٔ نمایش رامینگر یستند .«جیمی» که درین فکر بود که بدون دستمال‌او «ایدنا»، چه‌کارمیکرد باترحم‌دست‌وی‌را فشرد وبا لحن نجوا مانندی گفت:

ـعزیزم، خوشحال باش!

درهمین وقت ،برای اینکه «جیمی» راخرسند بسازد شیر ینی دیگری گرفت وقطی رادو باره به «جیمی» داد. بعد، آن لحظهٔ تر سناك فرا رسیده بود که قهر مان به تنها یی دراتاقی پراز سایه روشن دیده‌میشد گروهی در بیرون ساز مینوا ختند وصداهای شادمانه از خیا بان به گوش‌میرسید. بازیگر نابینا باوضع دردناك وترحم انگیزی کوشیده بود تاکور مال کور مال راهش رابه سوی ارسی پیدا کند. کنار ارسی، درحا لیکه پرده رامحکم گر فته‌بود، ایستاد .

درین حال ،یك رشتهٔ نور، تنها یك رشتهٔ نور، بر سیمای نابینایش میتابید وآواز گر وه نوازند گان آرام آرام محو میشد.

درهمین لحظه بود. واقعا ومطلقا درهمین لحظه بودکه «ایدنا»دریافت زندگی نمیتواند اینطور باشد. دستش رااز پشت به‌جلو خمیده «جیمی»دور کرد وسرقطی شیر ینی بادامدار را برای همیشه بست. سر انجام عشق راشناخته بود .

«ایدنا» و«جیمی» نامزد بودند. یك سال میشد که نامزدی شان اعلام شده بود واو ازیك ونیم سال به اینسو موهایش رابه شکل بلند تیار میکرد .

آندو زمانی دریافته بودند که با هم‌ازدواج خواهندکردکه بادایه های شان‌به باغ عمومی میرفتند، روی سبزه هامی نشستند وبسکوت و شیرینی میخوردند .

ازدواج در نظر شان چنان مساله قبول شده‌یی بودکه«ایدنا» درسراسر دوران مکتب حلقهٔ‌قشنگی ،شبیه حلقهٔ نامزدی ،به دست داشت تاکنون خیلی بهمدگر عزیز بودند.

ولی حالا دیگر همه چیز به‌پایان رسیده بود همه چیز چنان کاملا‌به پایان رسیده بودکه«ایدنا» به سختی میتوانست باور کند که «جیمی» به این نکته یی نبرده است .

هنگامی که داخل باغ‌شد وراهی راکه بسوی «هل استریت» میرفت، درپیش گرفت، عاقلانه وعضه ناك لبخند میزد، چه خوب شد که‌حقیقت راحالا دریافته است تا اینکه بعداز عروسی درمییافت! حالا امکان‌داشت که «جیمی» اندوه این واقعه را فرا- موش کند. نی، نباید خودش‌رافریب دهد ،«جیمی »هرگز این اندوه ر ا فراموش نخواهد کرد. زندگی او در هم شکسته وبرباد رفته است. این حادثه اجتناب ناپذیر است. ولی‌او جوان است ...زمان، مردم میگویند که‌زمان اندکی ،فقط اندکی، تغییربه بار میاورد. چهل سال بعد،هنگامی که جیمی به‌مرد سالخورده یی‌مبدل شود، شاید بتواند با آرامش‌درباره اوفکر کند شاید! واماخودش چه؟ آینده برای اوچه ارمغانی خوا هد داشت؟

«ایدنا»به پایان راه رسید ه بود . درآنجا ،زیر درختی پر از بر گهای تازه که خوشه های شگوفه های سپید ازآن آویزان بود، روی چوکی سبز رنگی نشست وبه کرد های گل باغ چشم دوخت .در نزد یکتر ین کرد گلهای ظریفی روییده بود. یك کنار آن‌پراز بنفشه های صد فکون بود وکنار دیگر گلهای قیماقی‌رنگی به‌چشم میخورد که‌بر گهای سبزش به‌کرد گلها حلقه زده بود. کبوتران باغ درهوا پرواز میکردند و«اید نا» آواز خواهر «اگنس »را می‌شنید که آواز خوانی تعلیم میداد. را هبه‌با آواز عمیقش میخواند :

ـ آه ،من ....

وشاگردان به دنبالش می خواندند!

ـ آه، من...

البته اگر با جیمی ازدواج نکند باهیچکسی نخواهد کرد. ولی در مورد مردی که عاشقش بود، آن بازیگر معروف چه؟ «ایدنا» آنقدراز عقل سلیم برخوردار بودکه بدا ند این‌کار هرگز امکان ندارد. خیلی عجیب بود. وحتی نمیخواست که این کار امکان داشته باشد. عشقش بزرگتر ازینها بود. این عشق‌رابا‌ید باخاموشی تحمل میکرد. این عشق بایست رنجش بد هد فکر کرد که این عشق ،عشقیست که باید همینطور باشد .

به‌نظرش آمد که «جیمی» فر یاد میزند:

ـولی «ایدنا» ...تو هرگز نمیتوانی تغییر کنی؟ من نمیتوانم امید وار باشم؟

چه تلخ است که جواب بدهد!اما باید جواب بدهد وبگوید!

ـنی «جیمی» ،من هر گز تغییر نخواهم کرد!

سر ش‌راخم کرد، گل کو چکی بردامنش افتاد .آوازخواهر «اگنس» ناگهانی شنیده شد :

ـاوه، نی...

وانعکاس‌آن‌به گوش رسید :

ـاوه، نی...

درین لحظه ،آینده در نظر شن نمایان گشت. اوهمه چیز را دید. شگفتی‌زده‌بود. درآغاز نفسش بند آمد. ولی بالا خر چه چیز می توانست بیشتر طبیعی باشد؟ اوبه

دیری خواهد رفت. پدر ومادر شس بیهوده به‌هر کاری دست خواهندزد که‌وی راازین تصمیم باز دارند.ودر مورد«جیمی» حالت اورا نیش به سختی میتواند این حادثه را تحمل کند. آخر چرا نمیفهمند؟ جهان سنگدل است !به نحو وحشتنا کی سنگدل است!

پس ازآخرین‌صحنه ،که‌جواهرات وچیزهای دیگرش رابه نزدیکتر ین دوستانش بدهد، به‌دیر میرود. او چه‌آرام به‌نظر خواهدآمد ودوستانش چه‌دلشکسته خواهند بود! نی، صبر کنید. آخرین شب، قبل اررفتن به دیرآخرین شب نمایشس خوا هد بود. درین شب، بازیگر معروف از دست يك پیام آور نا شناس بسته یی‌دریافت میکند. بسته پر ازگلهای سپید است .

ولی درمیان گلهانه نامی وجود دارد ونی کارتی .هیچ چیز نباشد؟ نی، درزیر گلها ،آخرین عکس ایدنا که‌در دستمال سپیدی پیچیده‌شده است، خواهد بود. بااین کلمه ها!

«جهان فراموش شدنی، از طرف جهان فراموش شده.»

«ایدنا» زیر درخت خاموش نشسته بود. کتاب سیاهرنگ رادر میان انگشتهایشس میفشرد انگار کتاب دعایش باشد .بعدنام«خواهرانجیلا » راخواهد گرفت. گژ...گژ مو های قشنگشس کوتاه خواهد شد آیا به‌او اجازه خواهند داد که‌طره اش را به «جیمی»بفرستد؟ این کارتا اندازه‌یی ناروا خواهد بود .وخواهر انجیلا باجامهٔ دراز آبی ودستمال سرسپید ازدیر به‌نماز خانه خواهد رفت واز نماز خانه به‌دیر.درینحال درنگاهش در چشمهای غم آلو دش ،ودر لبخند ملایمش ،که با آن کود کانی را که سویشس میدوند، استقبال خوا هد کرد چیزی آسمانی وجود خوا هد داشت. يك زن‌مقدس! وقتی‌ازدهلیز هایی که‌بوی موم میدهد، بگذرد،این کلمه هازمزمه خواهد شد.

يك زن مقدس! وکسانی که به نماز خانه بیایند، در باره راهبه‌یی که‌آوازش بلند تر ازآواز د یگر ان است، درباره جوانی او، در باره زیبایی او، درباره عشق غم انگیز، بسیار غم‌انگیز او، چیز ها خواهند شنید .وخواهند شنید .

—درین شهر مردی وجود داردکه زندگیشس برباد رفته !

يك زنبور بزرگ طلا یی و پشمالود میان گلی خزید. گل‌ظریف خمید وشروع کرد به‌تکان خوردن. هنگامی که زنبور پرید ودور شد، گل همچنان در هوا میجنبید. انگار که‌بخندد. چه گل‌با نشاط وبی پروایی!

خواهر انجیلا به گل نگر یست وگفت:

—حالا زمستان است.

شبی که‌درحجره سردش‌خوابیده است، فریادی می شنود. جا نور سر گردانی دربیرون ،در باغچه است. گربه‌یی، بره‌یی یا حیوان دیگری. راهبهٔ بیخواب بر میخیزد. لباسشس همه سپید است. میلرزد، ولی نمیترسد، میرود وحیوا نك رابه درون میاورد. فردا صبح‌هنگامی

بقیه در صفحه ۵۸

بدون شرح

عتیقه فروشی

فروشنده یك مغازه عتیقه‌فروشی درباره یك تفنگ قدیمی برای‌مشتری توضیحاتی می‌داد .

— این تفنگ جالبترین عتیقه‌این موزه است ونمودار ظرافت هنر واولین سازندگان تفنگ است.قدیما برای آتش کردن این‌تفنگ‌چخماق رادر جای مخصوص آن تفنگ جا می دادند ،آنوقت مقداری باروت را برمیداشتند وهمراه بایك ساچمه درلوله تفنگ می‌گذاشتند ، ویك تکه‌پارچه هم روی آن قرار میدادند. وقتی این کار تمام می شد . آن ، وقت یك میله بلندرا داخل لوله می چسباندند وذریعه سیخ بین آن را خوب فشار میدادند تا باروت ، و پارچه های‌ساچمه خوب محکم‌شود بعدمیله را نزدیك میکردند وتفنگ رابرای‌آتش کردن‌آماده میساختند . مشتری پرسید .

خوب آنوقت تفنگ را بصداکردند آماده می‌کردند !

فروشنده گفت :

— نه، تامی آمدند این کار هارا بکنند ،جنگ تمام می‌شد .

انگشتری زرین

توانگر واعظمی خوش طبع راانگشتری زرین دادکه نگین‌نداشت والتماس نمود که مرا برسر منبر دعاکن .

واعظ اورا براین وجه دعا کرد که‌بارخدایا اورا در دنیا قصری ده که سقف نداشته باشد ، بعداً آنکه‌ازمنبر پایان شد ،توانگر پیش‌رفت و مصافحه نمود و گفت : ای‌مخدوم این چه نوع دعابود که در حق من کردی ؟گفت : اگرانگشتری تونگین میداشت ، قصر تو نیز سقف میداشت .

مادر. دختر تاحال هرچه کردی گذشت حالا که پارچه ناکامی تو را برایم آوردن من می دانم وتو ؟!

عزیزم ! احتیاط کن که تمام خانه را با دست های خود شسته ام ورنه بوت های تو آنرا کثیف می سازد

مشوره باشاو !

یك‌روز نویسنده جوان نزد برنارد شاو نویسنده انگلیسی رفت وگفت :

آقای شاو ،شغل من نویسندگی وقصد ازدواج دارم ، به عقیده شما این کار را بکنم یانه ؟

برنارد شاو ریشش راخاراند ، و گفت : به‌نظر من، نه جوان‌پرسید، چرا آقای شاو ، مگرشما هم زن گرفتن را احماقت میدانید !

شاو جواب داد ،زن گرفتن حماقت نیست ،امازنی که آنقدر احمق باشد که حاضرشود همسری ترا قبول‌کند لایق زناشویی نیست .

داوطلب زندان

شخصی را به‌جرم دزدی به‌محاکمه بردند ،رئیس محاکمه اورا به سه ماه زندان محکوم کرد .وقتی او را ازاطاق محاکمه می خواستند بیرون برند، از رئیس پرسید .

— قربان ،در زندان غذا برایم میدهند ؟

رئیس محاکمه گفت :

— البته ، نمی گذارند که گرسنه بمانی !

گفت :

بسیارخوب ،پس بنوسید سه سال .

شاگرد! معلم صاحب در درس گذشته بروی نقشه امریکا را به این قسمت نقشه نشان دادید اما حا لا به پائین نقشه نشان میدهید پس کدام آنرا قبول کنیم ! !

فایده‌سکوت!

درسر خوان کودکی باو جودی‌که به‌اوگفته بودند درسر غذا نبا ید حرف نزند ناگهان شروع‌به‌صحبت کرد وفریاد زد .

پدرجان !.... پدر جا ن! ..

پدرش بی آنکه جواب بد هد گفت :

ساکت باش ،سردستر خوا ن، نباید حرف زد !

دودقیقه نگذشته بود، دو با ره‌طفل به‌فریاد بلند گفت :

پدرجان !.. پدر جان ! ...

باز پدر ش با حالت عصبا نی گفت :

خاموش‌باشی ، مگر نگفتم کـه‌سرخوان نشسته ای ساکت باش...

بچه دیگر خا موش شد ،وتا آخرغذا صحبتی نکرد .بعد از جمع‌شدن دستر خوان پدرش ازاوپرسید .

خوب ،چه کارداشتی ؟حـا لا حرفت رابزن !

کودك گفت :

– حالا دیگر حرف تمام شـده زیرا آنوقت درآن اطاق رو برو یك نفر رادیدم که شمعی روشن کرده بود وتمام الاثیه روبروی اطاق ر ! جمع کرده و به جوا ل اندا خت،و رفت .

نقاش کیك ساز

مهما نان‌خوانده

خا نمی ـکه از دسـت مهما ن ناخوانده سخت دچار تکلیف شده بود، برای فهماندن مهما ن پلا ن خوبی طرح کرد . یکروز که اورا دم دروازه مشایعت میکرد ، گفت .

– دوست عزیز ،دفعه بعد کـه مارا مفتخر می کنید،باهم تلویزیون تماشاخواهم کرد .

مهمان ناخوانده ،که‌به خودوعده غذای لذیذی دیگر را می دادگفت ، بسیار خوش وقتم ، اماتلو یزیو ن شمارا کی خواهد آورد .

–پنج شش ماه بعد آقای‌عزیز .

بدون شرح

مغز نویسنده

مارك توین نویسنده شهیرجها ن‌مدتی مدیر یك‌روز نامه بود یك‌روز جوانی نزد اوآمد ومقاله ای داد وچندروزبعد که‌برای گرفتن جـواب مراجعه کرد ازنویسنده شوخ طبع پرسید، بعقیده شما برای‌یك نفـر نویسنده خوردن ماهی لازم است.

بلی، چون ماهی فاسفور ، دا ردفاسفوربرای تقویت مغز خیلی مؤثر است .

بنظر شما منهم ماهی بخورم.

شما بااین مقاله که نوشته ایـدباید یك نهنگ نوش جان کنید .

بدون شرح

روان شناسی

معاشرت باعث رابطه صمیمیانه میگردد

چون قسمت اعظم زندگی مادر معاشرت با دیگران میگذرد بنابرین برای حفظ صیانت نفس و سعادت لازم است روابط دوستانه بادیگران داشته باشیم .

ما احتیاج به محبت داریم ، ما طالب مصاحبت با دیگران هستیم ، ما بدوست احتیاج داریم بالاخره نیاز مند معاشرت با همکاران بطور صمیمانه می باشیم .

همچنین ما نیاز مندیم که عشق بورزیم و مصاحب خوبی داشته باشیم .

خلاصه این امورباید جنبهٔمتقابل داشته باشد زیرا دوستی یکطرفه شده نمی تواند و اگر هم میشود خیلی زود گذر و موقتی خواهدبود این نکته را در مورد عشق و محبت باید در نظر داشت‌که از این‌عاطفه ودوستی نباید سوء استفاده‌کرد .

ما عشق را ازآن جهت‌میخواهیم که سعادت برای ما می آورد و یك نوع شعف درونی برای ما ایجاد میکند که بما احساس‌ارزش‌شخصی میدهد وبدنبال‌این‌احساس مهربانی را بوجود می آورد و بالاخره‌موجب آن میشود که بادیگر دوست شویم و دوستی دیگران‌را بپذیریم.

خواب راحت ضامن زیبایی و تندرستی شماست

چند نکته قابل توجه

اگر شما از آن دسته اشخاص هستید که باوجود رعایت همه نکات مربوط بدرست خوابیدن بازشب تاصبح ستارگان آسمان‌را می شمارید، هرگز بدون اجازه دکتور متخصص قرص‌های خواب آور نخورید زیرا زیان‌های بعدی این قرص ها از منافع موقتی آنها خیلی بیشتر است : توجه داشته باشید این مهم نیست که شما شب چند ساعت می‌خوابید ، مهم‌اینست که هر شب در یك ساعت معین بخوابید و صبح نیز در ساعت معینی از خواب بر خیزید . چون همانطوریکه نا منظم بودن پروگرام غذایی باعث اختلال و ناراحتی در معده می گردد ، نا مرتب بودن ساعات خواب نیز بروی اعصاب، عضلات عوارض نا مطلوبی بوجود می آورد و به شادابی و طراوت پوست لطمه میزند . بعضی‌ها معتقد ند که یك ساعت خواب‌قبل از نیمهٔ شب بهتر از دو ساعت خواب بعد از نیمه شب است .

به این ترتیب بهتر است در پروگرام خوابتان دقت نمائید ونگذارید که سگنگی در این مورد رونما گردد .

بزرگان گفته اند!

ـ هر روز برای اشخاص عاقل حیات نوینی است .

« هوراس شاعررومی»

ـ خداوند ممکن است از گناهان‌ما بگذرد اما سلسلهٔ اعصاب‌ووجدان هرگز از سر ما دست بر نمی دارد. « ویلیام جمیز »

ـ سعادتمندان کسی است که امروز را روز خود بداند وبا فراغ خاطر بگوید ، ای فردا هر چه ازدستت بر می آید کوتاهی مکن زیرا امروز را بخوبی گذرانده‌ام . (. . . .)

ـ ساختمان یك انسان از لحاظفکر و روح بسیار عجیب و قابل تأمل است . گاه بسان یك پلنگ خونخوار و درنده میشود وگاه نیز مانند کبوتری آرام و بی آزارمیگردد .

« ویکتور هوگو»

ـ انسان برای احراز فضائل واجراء عدالت بوجود آمده است وهمانگونه که هستی از خواص انسان است ، همانگونه عدالت خاص نوع بشر می باشد . «نتیکه »

اندیشه‌های جوانان

جوانان عزیز ووطن پرست !

بیائید تادرسطور تاریخ از خودنام نیك بیاد گار گذاریم و آن چنان که نیاکان ما در راه وطن د و ستی جان خودرا فداکرده ووطن خود را ازعلم و فضل آن طورآراسته بودندکه مهد تمدن بود ، در راهی مترقی گردانیدن میهن عزیز خود، از خودبگذریم و شا هد پیروزی را د ر آغوش کشیم و باشد که فقر وبد بختی و همه انواع پسمانی‌های که نصیب ما شده به پیش روی وتکامل مبدل گردیده و اجتماع ما بیك اجتماع سالم و متکا مل سوق‌داده شود .

عبدالحی اعتصام

• • •

هر گا هیکه باخود فکر می‌کنم. ویا به کلمه جوان بر خورد می‌کنم. در ذهنم سوالی می‌گردد که جوان کیست ؟ و چه صفتی دارد ؟

جوان شخصی را گویند که‌مصدرخدمت بمردم و کشور خود شده و در راه پیشر فت و اعتلای کشورخو د عرقریزی نموده وشب وروز خودرا بکار و فعالیت گذراند . وهیچگاه در پی مود های بی جاه نرفته واز تقلید کور کو رانه‌خود داری نموده واز بیکاری وتنبلی گریز نموده همیشه در فکر تحصیل وفن باشد ، و در راه خد مت بمردم و کشور خود از صدا قت وراستی کار گرفته از خیا نت فرا نما ید .

بلی : اینست صفت جوان که‌بسباری از جوانان بادرك وبااحساس که‌د پی کسب این صفت،شب وروز عرق ریزی می نما یند .

محمد همایون آصفی فارغ‌التحصیل‌لیسه میر بچه خان

• • •

همزمان باروی کار آمدن دو لت‌جمهوری در و طن عزیز پیشر فت های قابل ملاحظهٔ درسا حات‌مختلف رونما گردیده و روز بروز دا منه این فعالیتها گسترش می یابد .البته برای بهدف ر سیدن‌به‌بعضی مشکلات و موانع بر می خوریم امادر مقابل همکاری و سعی عمل همه جانبه مردم موانع از هم‌شکسته‌وراه ترقی و رسیدن به حرما نهای ملی هموار می‌گردد .

اینك جوانان در مقابل‌مسئو لیت‌بس بزرگی قرار گرفته اند وبرآنها لازم است تا دست بدست همد یگرداده و به اتحاد نظر وجد جهد بی پایان و خستگی نا پذیر ملت رابه سر منزل مقصود ر سا نند تا باشد وظیفه و جدانی و ایمانی خودرا در مقابل خدا و ملت خود انجام داده باشند .

فر ستنده : « مشتاق حسین‌اسلم زاده » از بانك لشکر گاه

محبت و سلیقه

اکنون‌که تصمیم دارید بمناسبت‌روز های عید برای عزیزان‌ودستان نزدیك هدایای در خور ا مکا نا ت‌مادی خویش تهیه کنید و با این یاد آوری بمو قع بار دیگر آ نها رااز محبت و علاقه خود تان آ گاه سازید ، چه بهتر که این ا برازمحبت ، همراه باتوجه و سلیقه و احساسات ظریف باشد ... ز یرا تنها پول دادن و هدیه خر ید ن کافی نیست ... ا نتخاب ا ین‌هد یه بصورتی که مطابق میل و ذوق‌گیر نده‌باشد خودهنربزرگیست‌که نمایندگی ازذوق، سلیقه‌وابتکار شما می‌نماید . و شما را در نزددوستان عزیز و محترم‌می‌نمایاند .

تربیت کودک

هر مادر و پدری که بچه های متعدد دارند بعنوان درد دل بشما میگویند :

ـ شما نمی توانید دو بچه نشان د هید که از لحاظ خلق و طبیعت شبیه هم باشند . اگر فلان ر و ش تربیتی در مورد یك کودك موفقیت آمیز باشد ، حتماً در موردآن‌دیگری باشکست رو برو میشود . با بعضی از بچه ها ز بان‌خوش موثر است و با محبت و مهربانی‌وملایمت چنان رام میشوند که هر نصیحتی را می پذیرند و هر قراروقانونی‌را رعایت میکنند .بر عکس ،د سته دیگری از نر مش و ملایمت سوء استفاده میکنند . لوس می شو ند وبنای نافر مانی وخود سری می ـ گذارند و با اینگو نه بچه ها جز توسل به خشونت و زور چاره‌ای نیست ...

مابدون اینکه بخواهیم این نظررا از پایه بکو بیم و بکلی آنراردکنیم اضافه میکنیم‌که باوجوداین‌اختلافات طبایع ، در تعلیم و تر بیت‌اصولی وجو د دارند که در تماس با هر کودکی باید آ نها را رعایت کرد و پایمال نمودن این اصول جز روبرو شدن باعدم مو فقیت وایجا د دشواری ها و موانع نتیجه دیگری ندارد .

برخی از این اصول را برای‌شما شرح مید هیم :

شما که جو یای تو فیق‌وسعادت فرزند تان هستید ، بهتر است او را بخاطر خود تان وبخاطرلذتها وشادیهای که برایتان تولید میکنند دوست نداشته با شید ، بلکه فرزندان تان را بخاطر او و برای وجود او دوست بدارید و سعادت شخص وی را بر خوشی و شادی خود تان تر جیح بد هید .

هر گز او را فریب نـد هید . درست است که باید با او جد ی باشید ،اما در عین حال بچه با ید اطمینان داشته باشد که می‌تواند هر مشکلی را باشما درمیان‌بگذارد وسوال او هر چه باشد بدو ن اینکه مورد تمسخر و استهزا قرار گیرد از طرف شما پاسخی مثبت خواهد گر فت .

از آوان کودکی او رابامسئولیت آشنا سازید و تشویق کنید تاتنها وخود بخود گلیمش را ازآب بیرون بکشد و در کاری که مسئول است بدون اتکاء بدیگران عمل کند ...

وبالاخره یادتان باشد که اصل بر این نیست که بچه هارا با روش های تر بیتی خودتان تطبیق‌دهید ، بلکه روش هارا باتربیت بچه ها جور کنید .

شخصیت زن در آئینه مطبوعات کشور

تهیه وترتیب از: د،ر

نوشته داکترشریفه فر زان

تکامل صنایع دستی ورول زنان

مادر صنایع غول آسای امـــروز همانا صنایع و هنر اصیل دستـــی دیروز و نیروی پرتوان زحمت کش امروز است .

ماکه نام ازدیروز بردیم این‌نیست که هنر دستی نابود شده و ماهیت خود را از دست داده است بلکـــه اصیلانه راه رشد خود را در پیش داشته ودر پهلوی صنایع ماشینـــی امروز منحیث بهترین هنر و ظیفـــه خود را در راه تکامل پدیده های بشر انجام داده است ، هنری که از سینهٔ اجتماع از مغز و بازوی اکثریت نیرو های مؤلد برخاسته وبخدمت اجتماع میباشد .

بصوزت مثال صنایع استهلاکـــی صنایع نساجی حاصل تکا مل یافته های دستی زنان ـحمت کش دیروز و مهمترین تکه های نخی، ابریشمـــی وامثال آن حاصل زحمت ودسترنج هنر مندان صنایع دستی امـــروزی است .

پس صاحبان صنایع دستی واهل حرفه نه تنها صنایع عظیم امروزی جهان را بنیاد نهادند بلکه هنـــر صنایع دستی‌رابسط وتوسعه وتکامل بخشیده منحیث نیرو های مؤلـــد بهترین محرك رو بجلو تکامل هنری بشر بوده اند . مغز اندیشمنـــد و انگشتان پربرکت که دیروز مـــاکو وماشین دستی را انکشاف میداد و صنایع اجتماعی جهان را به و جود میاورد امروز هنر ظریف و صنایع عظیم ماشینی را تکامل می بخشـــد وباین تکا مل خود متکاملترومتشکلتر شده بشریت را استقامت و یـــاری میبخشد .

می بینیم صنایع اصیل دستی و حاصل رنج زنان در سرنوشت‌کشور واقتصاد اجتماع چه نقش داشته و دارد .

در کشور عزیز ما زنان زحمتکش تولید فراوان از قبیل کرباس ، تکه های ابریشمی ، قالین، گلیم، خامك دوزی بو جود می آورند .

هدف از این همه رنج ها درگوشه های ترك شده رفع نیاز مندی مردم کشور و تا مین اسعار بخاطر اقتصاد نسبتا سالمتر وطن است .

بد بختانه در گذشته از نگاه‌تکامل بهتر صنایع دستی و حمایهٔ صحت و عدل انسانی بصاحبان هنر واهـــل حرفه هیچنوع توجه بعمل نیا مده بود و اسعار بدست آمده برخلاف بنیاد یك اقتصاد سالم اجتماعـــی مصرف میشد .

ما امید واریم مردم ما ممدومشوق نیرو و توان و قدرت و خلاقیـــت واستعداد زنان گردیده از صحـــت وسلامت هنر مندان و صنایع دستی شان در راه تکامل عالیتر این‌صنعت وهنر عظیم گامهای عملی بر داشته وبجهت کار و رفاه همگانی طبـــق خواست انسان عصر ما طرح های عملی بریزند .

ما میتوانیم با حمایت از این هنر عظیم و تکا مل آن رقم تو لیدات خود را بلند تر ببریم ، ما میتوانیم بـــا افزایش این تولیدات بسویهٔ جهانی بازار هایی برای فروش این تو لیدات پیدا کنیم و در نهایت هنر مندان خوب ما با اینهمه استعداد و نیرو میتوانند وظیفه عظیم و تاریخی خود را در بنیاد گذاری یك اقتصاد سالم اجتماعی بجهت صنایع ثقیله وزراعت ماشینی ادا نمایند .

پس نقش صنایع دستی میتواندرر اقتصاد ووضع اجتماعی و زندگـــی مردم ما و ارتقای کشور عزیز ودر شنا سایی هنر ارزشمند افغانـــی بجهانیان مؤثر واقع گردد ودر خور توجه باشد باید باطرح های عملـــی درین راه گام های مثبت بر داشته شود .

صنایع اصیل دستی و حا صل رنج زنان در سر نوشت کشو ر و اقتصاد ملی نقش باارزش ومهمی دارد

نوشته معصو مه (رو نده)

بتوای مادر

جلوه واقعی تابلوی زندگی را در چشمه سار زلال مادران می تـــوان مشاهده کرد ما در ارمغانیکه‌طبیعتش لطیف تر از گلبر گهای بهـــاری موجودیتش روشن‌تراز حقیقت‌هستی و آغو شش گرمتر از بستر زندگی است بلی ! مادر چه نام مقدســـس است . کاش من می توانستم جلوهٔ حقیقی شخصیت سترگ تـــرا در تابلوی حقیقت زندگی نمایش میدادم. کاش قدرت آنرا داشتم تاعکس نگاه پرعطوفتت را که به فرزندت‌می‌افگنی روشنتر ازشعاع آفتاب منعکـــس میساختم کاش جملات و کلماتی پیدا میشد تا نام پر تقدس ترا وشخصیت پرمعنی ترا با آن می ستودم .

ای کاش موجودیت جا ودانـــی وابد می داشتی تا این عمر کوتـــاه خودم را در پای تو بفرجام‌میرسانیدم کاش ترتیب زندگی چنان کارگذاشته میشد که من میتوانستم تا پایـــان زندگی ات در کنارت می بودم مادرتو زیبایی ، تو فرشته آرایی، هستی که به فر زندت عطوفت وانسانیت رامی آموزی تو بفر زندت یاد میدهی که در مقابل حوادث زندگی رزمنـــده وتوفنده باشد . تو بانیروی شگرف عواطف تو انستی فرزندت را چنان بار بیاوری که بتواند روزی نام نامی ترازنده و جاودان نگاه دارند.اندیشه عمیق تو بود که روح فرز ندت را از چشمه ساران زلال عفت و راستی سیر آب ساخته است .

مادر ! به درد هایت سوگند یاد میکنم و به نام پر جلال وافتـــخارات قسم میخورم که تا زنده ام عواطـــف انسانی ای را که از تو فراگرفته ام مشعل راه زندگی ام خواهم ساخت وهر و قتی که در بیراهه میان‌تاریکی ها و حوادث زندگی را هم راگم کنم توسط این روشنی را دو باره تعقیب خواهم کرد .

مادر ! مو جودیت تووسایرمادران بود که دنیای یخ بسته گذشته را به جهانی شگوفان امروز تبدیل‌نموده است .

امروزه نسل جوان ازمادر نشان خود شناسی فرا گرفته اند و درپرتو این شناخت طبیعت انسانی حـــالا ما می توانیم در مسیر حیات و در کوره راه زندگی بدون وسواس بـــه پیش برویم و ما هرگز از مسیراصلی زندگی پرت نخواهیم شد همانگونه که دوست خوب و رفیق صمیمی و مادر دلسوزی هستی لا اقل کوشش میکنیم تا ما نیز در آینده مادرباعاطفه وفدا کاری باشیم که فرزندان‌شجاعی را به جامعهٔ خود تقدیم کنیم .

مادر ! یك عمر شرافت کلیـــــه مادران بود که فر زندان نامی ببـــار آوردند واین فر زندان توجه کارهای شگفتی نبود که نکردند .

فرزندانت بودند که مسیرزندگی وفلسفه حیات را تغیر دادند ایـــن فرزندان تو بودند که بهمت و پشت کاری که تو در عمق روح آنها خلـــق

نیاز به‌فرزندان‌وطنپرست

ملت هایی که بسوی تجدیدحیات ملی قدم های وسیعی بر میدارندبیش از همه نیاز دارند تا ملت خود را چنانچه آرزوست تربیه کنند .

ملت یك نیروی عظیم است این نیرو اگر در طریق نفع و خیر خود قدم بر میدارد زود تر میتواند به هدف های ملی‌واصل‌شود وازمزایای زندگی بهتر و رسیدن بمدارج اعتلا وسر بلندی بهره مند گردد .

ملت هایی که در صحنه تنازع البقا نتوانسته اند با موفقیت ها رو برو شوند به مرور زمان طریق انحطاط واعملال را پیموده اند . موفقیت یك ملت در و صول به ارمان ها و آرزو ها با تربیه ملت ار تباط استوار و محکم دارد .

دریغ اگر ملتی د راین راه مرتکب اشتباه شود و راهی پیش گیرد که منتها الیه آن ناکامی ویاس وحرمان خواهد بود یك ملت دا رای رشد مدنی وسیاسی به هیچ صورت نمی تواند تحمل کند که این حس شریف در نهاد افراد ضعیف شود و جای آنراحس‌جلب منفعت‌ودفع‌مضرت شخصی بگیرد. ملت افغانستان که بابنیاد نهادن نظام جمهوری بیك جهش فوق العاده بسوی هدف های ملی توفیق یافته اکنون در آستا نه یك زندگی نو قرار دارد. زندگی ایکه ضامن پیشرفت واعتلا وموفقیت های روز افزون ملت افغان باشد .

چنانچه وصول به آرمان نظام جمهوری در پرتو وطن پرستی‌رئیس وطنپرست دو لت ما میسر گردید تکامل وانکشاف این نظام و بهره برداری لازم از مزایای این نظام‌بازهم مستلزم جد وجهد وفداکاری و جان نثاری در پرتو حس وطنپرستی اولاد این سر زمین است . آری ما بایداین حس شریف را همانطوریکه ازپدران خود به میراث گرفته ایم زنده نگهداریم و آنرا به اولاد آیندهٔ وطن منتقل سازیم .

نام‌افغان مرادف با وطن پر ستی ذکر میشود زیرافردفرد این‌خاك در طول‌تاریخ پرطنطنه‌خود دادوطنپرستی داده اند و کسانیکه باکشور ما وخصوصیات ملی ما آشنایی دارند بمجردیکه نام افغان را می شنو ند فورا وطنپرستی به حیث یکی از صفات برازنده افغان ها در برا بر شان قرار میگیرد .

وطنپرستی را باتربیه میتوان حفظ کرد و پرورش داد . فا میل یکی از کانون های تربیه است باید این کانون را یك مرکز تربیه فر زندان مهذب بیدار وصاحب احساسات‌عالی وطنپرستی ساخت .

درفامیل زن بحیث شخص مسئول در همه امور خصوصا فراهم شدن شرایط تربیه ایدالی او لاد و طن‌نقش تعیین کننده دارد از اینجاست که در این فرصتیکه وطن در آستان یك حیات جدید پا گذاشته است همه کس در همه جا و در تحت هر گونه شرایطی باید معاون‌همدیگر دروصول به آرزو هایی باشد که کشور ما از دیری آنرا در دل پرورانیده . زنان وطن که همیشه چون مردان‌علمبردار احساسات ملی وطن پرستی بوده‌اند در این دوره باید بیش از پیش‌به‌این وظیفه دشوار خود منهمك شوند و فامیل ها را کانون تربیه ملی‌گردانند تا فر زندان صالح وطن بار آیند و بتوانند باخدمت بوطن و جایب خود رابجا آورند .

این است وظیفه بزرگی که زن امروز وطن مثل همیشه در پیش‌دارد واینست نقش بزرگی که فا میل میتواند در تربیه ملی عهده دار شود.

کرده بودی زنجیر های خشن اسارت وکنیزی را شکستند و با اراده که از چشمه ساران و اراده تو آب خورده است . امروز با تمام موانع زندگی مبارزه میکنند و پیروز از آن بدر آمده اند . و بخاطر این خصلت‌عظیم است که نسل امروز را فرزندان اجتناب ناپذیر زمان نام می گذارند.

مادر ! فر زندان نام آور تو درراه میهن جان سپاریدند و به یقین این ایثار و فدا کاری رابجز تو که می توانست در نهاد شان پرورش دهد .

مادر ! ای مادر ای رفیق درد ها ورنجهایم ! ای یار جاو دانی اندیشه های جوانی ام ! – ای بزرگترین یادگار کودکی ام . ای کسیکه مرابخون دلت پرورده ای ! اکنون و جود من آگنده از ذرات وجود تست و من‌ترا در و جود خودم همیشه احساس کرده ام . من نیمی از خودم ونیمی از تو هستم . پس اگر دست تقدیر ترا از من دور میسازد لا اقل میتوانم با نیمی که از تو بیاد گار دارم دل‌خوش نمایم و به آن نیم بتوانم سر نوشت دنیا را عوض بکنم. سر نوشت دنیا را بسوی شگوفائی و روشنائی . بسوی بهار و زیبائی بسوی‌کاروعمل وبسوی پیشتازی وقهرمانی وبالاخره بسوی افق نافر جام زندگی به پیش برانم .

انکشاف صنایع دستی

موقعیت جغرافیایی کشور ما چنانست که : در نقطه اتصال‌آسیای شرقی و غربی افتاده است . عظمت ومقام تاریخی افغانستان‌علاوه برآنکه در انکشاف فرهنگ و تمدن دنیای باستانی اثری وسیع داشته است نیاکان ما از قدیم ، آثار پر اجی از خود بیاد گار گذاشته اند .

بیك مفهوم خاص استعمال میشود .

بصورت عموم در افغانستان صنایع حرفوی و صنایع دستی وجود دارد در جمله صنایع حرفوی‌صنایعی چون چرمگری ، قالین بافی ، گلیم ونمد ، وابریشم کاری وامثال‌آنست که‌درکشور ما سا بقه طولانی داشته وبصورت‌عنعنه راه انکشاف راپیموده

پارچه های ظریف سوزن دوزی که‌شهرت بین المللی کسب نموده محصول سر انگشتان همین د ختران وزنان است .

تاریخ صنایع دستی کشور ما شاهد است . در دورانی که مراودات جهانی ازطریق (راه ابریشم)صورت میگرفت در مار کیتهای شرق‌دور ، آسیا و اروپا وبخصوص روم ویونان تقاضا برای اشیای انتیك خیلی زیاد بود اروپایی های آنوقت محصول‌فکر ودست شانرا در بازار های مذکور عرضه می نمودند .

صنایع دستی که رشتهٔ عمده اقتصاد ملی است در آن اجناس وخدمات توسط تولید کنندگان خورد ومتوسط بصورت مستقل صورت میگیرد و ادارهٔ تصدی در دست‌کسی که در استعمال وسایل تولیدآشنایی دارد می باشد ، در لسانهای مختلف جهان صنایع دستی ، اصطلاحات خاصی را دارا است اما از نظرکلمات مرکب از (صنعت) و(دست) بوده است .

وهمچنان صنایع سفالی، کاشی سازی ، و تولید وترمیم و سایل منزل چون موبل سازی‌نجاری وبافت سامان و آلات بریائی وغیره شامل آن صنایع دستی است که نمایانگر مهارتهای مرد مان مادر دوره های مختلف بوده است درجمله صنایع دستی بزرگ صنایع‌تعمیرات وآهنگری ، بسته کاری و امثال آن را نیز میتوان یاد کرد .

درساحه صنایع دستی و حر فوی زن و مرد در شهر و روستا دو ش بدوش هم کار میکنند تو لیدات‌نفیس سوزن دوزی زنان افغان که محصول سر انگشتان هنر آفرین آنهاست شهرت جهانی دارد .

صنایع دستی در محصول کل اجتماعی افغانستان سهم مهمی دارد،

بقیه در صفحه ۵۸

گلهای آرزو

بمناسبت سال زن

مادر توئی که درس وفا میدهی بما — درس وفا و صدق وصفا میدهی بما
وز نور خویش نور وضیا میدهی بما — آئینه ی بهشت نما میدهی بما
نفس امید و آرزوی ما تویی ، تویی — جان تلاش و جستجوی ما تویی ، تویی
مادر چو آفتاب تویی در جهان ما — روشن بود زمهر تو نام و نشان ما
حالا غبار یأس بمویت نشسته نیست — دروازه امید بروی تو بسته نیست
اکنون زمان سعی وتلاش است وجستجو — فرحت فزاست جلوه ی گلها ی آرزو

صنایع دستی

از یکطرف ایجاد عاید در داخل کشور صورت گرفته واز جانب دیگر در صنایع دستی و حرفوی صرف نیروی کار انسانی بیشتر بوده و کمتر سرمایه بکار دارد بنا بران این سکتور در بلند بردن سطح اشتغال در کشور هم رول زیادی دارد . صنایع دستی همیشه بحیث مراکز تربیوی اهل فن بوده است در کشور ما مانند بسیاری ممالك رو به انکشاف که تربیه پرسونل فنی وعاملین اقتصادی درخور اهمیت است در کار گاه های حرفوی ودستی از یکطرف شاگردان به افزار و وسایط کار آشنایی پیدا می کنند واز جانب دیگر محل کار بحیث (مکتب) در رشد تربیت وشخصیت شاگرد می افزاید طوریکه از تجارب دول صنعتی ، صنعتگران وکار گران صنعتی کوچك و حرفوی با مصرف ناچیز کار گران ماهر ومتخصصین خوبی شده می توانند.

صنایع دستی و حرفوی خانگی روستایی و شهری افغانستان نیازمند انکشاف و حمایت می باشند چو ن صنایع مذکور نمی توانند در برابر تولیدات کتلوی ماشینی ا زدررقابت بر آیند. باید تا هنگام نضج کافی از گزند رقابتی حمایت و تشویق گردد هرگاه صنعتگران مابه نورم وستندرد محصولات شان توجه نمایند ودو لت کریدت های سهل بدسترس این کار گا ها بگذارد تا بازار یابی رابیش از پیش توسعه بدهد در آنوقت اسعار قابل ملاحظه بدست می آیدکه در تنظیم بیلانس تادیات کشور می افزاید ، اکنون که مطابق مشی دولت جمهوری اداره صنایع دستی تاسیس گردیده امید واریم با رهنمایی های تخنیکی ، اقتصادی و مالی باشترا ك مساعی صنعتگران صنایع دستی در کشور تقویه یابد وانکشاف نماید . زیرا دو لت تشویق و تقویه صنایع دستی را در پروگرام کار های اساسی خود قرار داده و به همین دلیل هم اداره‌ای برای تنظیم بهتر امورآن کار میکند که یقین است هنر های ارزنده صنایع دستی ما که کم کم رو به فراموشی میرفت یکبار دیگر کیفیت خود را باز یابد در بازار های جهان به قیمت مناسب عرضه گردیده مدرك شایسته ای برای جلب اسعار باشد.

در کشور ما صنایع دستی امروز تقویت می پذیرد و باید بپذیرد زیرا این پیشه آثار نفیسی بار می آورد که در دنیای ما ارزش دارد وامروز عدهٔ از مردم ما چه مرد وچه زن را مشغول می دارد و زندگانی شان را تا مین میکند .

پردهٔ خیال

که‌زنگ عبادت‌نواخته میشود،راهبه به‌سختی تب درد... در حال‌هذیان است ...وهرگز بهبود نمییابد .

همه چیز درسه روز به پا یان میرسد. مراسم در نماز خانه برپا میشود واورا درگوشه یی از گورستانی که‌خاص راهبه هاست، به خاك می سپارند .

درینجا صلیبها ساده چو بی بالای قبرها زده شده است، خواهر انجیلا روحت آرام باد !...

حالا شب است. دوانسان سال خورده که بهمدگر تکیه کرده اند، نزدیك قبر میایند زانو میز نندوآه میکشند:

ـدخترما، یگانه دختر ما!

بعد، مرد دیگری میآید. این مرد سراپا سیاه پوشیده است. آهسته گام برمیدارد. ولی، وقتی به نزدیك قبر میرسد وکلاه سیاهش را بر میدارد، ایدنا می بیند که موهایش مثل برف سپید است. جیمی!خیلی دیر شده ،خیلی دیر شده! اشك‌از دیدگان مرد سرازیرمیشود. اوگریه میکند. دیر شده، خیلی دیر شده! باد درختهای بی‌برگ صحن کلیسا راتکان میدهد. مرد به تلخی نا له میکند .

کتاب سیاه ایدنا با آواز خشکی برزا هرو باغ افتاد. به شدت بر خاست. قلبش به تندی می تپید. عزیزم !نی، دیر نشده است. این یك‌اشتباه بود. یك خواب ترسناك! آه،آن موهای سپید! چطور میشود این‌کار راکرد؟ نی،او این کاررا نه کرده است! آه، خداوند! چه سروری ؟!او آزاد است، جوان‌است وکسی هم راز دلش را نمیدا ند. همه چیز هنوز برای اوو جیمی‌ممکن است. خانه یی‌که درنظر دارند بسازند، ساخته خواهد شد. پسر باشکوه کوچکی که با دستهایی‌به عقب گره کرده اش ایستاده است‌و آندو راکه مشغول نشا ندن نهالی هستند، تماشا میکند ،به جهان خواهد آمد. وخواهر کوچك او...

وقتی ایدنا به‌این دختر کوچك رسید، بازوانش راباز کرد .

انگار موجود کوچك از هوا به سوی اوپرواز میکرد. درین حال‌به باغ، به ذرات سپید بالای‌درختها، به آن‌کبوتران قشنگ که روبه روی‌هم قرار داشتند ،خیره شد. حالا سر انجام، برای نخستین‌بار درزندگیش میفهمید که عاشق شدن چیست. بیشس ازین هرگز‌تصور این‌احساس راهم نکرده بود. عاشق ...شدن!

پایان

عید قربان

تماشاچیان مورد تشویق قرار میگیرد و چین یاتحفة دیگری باواهداء میشود .

البته اطفال نیزبی‌کار نمی مانند وآنها هم به بازیهای محلی خود میپردازند وروزرا با شوق وشعف معصومانه خود بشام میرسانند.

عیدی برای نامزدها :

این هم یکی‌از مراسمی است که باعث ویرانی هزار هاخانه شده است وبیشتر رواج آن مرهون ومربوط به سیالداری وهمچشمی است وبهین سبب است که دولت نیز در برانداختن این رسم خانمان برانداز، سعی وتلاشی دارد .

سابقا این رسم عمومیت داشت ولی اکنون تاحد زیادی کاهش یافته است وبجاست که ازطرف روشنفکران ماهنوز هم کوشش شود تابیشتر کاهش یابد وبالاخره بکلی از میان برود .

پیروان این رسم یك روزقبل ازعید ، گوسفندی مطابق ذوق وسلیقه خانواده دختری که نامزد ازدواج شده است، خریداری نموده، پارچه نفیسی به‌گردن آن می بندند وبخانهٔ پدردختر‌می‌برند، همراه بااین گوسفند هدیه‌ای ازقبیل انگشتری یانوعی دیگر اززیور ها و مقداری شیرینی که درخوانچه گذاشته میشود هم میبرند وپدریامادر دختر مکلفند که انعام وجایزه ای به آورنده گوسفند وخوانچه بدهند ونعوذبالله ازآن ساعتی‌که درخوانچه شیرینی کم باشد یاگوسفند لاغر باشد، زیرا طعنه‌ها بوسیلهٔ پیغام برای خانواده داماد فرستاده میشودکه مارا به دست کم زدید، مارا تحقیر کردید، خوب بودکه اصلا چیزی نمیفرستادید وخوبترآنکه دختر خودرابه پسر شمانمیدادیم. وپیداست که حاصل ونتجه پرتوقعی چه خواهد بود ؟

در بارهٔ دیگرمراسم عید مانند حنا بستن ولباس نوپوشیدن وروبوسی‌ودستبوسی ورسم دیگری که اخیرا معمول شده یعنی دروازه خانه رااز‌بیرون قفل کردن وخود درخانه پنهان شدن ودیگرمراسم پسندیده یاناپسند، قبلا مطالبی درمقابله مربوط به عید فطر در همین مجله آمده است وبهتر است که این مقاله به همین جاختم شود باآرزوی شادمانی و خرمی همه خوانندگان وباعرض تبریك وتهنیت .

(عبدالبصیر سعید)

در روزهای عید اطفال‌خورد سال باخوشی وشادمانی به بازی های کودکانه می پردازند

در مواقع بحرانی

۳- به سرعت تصمیم گرفته آسانترین و کوتاهترین راه رابرای جلوگیری از پیشرفت حادثه انتخاب کنید. بخصوص در جلوگیری ازخونسردی ورفع شوك اقدام فوری وآنــی نمائید .

٤- بیمار را گرم نگاهداشته کمترحرکتش دهید.

٥- ازکشیدن لباس مریض (مگردرصورتیکه بهعلل خاص ایجاب کند) خود داری نمائید زیرا لباس ، حادثه دیده یامصدوم راگــرم نگهــداشته واز بروز شوك در وی جلوگیری میکند.

٦- بیمار واطرافیانش را مطمین سا ختــه وحتی المقدور حادثه را بی اهمیت و کوچك جلوه دهید.

٧- ازجمع شدن اشخاص در اطراف بیماید جلوگیری جدی به عمل آورده سعی کند هوای صاف وتازه بهاو برسد.

٨- وسیله انتقال بیمار را نزد دا کتــر یاشفاخانه هر چه زودتر فراهــم ساخته ، درصور تیکه موضو ع مهم و قابل تو جــه است ازقبیل قتل حادثات ترافیکی ترافیکــی وجنایی وامثال آن موضوع رابه مقامات‌مسؤل وپلیس اطلاع‌دهید.

کنسرت ستاره

آب‌وهوا سفر میکنم وتوانسته ام‌در این دوروزیکه در کابل بوده ام به بعضی ازگو شه های کابل ومردمان مهمان نواز وصمیمی اش‌که در باره آنها مطالبی خوانده بودم به چشم سر بینم وآشنا شوم.

وی می افزاید :من‌به موسیقــی شرقی خصو صا مو سیقی افغا نی علاقه زیاد دارم وکستی از نغمه‌های رباب ،ستار، تبله وسا رنگ راــ توسط تیپی درپاریس شنیده ام.

اما امید وارم روزی بتوانـــم از نزدیك باموسیقی دانهای افغا نی‌هم صحبت شده ونوا ختن کدام آلـــه موسیقی افغا نی رافرا گیرم.

او علاوه میکند مو سیقی شمــا مانند منظره های کشور قشنگ‌تان خیلی زیبا ست، من کیفیت موسیقی افغانی را درك کرده بودم.

ـباز هم میخواهید به افغانستان بیایند؟

خندیده جواب میدهد: البته البته امید وارم درآینده نزدیکی بتوا نــم بازهم به افغانستان بیایم ودیــدار مفصلی به عمل آورم.

می پرسم آیا بادانشمندان‌بزرگ آریانا زمین مانند ابو نصر فارا بی ابو علی سینا بلخی‌وغیره که درباره موسیقی رساله های دارند آشنای دارید وآیا نوشته های آنـــان را خوانده اید یا چطور؟

لحظه ای به‌فکر فرو میرود ومی گوید، اسم آنان رالطفاً تکرار کنید

ابونصر فا را بی ، ابو علی‌سینای بلخی‌و...

ـحرفم‌را بریده می‌گوید. با نام های شان‌آشنایی‌ندارم شایدنو شته هایشان رادرباره مو سیقی خوا نده باشم زیرا من رساله های زیا دی‌را ازمو سیقدا نان بزرگ مطا لعــه نموده ام.

در اخیر می‌پرسم‌فردا افغانستان رابه مقصد کدام‌کشور ترك‌میگویید؟

جواب میدهد: هندبعدازان ایرا ن اردن وتر کیه ،که مدت سه هفته‌را بنابد عوت مراکز هنری شا ن‌سپری نموده وکنسرت های در رادیو وــ تلویز یون شا ن اجرا می نمایـــم بعد ازآن دوباره به فرانسه بر مــی گردم.

دو صد سالگی

با آنهم طرقی برای طویل کرد ن عمر مو جود است که هیچ ار تباطی بادوا ندارد، وشکل‌اساسی طریــق زندگی یك نفراست که‌به آن صحت وطول عمر ش مر بوط است.

ا زهر پیر مرد محترمی‌که پرسیده شود او با یقین خواهد گفت که‌بدون کار هرگز نمیتوانست چنین طو یــل عمر کند . وقتی‌که و جود بیکارباشد تما ماً اعمالش از قبیل دوران خون، تنفس و میتابولیزم ضعیف میشوند، اعضای غیر فعال مثلا عضلات‌ضعیف وخشك میشوند ، ازاین سبب کار بدنی یك ضرورت حتمی برای‌پیران است .

مشکل طول عمر تنها بیو لوژیکی نیست بلکه به و ضعیت اجتماعی هم ربط میگیرد مسایل صحت اجتما عی وساحهٔ وسیع ضد اپیدمیك در اتحاد شوروی بتناسب سال های قبــل احصا ئیه مر گ را دو سوم کــم ساخته و ضایعات اطفال را به یــك بیستم پائین آورده است .

وقتیکه از پرو فیسر کولو سوف سوال‌شد که چرامردم مسن‌بایدغذای کم و آنرا هم بسیار بدقت بخورنــد جواب دادمردمی‌که سنین چهل‌وپنجاه واضافه دارند عمل او کسیده‌وتولید حجرات بسیار آهسته میشود . یك شخص مسن به کا لوری کمتـــر ضرورت‌داردحر کات بدنی‌ومتابولزمش آهسته تراست مردم اضافه تر از ٤٠ باید ده فیصد کالوری کمتر در غذای روزمرهٔ خود بگیرند واشخاص اضافه تر از پنجاه ، ده فیصد دیگر از کالوری را که روزانه میگیرندکمتر کنند ، مردم مسن اکثراً از کمبــود پروتین متاثر میشوند و باید غــذای شان روزانه ۷۰ تا۹۰ گرام پروتین را حاوی باشد غذای بسیار با ارزش برایشان‌قیماق‌وپنیر خانگی میباشد این غذا ها است که حاوی امینوآسید میباشد که بی اندازه برای وجــود مفید است .

کشور کمار ازدواج کرد

میشود و کسیکه هرا را به ســر او می بندد محمود است بلی‌همان‌محمود کمیدین سینمای هند بعد از آن این دو برای گذاشتاندن ماه عسل کــه خیلی کوتاه بود نظر به دعوت‌محمود به‌بنگلور رفتندوبتاریخ ۲۱ اگست دوباره به بمبئی آمدند کشور برای ثبت ریکارد ها رفت ویو گیتا بالی برای شوتنگ فلم دهوپ‌چهاول .

بعد از گذشتاندن چند روز این عروس و داماد عازم گوری گنج‌شدند جای که پسر کشور امیت زند گی می کند .

یوگیتابالی بعد از ازدوجا هم می خواهد که‌در فلم هابازی کندر فعلا خیا لی کناره کشی را از دنیــای فلم ندارد . به گفته بعضی هــا کشور یك شخص‌کنجوس است‌لباس یوگیتابالی‌که‌د. مو قع عروسی‌به‌تن داشت از خود او بوده و هیچ کدام لباس برای عروسی از طرف کشور برای یوگیتابالی نیاورده است .

این گپ خالی از دلچسپی بــرای خوانندگان مجله ژوندون نخواهد بود که خانم اول کشور یعنی روما درفلم بیراگ که‌هیروی‌آن‌دلیپ کماراست نمایش آن در هند جریان دارد و خوانندگان می تواند که خانم کشور را در فلم بیراگ ببیند رو ما در ین فلم دریك جای رول خانم دلیپ ودر جای دیگر رول مادر دلیپ را بازی کرده است.

کشور کمار برای دومین‌بار عروسی‌کرد وعروس تازه اش یوگیتا بالی می‌باشد.

فال حافظ

درهر روزاز هفته که میخواهید فال بگیرید‌به‌تصویر بالا توجه نموده یک‌حرف از حروف نام خودرا انتخاب کنید وآنرا از دایرهٔ‌بزرگ‌پیدا نمایید .(فرق نمی کند که حرف اول باشد یادوم باشد یامثلا پنجم) درزیر همان‌حرف‌مثلثی قرار دارد که دارای خانه های سفیدو سیاه میباشد ودر داخل‌خانه‌های سفید آن‌سه‌عدد ثبت شده است ازآن سه عدد هر کدام راکه دلخواه شماست انتخاب کنید وانگاه‌به‌همان شماره در زیر نام همان روزاز هفته مراجعه کنید وجواب خودرا اززبان حافظ‌شیرین سخن دریافت نمایید.

مثلا روز یکشنبه‌حرف چهارم نام‌خودراکه‌میم است انتخاب واز جمله سه عددی که‌در زیرقوس مربوطه به این حرف دیده می‌شودبیت «۷» را اختیار نموده اید. باید به بیت هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحهٔ مقابل‌مراجعه کنید وبخوانید لسان اللغیب بشما چه می گوید !

انگولا

کشوریست درافریقای جنوبی بالای بحراعظم اتلانتیك که باکشورهای‌کانگو، زمبیاورودیشیا قرار دارد شهر های بزرگ آن لوبیتا، لیزبوا موسایدیس، لوسوو‌ملانج میباشد . تقسیمات اداری این کشور به ۱۵ ولایت قسمت یافته است . زبان رسمی انگولا پرتگالی وواحد پولی آن اسیودوی پرتگالی است‌که معادل به ۱۰۰سنتاوس میشود. جمعیت انگولارااویمبودو بمبوندو، باکونگو، وچکو، واجانك هاواروپایی مخصوصا پرتگالی تشکیل میدهد در حدوده۳۵ فیصد آنهارا عیسوی مذهب، ٦٥ فیصدمتباقی راسایر ادیان دربرگرفته است . در انگولا۹۲ درصد اهالی را افریقایی سیاهپوست تشکیل داده‌که بزراعت اشتغال دارند . عایدات ملی این کشور سالانه فی نفر به ۱۷۵ دالر بالغ میشود .

انگولا کشور زراعتی بوده و ٦٥ در صد عایدات ملی این مملکت رامهیا میسازد که بهترین زمین زراعتی این‌کشور بد ست پرتگالیها بود وسیاهپوستان این کشور را بزور وشکنجه بکار میگما شتند . انگولا از رهگذر تولیدات زراعتی غنی بوده در میان ملل افریقایی پیش قدم است . مهمتر ین اقلام‌زراعتی این کشور درمقام‌اول‌قهوه، ناریال پنبه، پنبه دانه وسپس چارمغز، جواری، برنج تمباکو، گندم، فاسولیا، نیشکر، میناك، کاکو، رابرومیوجات لیمویی محسوب میشود .

معادن این کشور بسرعت انکشاف یافته مخصوصا پرتگالی هادردوره استعماری خویش مساعی بیشتری رادر این راه بکار برده‌است وازآن عایدات سرشاری بدست آورده جیب های خود رامملو ساختندمخصوصا دراستخراج آهن، منگان، نفت والماس مساعی زیادي را بخرج دادند. تولیدات صناعتی این کشو ر دوش بدوش‌معادن پیش رفته قوه آبی، صنایع شکر سازی ، روغن سا زی ، سمنت کاغذ ونساجی از بهترین صنایع این کشور میباشد. درامور ترانسپورت ، حمل و نقل میتوان یادآور شدکه انگولا دارای ۹۱۱۰کیلو مترسرك بوده درترانسپورت فضایی سالانه ۹۰ هزار مسافر، ۲هزار تن اموال را نقل میدهد. صادرات انگولا راقهوه ، الماس، جواری وآهن تشکیل داد . ودرساحه واردات موتر، مواد خام والکول از مهمترین اقلام‌آن‌بشمار میرود که مهمترین پارتنر تجارتی آن پرتگال اضلاع متحده امریکا وهالند میباشند بالمقابل واردات این کشور ازپرتگال ، آلمان غرب، اضلاع متحده امریکا وبریتانیایی کبیر صورت میگیرد .

اسم‌ولایت های «کوازو» و«کونانگو» از دریا های گرفته شده است که سرحدات شرقی وغربی این کشور راتشکیل میدهند که یکی ازبهترین وبزرگترین ایالات انگولا بشما ر میرود ودارای بیش از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت بوده‌که بارتفاع ۹۰۰ـ۱۵۰۰ متردر سطح بحر قرار گرفته است‌گرچه‌درکوبانگواقوام‌مختلفه‌ای حیات بسر میبرند ولی بسیار کم ازهم تمیز میشوند بیشتر اهالی این منطقه رادویمبوندو هاوبمبوندو هاتشکیل میدهند که اکثر در قسمت های شمال مسکن گزین اند. تقریبا نیمه اهالی این مناطق درساحه مثلثی بین دریاهای کوتاتو، کوبانگو وکویبی حیات‌بسر میبرند .

پایتخت این ولایت ویلاسیرپا یاد شده ازاسم اولین مهاجریکه دراین سر زمین وارد شده بود اخذ گردیده است پایتخت مذکور ناحیه‌ای کوچکی میباشد که درچند سال اخیر انکشاف نموده است و حاوی چند عمارات بزرگ نشیمن ودفاتر دولتی میباشد که یك تعداد اروپایی هابه بزرگی این شهرافزوده‌اند وحتی درجاده های عمومی آنجا میتوان درختان بلند ساوانایی رامشاهده کرد ولی متاسفا نه دراثر نفوذ استعمار گران یك سرك ویاجاده آن اسفلت نگردیده بلکه بحالت اولیه خویش قرار گرفته است . حرکت موترها حالت دلخراشی رادر جاده های این شهر تو لید میکند صرف روز یکمراتبه طیاره در میدان هوایی آنجا نشسته ومسافرین را باقیمت گزافی حمل ونقل میکند دریك فاصله کوتاهی ازشهر خرابه های تاریخی دیده میشود که تایك اندازه قدامت این شهر را نسبت بسایر شهرهای این کشور روشن میسازد بصورت عموم تمام ولایت رافقر وناداری فرا گرفته درنواحی آن آثاری ازمعادن ومواد معدنی دیده نمیشود همچنین ازرهگذر زراعت عقب مانده بامقدار کمی آب زمین های خودرا آبیاری واز محصولات محدودیکه بدست می آورند امرار حیات میکنند .

«باقیدارد»

معالجه مریضان

پادردی، وسردردی توصیه شود . غسل مذکور باید از پا راست شروع شود .

غسل ران ها :

این غسل برای رفع پا دردی ، سر دردی احساس خستگی هاوغیره توصیه میگردد غسل مذکور به امتداد غسل پا هاوزانوان صورت میگیرد .

غسل روی :

این غسل برای رفع سردردی، بی خوابی ودندان دردی وخستگی دماغی خیلی مفیداست، مریض های‌نویرالجی ازین غسل استفاده زیاد ترنمایند بعضا دندان دردی ذریعه این غسل تداوی میگردد. این غسل برای شفافیت و قشنگی پوست روی خیلی مفید میباشد .

درغسل مذکور بعداز شستن روی طرف راست روی زیرآب گرفته شود وبعدا طرف چپ روی تحت جریان آب داده شود تااینکه احساس خستگی شود بعدا به غسل مذکور خاتمه داده شود .

اطلا عات وکلتور

رئیس تحریر: محمد ابراهیم‌عباسی

مدیر مسؤل نجیب رحیق

معاون :پیغله راحله راسخ

مهتمم: علی محمد عثمان زاده

تیلفون دفتر رئیس‌تحریر۲٦۹٤٥

تیلفون منزل‌ر ئیس تحریر۲۲۹٥۹

تیلفون دفتر مدیر مسوول ۲٦۸٤۹

تیلفون ارتباطی معاون ۱۰

تیلفون منزل معاون ٤۰۷٦۰

سو چبورد ۲٦۸٥۱

مدیریت توزیع ٥۹

آدرس: انصا ری وا ټ

وجه اشتراك:

درداخل کشور ٥۰۰ افغانی

فال حافظ

شنبه

۱ـ درد از یارست و درمان نیز هم
دل فدای او شدو جان نیز هم
۲ـ مابی غمان مست دل ازدست داده‌ایم
همراز عشق و همنفس جام باده ایم
۳ـ بر ما بسی کمان ملامت کشیده‌اند
تاکار خود زابروی جانان کشاده ایم
۴ـ ای گل تو دوش داغ صبوحی کشیده
ما آن شقا یقیم کـه باداغ زاده ایم
۵ـ عمر یست تابراه غمت رو نهاده ایم
روی و ریای خلق بیکسو نهاده ایم
۶ـ طاق و رواق مدرسه وقال وقیل علم
در راه جام و ساقی مهرو نهاده ایم
۷ـ همچون بدان دونرگس جادوسپرده‌ایم
همدل بدان دوسنبل هندو نهاده ایم

یکشنبه

۱ـ مـا زیاران چشم یا ری داشتیم
خود غلط بود آ نچه ما پندا شتیم
۲ـ خیز تاخرقهٔ صوفی بخرابات بریم
شطح و طامات بیا زار خرا فات بریم
۳ـ صوفی بیاکه‌خرقهٔ سالوس بر کشیم
وین نقش زرق راخط بطلان بسر کشیم
۴ـ عشرت‌کنیم‌ورنه به‌حسرت‌کشندمان
روزکـه جان به جـهانی دگـر کشیم
۵ـ ماشبی دست برآریم ودعائی بکنیم
غم هجرا ن ترا چـاره زجائی بـکنیم
۶ـ دل بیمار شد از دست رفیقان مددی
تا طبیبش بسر آریم و دوائی بـکنیم
۷ـ بیرون‌جهیم سرخوش وازبزم‌صوفیان
غارت کنیم باده و شاهـد ببر کشیم

دوشنبه

۱ـ گلبرگ رازسنبل مشکین نقاب‌کن
یعنی‌که رخ بپوش جهانی خراب کن
۲ـ ایام‌گل چو عمر برفتن شتاب کرد
ساقی بدور بادهٔ گلگون شتاب کـن
۳ـ بوی بنفشه بشنو وزلف نگار گیر
بنگر برنگ لالـه و عـزم شراب کن
۴ـ حافظ وصال می‌طـلبد از ره دعا
یارب دعای خسته د لان مستجاب کن
۵ـ ای‌نورچشم‌من سخنی هست‌گوش‌کن
چون ساغرت پرست بنوشان ونوش‌کن
۶ـ پیران سخن زتجربه گویند گفتمت
هان ای‌پسر که‌پیر شوی پند گوش‌کن
۷ـ بزلف گوی‌که آ ئین دلبری بگزار
به غمزه گوی که‌قلب ستمگری بشکن

سه شنبه

۱ـ مزرع سبز فلك دیدم و داس مه‌نو
یادم از کشتهٔ خویش آمدو هنگام درو
۲ـ گلبن عیش میدمد ساقی گلعزار کو
باد بهار می‌وزد بـادهٔ خوشگوار کـو
۳ـ ای پیك راستان خبر یار ما بگو
احوال‌گل به بلبـل دستان سرا بگو
۴ـ ما محرمان خلوت انسیم غم مخور
با یـا ر آ شنا سخن آ شنا بگو
۵ـ زلف‌دردست صباگوش بفرمان‌رقیب
این چنین باهمه در ساختهٔ یعنی چـه
۶ـ ای که باسلسلهٔ زلف دراز آمده
فرصتت بادکـه دیوانه نـوا ز آمده
۷ـ دوش رفتم بدر میکده خواب آلوده
خرقه تردامن و سجاده شراب آلوده

چهارشنبه

۱ـ ازمن جدا مشو که‌توام نور دیده
آرام جا ن و مـو نس قـلب رمیده
۲ـ زاهد پشیمان‌راذوق‌باده خواهدگشت
عاقلا مکن کا ری کـاورد پشیما نی
۳ـ شمشادکارمشتاقان درآن‌ابروی‌دلبندست
خدارا یك نفس بنشین‌گره بگشاازپیشانی
۴ـ می‌خواه‌وگل‌افشان‌کن ازدهرچه‌میجوئی
این‌گفت سحرگه‌گل بلبل توچه‌میگوئی
۵ـ شمشادخرامان‌کن وآهنگ‌گلستان‌کن
تا سرو بیا مـوزد از قد تو دلجوئی
۶ـ دائم‌گل این بستان شاداب نمی‌ماند
دریاب ضعیفان را در وقت توانایی
۷ـ صلاح‌ازماچه‌میجوئی که‌مستان‌راصلاگفتیم
بدور نرگس مستت سلامت رادعاگفتیم

پنجشنبه

۱ـ تادل هرزه‌گرد من‌رفت به‌چین‌زلف‌او
زان سفر دراز خود عزم وطن نمی‌کند
۲ـ مشکلی دارم‌زدانشمند مجلس‌بازپرس
توبه فرمایان چراخود توبه‌کمتر می‌کنند
۳ـ تامگر همچو صبا زکـوی تو رسم
حاصلم دوش به جز نالهٔ شبگیر نبود
۴ـ دوش درحلقهٔ ما قصهٔ گیسوی‌توبود
تادل شب سخن از سلسلهٔ موی‌تو بود
۵ـ دل‌که‌از ناوك مژگان‌تودرخون‌میگشت
باز مشتاق کـمانخانهٔ ابروی تو بود
۶ـ عالم ازشور وشرعشق خبرهیچ‌نداشت
فتنه انگیز جهان غمزهٔ جادوی توبود
۷ـ دوش می‌آمدورخساره برافروخته‌بود
تاکـجا بـاز دل غمزده سوخته بـود

جمعه

۱ـ درمقامات طریقت هرکجا کردیم‌سیر
عافیت رابانظر بازی فراق افتاده بود
۲ـ دل‌بسی خون‌بکف‌آوردولی‌دیده‌بریخت
الله الله‌کی تلف‌کرد وکی‌اندوخته بود
۳ـ رسم‌عاشق‌کشی وشیوهٔ شهرآشوبی
جامهٔ بودکـه برقامت او دوخـته بود
۴ـ گرچه میگفت که‌زارت‌بکشم میدیدم
که‌نهانش نظری بامـن دلسوخته بود
۵ـ نیکنامی‌خواهی‌ای‌دل بابدان‌صحبت‌مکن
خود پسندی جان‌من برهان نادانی بود
۶ـ دی‌عزیزی‌گفت‌حافظ میخوردپنهان‌شراب
ای عزیز من نه‌عیب آن‌به‌که پنهانی بود
۷ـ مادر درون سینه هوائی نهفته ایم
برباد اگـر رود دل ما زان هوا رود

زبانها

آریایی

(۵)

نیلاب «رحیمی»

\+ +

زیراخورشید را باگل اندو دن سخت‌دشوار است ودر واقع خودرا استهزا کردن‌میباشد.

ب- زبان سغدی : استاد یکه دراثرکاوش های پیهم باستان شناسان شوروی خصوصا استاد فریمان عضو وابسته به فرهنگستان شوروی ازکوه «موق» تا چکستان درسال ۱۹۳۳ بدست آمد ،موقف زبان سغدی را روشن ساخت (۱)

این زبان شاخه ای از زبان اریایی بوده وبه تبعیت از اسم قدیم ماورا النهر بهزبان سغدی معروف است درین زبان طور یکه (ارتور کرستن‌سن) اظهار میدارد در طول خطی متداول بوده است که از دیوار چین تاسمر قند و اسیای مرکزی امتداد داشته ومدت چندین قرن‌این زبان در آسیای‌مرکزی زبان بین المللی بشمار می رفته است و توسط این زبان بودکه کتب مانوی و بودایی نوشته شده وحتی درقبایل ترک نژادهم نفوذ پیداکرد(۲) .وبنا برآثارمشهور می توان گفت که زبان سغدی زبان قدیم سمر قند است که‌بعدها به تمام ماورالنهر سایع شد و (ابور یحان البیرونی)دانشمند عهد غزنوی در اثر نفیس خود (اثار الباقیه) ماه ها وروز های‌زبان سغدی راضبط کرده است (۳). وفعلا در ناحیه (یغنوب) پامیر لهجه ای متداول است که‌از که از بقایای زبان سغدی شمرده میشود.

ج- زبان ختنی : ختن‌که نسبت مشک خود درادبیات ماموقف روشنی رادارد وامروز یکی ازایالات چین بشمار می آید. درآن زبانی‌رایج بودکه آنرا شاخه‌ای از زبان ا صلی آریــن میدانند ، زیرا دانشمندان انتروپولوجی عقیده دارند که باشندگان اصلی این سرزمین دربدو مرحله ترک نژاد نبوده بلکه نژاد آریایی است وازلحاظ شواهد نژادی شبیه (مردم کوهستان آلپ) (۱) . بودند واگر نظری اجمالی بلغات زبان ختنی وآثار اوستایی انداخته شودمشکل بکلی حل خواهد شد . علی الرغم آنکه آثار اززبان ختنی باقی نمانده بود ، لیکن پنجاه سال قبل نسخ خطی ازترکستان چین بدست آمدکه درآن نسخه زبان ختن (هوتنی) وسر زمین ختن (هوتنه) خوانده شده بود، مردمان قدیم ختن بدوزبان هند آشنا بودند که یکی زبان هندقدیم یاسانسکریت ودیگر(پراگریت) که زبان مردمان شمال غرب هندوستان وناحیه پشاور بودکه یکی ازفروعات زبان سانسکریت بشمار میرفت .

زبان خوارزمی : زبانیست که در خوارزم قدیم معمول بود واخیرا در پرتوی حفریات باستان شناسی ماهیت آن آشکار گردید . نسخه‌ای که دراثرحفاری ازخوارزم بدست آمد حاوی یك تقویم واعلام تاریخی بودکه برزبان خوارزمی نوشته شده بود وکتابی نیز ازکتاب خانه استانبول نظر پژوهشگران رابخود جلب کردکه درعهد اسلام بزبان خوارزمی نوشته شد. بااستناد این اسناد ثابت گردید کــه زبان خوارزمی شعبه ای دیگری اززبان‌آریایی هابود .

زبان تخاری : این نام ماخوذ ازنام قومی است که درناحیه بین بلخ وبدخشان‌سکونت داشتند وامروز نیزولایتی باآن نام درتشکیلات ملکی کشور مادر همان محل وجــود دارد . این زبان ازشاخه زبان اصلی (هند واروپایی) آرین بود ودارای دو لهجه بودکه بنام لهجه های (ای وبی) درنزدزبان شناسان اسم‌گذاری شده است ، گرچه داکتر معین این زبـــان راازحیطه زبان های‌آریایی خارج می دانند(۱). لیکن منظوردانشمندان مزبور ممکن است زبان های (هندوایرانی) باشد نه (هندو اروپایی) زیرا مقدسی (۲) معتقد است زبان تخـــاری به زبان بلخی نزدیك است .

زبان پشتو: این زبان امروز از زبان های محلی ومستقل افغانستان محسوب میشود ودرپیرامون این زبان کتب زیاد اخیرا ازجانب دانشمندان تحریر شده است وموقف این‌زبان خودبه خود معلوم است که چطور در مسیر تاریخ تحولات راحایز شده و تغییراتی دیده است تابه پشتومسمی گردیده . حامی ایـن زبان بنابه شواهد تاریخی مردمانی در روند تاریخ بوده اند که در دره های پرخم وپیچی کوهستانی افغانستان امرار حیات می کردند.

زبان پشتو یکی ازشعبات زبان آریایی است ودرین هیچ تردیدی نیست اما مستشر قین اروپایی از جمله (مولر) و (دارمستتر) عقیده دارند که پشتو یاازبان اوستایی مشتق شده ویاازبان دیگریکه موازی با زبان اوستایی بوده است ودر حالیکه زبان پشتو مستقیما از زبان آریایی باختری مسیر خودرا بصورت‌آزاد جدا کرده است و (ترومپ) معتقد است کــه زبان پشتو زبان مستقلی بین زبان های دسته هندی ودسته ایرانی بوده است (۱). بهر صورت امروز زبان پشتو بالهجه های متعدد خوددرساحات بزرگ کشور مابین مردم نجیب این کشور موارد استعمال داشته و بــه آن مفاهمه می شود .

زبان دری : این زبان که وجه تسمیه آنرا (ملك الشعرا بهار) (۱) صاحب برهان قاطع (۲) وغیره نویسندگان شرح داده انــد قدامت تاریخی زیادی دارد، ودرتاریخ ادبــی وفرهنگی کشور عزیز ماافغانستان موقف آ ن اظهرالمن الشمس است وزبان های ر سمی دربار های طاهریان، صفاریان ، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان ... وغیره بوده است . وتاامروز به همان متوال مقام شامخ خود رادر فرهنگ وادب کشور ما حفظ کـــرده است و نسبت شهرتیکه دارد ضرورت به تفصیل در پیرامون آن احساس نمی شود .

درکشور عزیزما بعضی لهجه های متداول است‌که شباهت نزدیکی به زبان اوستاوبعدتر ازآن دارند، که ماجهت روشن شدن موضوع مختصرا ازآن هانام می بریم .

لهجه نورستانی که لهجه های زیادی رانیز دربردارد ، لهجه وخی دروخان، لهجه منجی یامنجانی درمنجان پامیر، لهجه یودغا یدغــه درپامیر، لهجه اشکاشمی در اشکاشم بدخشان لهجه سنگلچی درسنگلچ پامیر، لهجه یازغلامی درپامیر، لهجه زیباکی در زیباك بدخشان، لهجه سریکلی درسریکل پامیر، لهجه شغنی درشغنان بدخشان (ودرواز بدخشان نیز لهجه هست که به شغنی نزدیك می باشد) لهجه ارموری دروزیرستان که شامل دولهجه‌میباشد لهجه لوگر وکینگوام ، لهجه پشه یی در دره های هندوکش (نجراب) ، لهجه پراچی، لهجه بلوچی دربلوچستان وغیره رایج اند. که اگر درقبال این لهجه هابحث کنیم سخـــن دراز خواهد شد، گذشته ازاین لهجه هادر کشور مازبان های ترکمنی وازبکی نیز وجود دارد که عده ازنفوس افغانستان کنونی به آن رفــع مشکلات میکنند. که ازآنجمله زبان ترکی از زبانهاییست که درسطح جهانی موقف ادبــی وتاریخی داشته واز جانب دانشمندان مورد بررسی وتحقیق قرار گرفته است .

زبان های فرس قدیم وپهلوی که اول‌الذکر زبان رایج عهد هخامنشی واخیر الذکر زبان مسلط عهد پارتی ها وسامانیان‌بوده ازآنروست که اوستای نوبزبان پهلوی گردآوری شد و گاتها ازنظر محتوی باسایر قسمت های اوستا مباینت دارد . زبان های مزبور ناشی از زبان اولیه آرین بودند وچون درکشور ما گویندگان آنها ناچیز وحتی وجود نداشت لذابحث در قبال آنها را زاید تلقی کردیم.

---

(۱) ص ۱۸ - مقدمه برهان قاطع باهتمام داکتر محمد معین

(۲) ص ۲۴ ایران درزمان ساسانیان‌تالیف اتور کرستن سن ترجمه رشید یاسمی.

(۳)ص ۱۷ آثار الباقیه البیرونی-ترجمه محمد اکبر دانا سرشت «صیرفی».

(۱) - ص ۱۶ مقدمه برهان قاطع.

(۱) ص ۲٤ مقدمه برهان قاطع .

(۲) ص ۳۳۵ احسن التقاسیم مقدسی .

(۳) ص ۳۳۳ تاریخ افغانستان ج ۱ احمد علی کهزاد .

(۱) ص ۱۹-ج اول سبك شناسی بهار .

(۲) ص ۸٤۸ج ۲برهان قاطع باهتمام داکتر محمد معین .

زنده‌گانی استاد

شاغلی محمد یوسف کهزاد رسام، شاعر وهنرمند تمثیلی فعلا بحیث آمر هنرهای‌زیبای وزارت اطلاعات وکلتور، چون استاد را قبلا میشناخت ومیدانست که اویك رسام‌خوشبین به تربیهٔ جوانان بود باراول بنزد اورفت تــا تدریس هنرهای زیبارا بااستاد خیرمحمدیاری پیش ببرد. براستی استادازخواهش معقولانه سرنه پیچید باوجود ضعف جسمی وکسالت وظیفه تدریس راپذیرفت، هرروز بـــا استاد خیرمحمد یاری که هردواز یاران بسیار قدیم بودند شاگردان راهنمایی میکردند .

استاد رارفقائش بسیار دوست داشتند و بنام (خرجان) یادش میکردند، استاد در وقت حیات حلقه های هنرمندان راازشرکتش‌افتخار می‌بخشید. درمجالس‌دایم به‌تشریف آوری اش انتظار کشیده می شد .

امسال که استاد عالیقدر درحال خدمت به وطنداران عزیزجان خودرا فدا ساخت، حلقه های هنری ازشخصیت وی با تبصره های‌نیك یادمکنند. استاد گرچه بصورت اول یك‌افغان بود، می توانم بگویم‌که ازشخصیت هـــای بین المللی هانیز بشمار میرود،براوراسسازی ازمردمان کشور های دیگر می شناسند وآثار زیادش رابخود دارند ، می ارزد باینکـــه پیشنهاد کنم که تابلو های ارزندهٔ او باید زینت موزیم مان شود وتام نامی اورا تلاشد نگاه داریم . خدایش بیامرزد .

بجواب نامه های شما

یکعده از دوستان و علاقمندا ن مجله ژوندون این هفته به نسبت حلول عید سعید اضحی پیام های تبریکیه برای ما فرستاده اند که البته خیلی محبت فرموده اند واین نمایندگی از لطف بیکرانه شان نسبت بما و مجله محبوب شان میکند . ما هم مقابلتاً عید قربان رابه تمام دوستان تبریك گفته وروز های خوش خوش برایشان می خواهیم .

د رمیان این نامه ها یکی از آنها می نویسند که ژوندون برای ما چه عیدی دارد . .

اگر منظورازین‌دوستمان‌شیرینی‌گك است که چه عرض کنیم . و لی در غیر آن مضا مین پیرامون عید در همین شماره به نشر رسیده است‌که طور عیدی ار زانی و پیشکش شان باد .

بناغلی محمد قاسم ازده سبز .

شما اگر شماره های گذشته ژوندون را مطالعه بفرمایید در پیرامون سوال شما جواب گفته ایم. نظر شما را تایید میکنیم ودر جهت عملی ساختن آن تلاش می ورزیم .

پیغله فوزیه نهاد از مکتب رابعه بلخی :

والبتهٔ در برابر سوالات شمابايد بگوئیم که در نظر گرفتن شرایط وامکانات شرط اصلی و اساسی‌است در غیر آن در قضاوت تان اشتباه میکنید وراه غلط می پیمائید .

به نظر ما وقتی سعی و کوشش بر زمینه های دیگر کار مضاعف گردد کار ها حل میشود ودیگر سوالی باقی‌نمی‌ماند. ولی‌همانطوری که خود شما میدانید ، همیشه شرایط این چانس را به آدم‌نمیدهد. اگر قبول ندارید . پس شما دختری هستید صاحب طالع بیدار. موفق باشید .

محترمه زهرا ع، ز:

از ما می پرسند شرایط همکاری با مجله چگونه است ، شما چه نوع مضا مین را نشر میکنید همیشه خواسته ام برای مجله ژو ندون مضا مینی ترجمه کنم و لی رو حیه نشراتی شما را درست نمیدانم .

ـ این سوال رابسیاری ازدوستان که میخواهند تازه همکاری را بامجله شروع نمایند ، طرح میکنند حتی کسانیکه مثلا همکاری های‌بامطبوعات داشته اند . مضا مین مجله ژوندون خود پاسخگوی این سوال است‌یعنی اگر یکبار دوسه شماره مجله رابدقت نگاه کنید این سوال حل میشود .

اما بخاطر قناعت بیشتر شما دوستان باید بگوئیم که ژو ندو ن يك مجله ذوقی است و بیشتر موضو عاتی را بدست نشر میسپارد که یکتعداد زیاد به آن علاقه بگیرند موضوعات « دارای علا یق بشری» در درجه اول برای ماقابل پذیرش است .

بناغلی محمد صدیق متعلم صنف دهم لیسه غازی :

در مورد اینکه بعضی اشخا ص چرا میکوشند بجبر بالای دیگرا ن بقبولانند که مثلا مریض روانی است ویا عقده دارد و آن شخص اگرمریض هم نباشد تحت تاثیر قرار میگیرد.

خدمت محترم آقای محمد صدیق عرض کنم که اگرچه بنده آشنایی چندانی با روانشنا سی ندارم و لی با آنهم اینقدر میدانم که باین دسته آدمها که در وجود دیگران در صدد عقدیابی هستند . « ر وا نشنا س نماها » میشود خطاب شان کرد .

یعنی اینها، همانطوریکه شما گفتید هر چند هم کسی به سلامت وعقل و روان خود ایمان داشته باشد پس از يك نظر اندازی دست کم یکی دو عقیده را در وجود او کشف میکنند.

همیشه تکیه این اشخاص بریکی دو اصطلاح و یا کتاب روانشناسی و دو اتکاوی است ، بطوریکه اگر شما آدم زود باوری باشید تصور میکنید که طرف دانش گسترده در زمینه دارد و بهمین سبب هم است که تحت تاثیر او قرار می گیرندواما شما آقای محمد صدیق بر سخنا ن این کتگوری اشخاص حساب نکنید وسخت هم نگیرد . نشود که شماهم تحت تاثیرقرارگرفته و خداناخواسته ناحق برخود مریض و یا عقدهٔ را حمل نمائید .

بناغلی عبدالغنی از کندز :

خواسته شما بر اثر مطالعه ، ممارثت وتمرین‌برآورده‌شد ه‌میتواند. دیگران نیز از همین راه بهدف‌رسیده اند . استعداد در هر فردی و جود دارد منتها احتیاج به این دارد که چطور رشد کند و بیدار گردد .

پیغله سیما ، ن،س :

طی نامه ای می نویسد که ازآینده وحشت دارد . او نمیداند از چه چیز آینده هراسان است و لی در حال می ترسد .

پیغله سیما . شما از آینده‌ترسی بدل راه ندهید به خود ایمان داشته باشید و به اطرافیان تان ومخصوصاً کسان نزدیك خود اعتماد کنید . شما حتماً با مشکلی مواجه هستید یا پربلمی دارید که شاید به آینده تان مربوط باشد و همین يك مشکل به نظر شما بسیار بزرگ جلوه‌کرده است بطوریکه شما از همه چیز در آینده وحشت دارید . به نظر ما درینمورد با خوبترین و صمیمی‌ترین کسانتان مشوره کنید و قاطعانه تصمیم بگیرید . به امید آینده‌روش وامید بخش .

پیغله هما محب :

می پرسند که چرا مضا مین وراپور تاژ داخلی بیشتر درژوندون بچاپ نمی رسد ؟

دوست ارجمند ما همیشه سعی داریم . تا به مضامین و راپور تاژ های داخلی حق تقدم و رجحان داده شود . و لی شرط اینست که مطالب دلچسپ و مورد خواست‌همگان‌باشد وهمانطوریکه مجله ژوندون يك مجله ذوقی است به مذاق همگا ن برابر . و به اصطلاح «توی‌دوقشان» نزند اینجاست که مطالب داخلی وخارجی را نشر میکنیم تا تنوع در نشر مضا مین بوجود آمده باشد .

فقیر محمد ننگیالی ترمپت نوا زپرآوازه وموفق افغا نستا ن

مودوفیشن

دو نمونـه از لـباس ها ی مخصوص خزان از تازه تر ین‌کتلاك های سال برای ذوقمندان‌مود وفیشن انتخاب کرده ایم‌تا

بااستفاده از تکه های سا خت‌وطن برایتان ایـن لباس هاراتهیه نمائید .